ترجمه صحيفه كامله سجاديه       7     مقدمه در بيان اسناد صحيفه سجاديه

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 7

مقدمه در بيان اسناد صحيفه سجاديه‏

استاد حسين انصاريان‏

حديث كرد براى ما سيّد اجلّ نجم الدين بهاء الشرف، ابوالحسن، محمد بن الحسن فرزند احمد بن على، فرزند محمد بن عمر بن يحيى العلوى الحسينى- رحمت خدا بر او باد كه گفت: خبر داد ما را شيخ سعيد ابوعبداللّه محمد بن احمد بن شهريار، خزانه دار آستان مَلَك پاسبان مولايمان اميرالمؤمنين على بن ابى طالب عليه السلام در ماه ربيع الاول از سال 516، در حالى كه صحيفه بر او خوانده مى‏شد و من مستمع آن بودم، گفت: شنيدم آن را در حالى كه خوانده مى‏شد بر شيخ راستگو، ابى‏منصور محمد بن محمد بن احمد بن عبدالعزيز عُكْبَرى معدَّل،- رحمت خدا بر او باد- از ابوالمفضّل: محمّد بن عبداللّه بن مطلّب شيبانى، گفت: حديث كرد ما را شريف ابوعبداللّه: جعفر بن محمّد بن جعفر بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن اميرالمؤمنين على بن ابى طالب عليهم السلام گفت: حديث كرد ما را عبداللّه بن عمر بن خطّاب زيّات در سال 265 گفت: حديث كرد مرا دائيم: على بن نعمان اعلم گفت: حديث كرد مرا عمير بن متوكّل ثقفى بلخى، از پدرش متوكّل بن هارون گفت: يحيى بن زيد بن على عليه السلام را پس از شهادت پدرش به وقتى كه به سوى خراسان مى‏رفت ملاقات‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 8

كردم و به حضرتش سلام نمودم، به من فرمود: از كجا مى‏آيى؟ عرضه داشتم: از حج، پس مرا از حال اهلش و عموزادگان خويش كه در مدينه بودند پرسيد و در پرسش از حال جعفر بن محمد عليه السلام مبالغه نمود، پس از حال آن حضرت و احوال ايشان و اندوهشان بر شهادت پدرش زيد بن على عليه السلام به او خبر دادم، يحيى فرمود: عمويم حضرت باقر عليه السلام پدرم را به ترك خروج و شورش سفارش كرد و به او فهماند كه در صورت خروج و جدا شدن از مدينه كارش به كجا خواهد كشيد، آيا تو پسر عمويم حضرت جعفر بن محمد عليه السلام را ملاقات نمودى؟ گفتم: آرى. گفت: آيا درباره من و وضع و كارم شنيدى چيزى بگويد؟ گفتم: آرى، گفت: به چه صورت از من ياد فرمود؟ به من بگو، گفتم: فدايت گردم، علاقه ندارم آنچه را از آن حضرت شنيده‏ام در برابر تو بيان كنم، گفت: آيا مرا از مرگ مى‏ترسانى؟ بگو آنچه شنيده‏اى، گفتم، از او شنيدم كه: تو كشته مى‏شوى و بدنت را به دار مى‏آويزند، چنانكه پدرت كشته و به دار آويخته شد، پس چهره‏اش تغيير كرد و گفت: «خدايا هر سرنوشتى را خواهد محو مى‏كند و يا ثبت مى‏نمايد و امّ‏الكتاب نزد اوست.» اى متوكّل همانا كه حضرت حق اين دين را به وجود ما تأييد فرموده و دانش و اسلحه را به ما مرحمت كرده و هر دو براى ما فراهم گشته و عموزادگان ما به دانش تنها اختصاص يافته‏اند، گفتم: قربانت گردم، من مردم را مشاهده كردم كه به پسر عمويت حضرت صادق مايل‏ترند تا به تو و پدرت، گفت: همانا عمويم محمّد بن على و پسرش جعفر، مردم را به زندگى دعوت كرده‏اند و ما آنان را به مرگ خوانده‏ايم، گفتم: اى فرزند رسول حق! آيا ايشان داناترند يا شما، پس مدّتى ديده به زمين دوخت سپس سر برداشت و گفت: هر يك از ما از دانش بهره‏اى داريم جز آنكه ايشان هر چه را ما

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 9

مى‏دانيم مى‏دانند، ولى ما هر چه ايشان مى‏دانند نمى‏دانيم، آنگاه به من گفت: آيا از پسر عمويم چيزى نوشته‏اى؟ گفت: آرى، گفت: به من نشان بده، پس چند نوع دانش را كه از آن حضرت ضبط كرده بودم به او عرضه داشتم و دعايى را به او نشان دادم كه حضرت صادق بر من املا فرموده بود و حديث كرده بود كه پدرش محمد بن على عليه السلام بر او املا فرموده بود و خبر داده بود كه آن از دعاى پدرش على بن الحسين عليهما السلام از دعاى صحيفه كامله است، پس يحيى تا پايان آن را نظر كرد و گفت: آيا اجازه مى‏دهى كه نسخه‏اى از روى آن برداريم؟ گفتم: اى پسر رسول خدا! آيا در آنچه كه از خود شماست اجازت مى‏خواهى؟ پس گفت: هم اكنون بر تو ارائه خواهم كرد صحيفه‏اى از دعاى كامل را از آنچه پدرم از پدرش حفظ فرموده و مرا به نگاه داشتن و بازداشتن آن از نااهل سفارش فرموده. عمير گويد: پدرم گفت: پس برخاستم و پيشانى او را بوسيدم و گفت: به خدا قسم! اى پسر پيامبر خدا كه من خدا را با محبّت و طاعت شما پرستش مى‏كنم و اميدوارم كه مرا در حيات و ممات به دوستى شما سعادتمند كند. پس صحيفه‏اى را كه به او داده بودم به جوانى كه با او بود داد و گفت: اين دعا را با خطى روشن و نيكو بنويس و به نظر من برسان كه شايد آن را از حفظ نمايم؛ زيرا كه من آن را از پسر عمويم جعفر- كه در حفظ خدا باد- مى‏خواستم او آن را به من نمى‏داد. متوكّل گفت: من از كرده خود نادم شدم و نمى‏دانستم چه كنم و حضرت صادق عليه السلام قبل از آن به من دستور نداده بود كه آن را به كسى ندهم، پس از آن يحيى جامه دانى را طلبيد و صحيفه قفل خورده مهر كرده‏اى را از آن خارج كرد و به مهر آن نظر نمود و بوسيد و گريه كرد، سپس مهر را شكست و قفل را باز كرد، آنگاه صحيفه را گشود و بر چشم خود گذاشت و بر روى خود

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 10

ماليد و گفت: به خدا قسم! اى متوكل اگر نبود مطلبى كه در رابطه با كشته شدن و به دار آويختنم از پسر عمويم حديث كردى، بدون شك اين صحيفه را به تو نمى‏دادم و از تسليمش خوددارى مى‏نمودم ولى براى من روشن است كه گفتار حضرت صادق عليه السلام حق است و آن را از پدرانش گرفته و به زودى صحّت آن روشن خواهد شد و من ترسيدم كه چنين علمى به دست بنى‏اميه افتد و آن را از ديده‏ها بپوشانند و در خزانه خويش براى خود ذخيره نمايند، پس آن را بگير و مرا از پريشانى فكر نسبت به آن آسوده كن و اين امانت در نزد تو باشد و تو به انتظار بنشين تا چون خداوند در كار من و اين قوم حكم خود را جارى سازد، اين صحيفه را به دو پسر عمويم محمّد و ابراهيم، فرزندان عبداللّه بن حسن بن حسن بن على عليهما السلام برسان كه آن دو نفر پس از من در مسئله قيام بر عليه بنى‏اميه قائم مقام منند. متوكّل گفت: من صحيفه را گرفتم و چون يحيى بن زيد به شهادت رسيد به مدينه رفتم و امام صادق عليه السلام را زيارت كردم و قصّه يحيى را براى آن جناب گفت، آن حضرت گريست و فوق العاده بر يحيى اندوهگين شد و فرمود: خدا عموزاده‏ام را رحمت كند و به پدرانش ملحق سازد، به خدا قسم! اى متوكّل مرا از دادن اين دعا به او منع نكرد مگر همان سبب كه يحيى بر صحيفه پدرش از آن مى‏ترسيد، اكنون آن صحيفه كجاست؟ گفتم: اينك اين همان صحيفه است، پس آن را باز كرد و فرمود:

به خدا قسم! اين خط عمويم زيد و دعاى جدّم على بن الحسين عليهما السلام است آنگاه به فرزندش فرمود: اى اسماعيل! برخيز و آن دعا را كه به حفظ و نگهداريش تو را امر كردم بياور، پس اسماعيل برخاست و صحيفه‏اى را كه انگار همان صحيفه‏اى است كه يحيى بن زيد به من داده بود بيرون آورد، پس حضرت صادق عليه السلام آن را بوسيد و بر چشم خود

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 11

نهاد و فرمود: اين خط پدرم و املاى جدم عليهما السلام در حضور من است، عرض كردم: اى پسر رسول خدا! اگر اجازه دهى آن را با صحيفه زيد و يحيى مقابله نمايم، پس اجازه داد و فرمود: تورا براى اين عمل شايسته ديدم، پس من آن دو را مقابله كردم و ديدم كه هر دو يكى است و حتى در يك حرف هم با يكديگر اختلاف ندارند، سپس از آن حضرت اجازه طلبيدم كه صحيفه يحيى را بنا بر وصيّتش به عموزادگانش پسران عبداللّه بن حسن مستردّ دارم، فرمود: «خداوند شما را امر مى‏كند كه امانت‏ها را به صاحبانشان بازگردانيد»، آرى، آن را به ايشان بده، چون براى زيارت آن دو برخاستم فرمود: بنشين، سپس كسى را به احضار محمّد و ابراهيم فرستاد، چون حاضر شدند، فرمود: اين ميراث پسرعمويتان يحيى است از پدرش كه شما را به جاى برادران خود به آن اختصاص داده و ما را در خصوص آن با شما شرطى است، گفتند: بگوى، خداوند تو را رحمت كند كه سخن تو مقبول است، فرمود: اين صحيفه را از مدينه خارج نكنيد، گفتند: چرا؟ فرمود: پسر عموى شما درباره اين صحيفه از برنامه‏اى ترس داشت كه من راجع به شما به همان گونه ترس دارم، گفتند: او زمانى درباره اين صحيفه ترسيد كه دانست كشته مى‏شود، امام صادق عليه السلام فرمود: شما نيز از اين واقعه ايمن نباشيد؛ زيرا به خدا قسم من مى‏دانم كه شما به زودى خروج خواهيد كرد چنانكه او خروج كرد و به زودى كشته خواهيد شد چنانكه او كشته شد. پس از جاى برخاستند در حالى كه مى‏گفتند: لاحول و لاقوة الّا باللّه العلىّ العظيم. چون از نزد حضرت صادق عليه السلام بيرون رفتند به من فرمود: اى متوكّل! چگونه يحيى به تو گفت كه عمويم محمد بن على و پسرش جعفر مردم را به زندگى دعوت كردند، وما ايشان را به مرگ؟! گفت: آرى- اصْلَحَكَ اللّه- عموزاده‏ات يحيى‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 12

چنين سخنى به من گفت، فرمود: خدا يحيى را رحمت كند، پدرم مرا از پدرش از جدّش از على عليه السلام حديث كرد كه رسول خدا صلى الله عليه و آله را در حالى كه روى منبر بود، خواب سبكى ربود، پس در عالم خواب ديد كه مردانى چند همانند بوزينگان بر منبرش مى‏جهند و مردم را به عقب (دوران جاهليّت) برمى‏گردانند. پس رسول خدا صلى الله عليه و آله به حال عادى بازگشت و نشست و اندوه و حزن در چهره‏اش آشكار بود، پس امين وحى اين آيه را براى حضرت آورد: «و ما رؤيايى را كه در خواب به تو نمايانديم و شجره ملعونه در قرآن را قرار نداده‏ايم مگر براى آزمايش مردم؛ و مردم را بيم مى‏دهيم ولى جز بر سركشى آنان نمى‏افزايد» و مراد از شجره ملعونه، بنى‏اميّه هستند. پيامبر فرمود: اى جبرئيل! آيا ايشان در زمان من خواهند بود؟ گفت: نه، ولى آسياى اسلام از ابتداى هجرتت به گردش مى‏آيد و تا ده سال مى‏گردد، سپس بر سر سال سى و پنجم از هجرتت به گردش مى‏افتد و تا پنج سال به آن صورت مى‏ماند، آنگاه به ناچار آسياى ضلالت بر محور خود قائم خواهد شد و پس از آن پادشاهى فراعنه است.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: و خداى بزرگ در اين باره وحى نازل كرد كه: «به تحقيق ما آن را در شب قدر نازل كرديم و چه مى‏دانى كه شب قدر چيست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است» كه بنى‏اميّه در آن حكومت كنند و شب قدر در آن نباشد. سپس فرمود: پس خداى عزّوجلّ پيامبر عليه السلام را آگاه فرمود كه بنى‏اميه قدرت و حكومت اين امت را به دست مى‏گيرند و مدت سلطنتشان برابر همين زمان است، پس اگر كوهها با ايشان به سركشى برخيزند ايشان بر كوهها بلندى گيرند تا وقتى كه خداى بزرگ به نابودى حكومتشان حكم كند و بنى‏اميه در اين مدت عداوت و كينه ما اهل بيت را شعار خود مى‏نمايند، خداوند از آنچه در

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 13

مدت حكومت بنى‏اميه بر اهل بيت محمد و دوستان و شيعيانشان مى‏رسد به رسولش خبر داد، آنگاه حضرت صادق عليه السلام فرمود: و خدا درباره بنى‏اميه وحى نازل فرمود كه: «آيا نديدى كسانى را كه نعمت خدا را به كفر بدل كردند و قوم خود را به دار هلاكت افكندند دوزخ كه در آن سرنگون شوند و بد قرارگاهى است.»! و نعمت خدا محمد و اهل بيت آن حضرتند كه دوستى ايشان ايمانى است كه باعث ورود به بهشت است و دشمنى ايشان كفر و نفاقى است كه به جهنّم درمى‏آورد، پس رسول خدا اين راز را پنهانى با على و اهل بيتش در ميان گذاشت. متوكّل گفت: پس از آن حضرت صادق عليه السلام فرمود: احدى از ما اهل بيت تا روز قيامت قائم ما براى دفع ظلمى يا به پا داشتن حقّى (بدون اذن امام يا بدون نيروى لازم) خروج نكرده و نخواهد كرد مگر آنكه طوفان بلا او را از ريشه بركند و قيامش موجب افزايش غصّه ما و شيعيان ما گردد. متوكّل گفت:

آنگاه حضرت صادق عليه السلام دعاهاى صحيفه را بر من املا فرمود و آن هفتاد و پنج باب بود كه من به حفظ يازده باب آن توفيق نيافتم و شصت و چند باب آن را حفظ نمودم. (عكبرى گويد:) و حديث كرد ما را ابوالمفضّل، گفت: و حديث كرد مرا محمد بن حسن ابن روزبه ابوبكر مداينى كاتب ساكن رحبه در خانه خودش، گفت: حديث كرد مرا محمد بن احمد بن مسلم مطهّرى، گفت: حديث كرد مرا پدرم از عمير بن متوكّل بلخى از پدرش متوكّل بن هارون گفت: يحيى بن زيد بن على عليه السلام را ملاقات نمودم- سپس حديث را تا خواب پيامبر صلى الله عليه و آله كه حضرت صادق از پدرانش- كه درود خدا بر آنان باد- روايت كرد بيان كرد و فهرست ابواب دعا در روايت مطهّرى چنين است:

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 14

1. دعاى آن حضرت در ستايش خداى عزوجل 2. دعاى آن حضرت بر محمّد و آل محمّد 3. دعاى آن حضرت بر حاملان عرش 4. دعاى‏آن حضرت بر آنان كه به پيامبران ايمان آورده‏اند 5. دعاى آن حضرت براى خود و نزديكانش 6. دعاى آن حضرت به وقت صبح و شام 7. دعاى آن حضرت به وقت مهمّات و رنج 8. دعاى آن حضرت در پناه بردن به خداوند 9. دعاى آن حضرت در شوق به آمرزش 10. دعاى آن حضرت در پناه بردن به خداوند 11. دعاى آن حضرت در عاقبت به خيرى 12. دعاى آن حضرت در اقرار به گناه 13. دعاى آن حضرت در طلب حاجت‏ها 14. دعاى آن حضرت در دادخواهى از ستمگران 15. دعاى آن حضرت به وقت بيمارى 16. دعاى آن حضرت در طلب بخشش و آمرزش ناهان 17. دعاى آن حضرت چون نام شيطان برده مى‏شد 18. دعاى آن حضرت در دفع بلاها و سختى‏ها 19. دعاى آن حضرت به وقت درخواست باران 20. دعاى آن حضرت در مكارم اخلاق 21. دعاى آن حضرت به وقت رويدادهاى اندوه‏آور 22. دعاى آن حضرت در سختى و گرفتارى 23. دعاى آن حضرت براى تندرستى 24. دعاى آن حضرت براى پدر و مادر 25. دعاى آن حضرت براى فرزندانش 26. دعاى آن حضرت براى همسايگان و دوستانش 27. دعاى آن حضرت براى مرزداران 28. دعاى آن حضرت در ترس از خدا 29. دعاى آن حضرت به وقت تنگى رزق 30. دعاى آن حضرت براى اداى وام 31. دعاى آن حضرت در توبه و بازگشت 32. دعاى آن حضرت در نماز شب 33. دعاى آن حضرت در درخواست خير و نيكى 34. دعاى آن حضرت به هنگام گرفتارى 35. دعاى آن حضرت در رضا به قضاى حق 36. دعاى آن حضرت به وقت شنيدن رعد 37. دعاى آن حضرت در شكر 38. دعاى آن حضرت در عذرخواهى از حق 39. دعاى آن حضرت در طلب عفو 40. دعاى آن حضرت به وقت ياد مرگ 41. دعاى آن حضرت در درخواست پرده‏پوشى 42. دعاى آن حضرت به وقت ختم قرآن 43. دعاى آن حضرت به وقت ديدن ماه نو 44. دعاى آن حضرت به وقت فرا رسيدن ماه رمضان 45. دعاى آن حضرت به هنگام وداع ماه رمضان 46. دعاى آن حضرت در روز عيد فطر و جمعه‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 15

47. دعاى آن حضرت در روز عرفه 48. دعاى آن حضرت در روز عيد قربان و جمعه 49. دعاى آن حضرت دردفع مكر دشمنان 50. دعاى آن حضرت در ترس از حق 51. دعاى آن حضرت در تضرّع و زارى به درگاه حق 52. دعاى آن حضرت در اصرار در طلب 53. دعاى آن حضرت در فروتنى 54. دعاى آن حضرت در رفع اندوه‏ها

و باقى ابواب به لفظ ابوعبداللّه حسنى رحمه الله است: حديث كرد ما را ابوعبداللّه جعفر بن محمد حسنى، گفت: حديث كرد ما را عبداللّه بن عمر بن خطّاب زيّات، گفت: حديث كرد مرا دائيم على بن نعمان اعلم، گفت:

حديث كرد مرا عمير بن متوكّل ثقفى بلخى، از پدرش متوكّل بن هارون گفت: املا فرمود بر من آقايم امام صادق عليه السلام ابوعبداللّه جعفر بن محمد، فرمودند: جدّم على بن الحسين بر پدرم محمّد بن على- بر تمامشان درود- در حضور من املا فرمود.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 16

دعاى 1 در توحيد و ستايش حق تعالى‏

سپاس مخصوص خداست. آن وجود مباركى كه اول است، بى‏آن كه كه اوّلى پيش از او باشد و آخر است، بى‏آن كه آخرى پس از او باشد. ديده بينندگان از ديدنش ناتوان، و گمان وصف كنندگان از ستودنش عاجز است. موجودات را به قدرتش آفريد؛ آفريدنى خوش‏نما و مخلوقات را به اراده‏اش ساخت، ساختنى زيبا.

آن‏گاه، تمام آنها را در مسير خواسته خود راهى نمود و در راه محبتش برانگيخت. قدرت پس رفتن، به جانب مرزهايى كه آنان را از آنها پيش انداخت ندارند و توان پيش رفتن به سوى حدودى كه آنان را از آنها پس انداخت ندارند.

از رزق و روزيش، براى هر يك از جان داران، خوراكى معلوم و قسمت شده قرار داد. سهم كسى را كه فراوان داده، احدى نمى‏تواند بكاهد و نصيب كسى از آنان را كه كاسته، هيچ كس نمى‏تواند بيفزايد.

الهى به وقت داشتن مال، از افتادن در چاه هولناك اسراف به تو پناه مى‏برم و از نداشتن مال در حدّى كه زندگى و معيشتم را اداره كند به حضرت تو التجا مى‏كنم.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 20

آنگاه زندگى او را زمانى معيّن، مقدّر فرمود و پايانى محدود قرار داد كه به سوى آن پايان، با ايّام عمرش قدم برمى‏دارد و با سال‏هاى زندگيش، به آن نزديك مى‏شود، تا هنگامى كه به دورترين باقى مانده پايان زندگيش برسد و پيمانه حساب عمرش را تمام و كامل دريافت كند. او را به سوى آنچه از پاداش بسيار، يا عذاب دردناك فرا خوانده ببرد، تا به خاطر عدالتش، بدكاران را به علّت كردار ناپسندشان و نيكوكاران را به سبب كار نيكشان جزا دهد. پاك و مبارك است نام‏هاى حضرتش و پى در پى است نعمت‏هايش. از آنچه انجام مى‏دهد، بازخواست نشود، ولى همگان در پيشگاهش بازخواست شوند.

تا هنگامى كه به دورترين باقى مانده پايان زندگيش برسد و پيمانه حساب عمرش را تمام و كامل دريافت كند. او را به سوى آنچه از پاداش بسيار، يا عذاب دردناك فرا خوانده ببرد، تا به خاطر عدالتش، بدكاران را به علّت كردار ناپسندشان و نيكوكاران را به سبب كار نيكشان جزا دهد.

پاك و مبارك است نام‏هاى حضرتش و پى در پى است نعمت‏هايش. از آنچه انجام مى‏دهد، بازخواست نشود، ولى همگان در پيشگاهش بازخواست شوند.

سپاس مخصوص خداست كه اگر بندگانش را از شناختِ سپاس‏گزاريش بر آنچه كه از عطاياى پياپيش كه محض امتحان كردنشان به آنان عنايت فرمود و نعمت‏هاى پيوسته‏اى كه بر آنان كامل كرد، به چاه محروميّت مى‏انداخت، در عطايا و نعمت‏هايش، دخل و تصرّف مى‏كردند و او را سپاس نمى‏گزاردند و روزيش را به فراوانى خرج مى‏كردند و به شكر عناياتش برنمى‏خاستند. اگر چنين بودند، از حدود انسانيّت بيرون مى‏رفتند و به مرز حيوانيّت مى‏رسيدند.

در نتيجه به اين صورت بودند كه در كتاب محكمش وصف كرده: «آنان جز مانند چهارپايان نيستند بلكه آنان گمراه‏ترند!».

و سپاس مخصوص خداست كه وجودش را به ما شناساند و شكرش را به ما

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 21

الهام فرمود و درهاى دانش را به پروردگاريش به روى ما گشود و ما را بر اخلاص ورزى در يكتاييش راهنمايى كرد و از انحراف در دين و ترديد در دستورش، دور داشت.

خدا را سپاس مى‏گزارم، سپاسى كه با آن، در گروه سپاس‏گزاران از بندگانش زندگى كنم و با آن سپاس بر هر كه به خشنودى و گناه بخشيش پيشى جسته، سبقت گيرم.

سپاسى كه به سبب آن، تاريكى‏هاى برزخ را بر ما روشن كند و به وسيله آن، راه رستاخيز را بر ما آسان فرمايد و به كمك آن، رتبه‏هاى ما را نزد گواهان روز قيامت بلند گرداند. روزى كه هر وجودى، به خاطر آنچه مرتكب شده، پاداش داده شود و مورد ستم قرار نگيرد؛ روزى كه هيچ دوستى، چيزى از عذاب را از دوستش دفع نكند و اين گنهكاران حرفه‏اى از جانب كسى يارى نشوند؛ سپاسى كه از جانب ما، در پرونده‏اى كه كردار نيكان در آن رقم خورده و مقرّبان درگاهش گواهان آنند، به سوى اعلا عليّين بالا رود، سپاسى كه چون ديده‏ها در قيامت خيره شود، سبب روشنى ديده ما شود و هنگامى كه چهره‏ها سياه گردد، به نورانيّت آن صورت‏هاى ما به سپيدى رسد. سپاسى كه ما را از آتش دردناك خدا آزاد و در جوار كريمانه‏اش جاى دهد.

خدايا! اكنون كه مرا به پرده گذشت و عفوت پوشاندى و در اين جهان فانى، احسانت را در برابر مردم شامل حال من فرمودى، پس مرا از رسوايى‏هاى جهان ابدى، در برابر اهل محشر كه عبارتند از فرشتگان مقرّب و پيامبران بزرگوار و شهدا و شايستگان پناه ده.

سپاسى كه به وسيله آن، همدوش فرشتگان شويم و در پيشگاه رحمتش جاى را بر آنان تنگ كنيم و به سبب آن، در سراى جاودانى كه از بين نمى‏رود و محل كرامتش كه دگرگونى نمى‏پذيرد با پيامبران مرسل همراه شويم. و سپاس‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 22

مخصوص خداست كه زيبايى‏هاى آفرينش را براى ما برگزيد و روزى‏هاى پاكيزه را به سوى ما روان ساخت.

و ما را با تسلّط بر همه موجودات برترى داد. در نتيجه، همه موجوداتش بر اساس قدرت حضرتش فرمانبردار ما هستند و در سايه عزّتش، در گردونه اطاعت از ما قرار دارند. و سپاس مخصوص خداست كه درِ احتياج و نياز ما را از غير خود بست؛ پس چگونه قدرت، سپاس‏گزارى او را داريم؟ يا چه زمانى مى‏توانيم به اداى شكرش اقدام كنيم؟ هيچ گاه!

و سپاس مخصوص خداست كه در پيكر ما ابزار گشودن اندام را سوار كرد و آلات بستن آنها را قرار داد و ما را با روان‏هاى زنده، از زندگى بهره‏مند ساخت و اعضاى انجام دادن كار را در وجود ما استوار كرد و با روزى‏هاى پاكيزه خوراك داد و با احسانش ما را بى‏نياز كرد و با عطايش به ما سرمايه بخشيد، آنگاه دستورهايش را متوجّه ما فرمود تا فرمان بردن ما را بسنجد و از محرمّات بر حذرمان داشت تا شكر كردنمان را بيازمايد، پس از اين همه عنايت، از مسير دستورش روى گردانديم و بر مركب سخت و سنگين محرّماتش سوار شديم. با اين همه، به كيفرش نسبت به ما شتاب نورزيد و بر انتقام گرفتن از ما عجله نكرد؛ بلكه به رحمت و كرمش از سر خشنودى و رضايت با ما معامله كرد و به مهربانى و بردباريش، بازگشت ما را از مسير گناه انتظار كشيد.

و سپاس مخصوص خداست كه ما را به بازگشت و توبه از گناه، راهنمايى كرد؛ توبه‏اى كه آن را جز از طريق احسانش به دست نياورديم و اگر از فضل و احسان بى شمارش، غير اين عنايت را كه عبارت از بخشيدن نعمت توبه و بازگشت است، به حساب نياوريم، محققاً آزمايشش درباره ما نيكو و احسانش در حقّ ما بزرگ و بخشش او بر ما عظيم است.

روش وجود مقدسش در برنامه توبه درباره كسانى كه پيش از ما بودند،

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 23

چنين نبود؛ آنچه را در عرصه‏گاه توبه، در طاقت و توان ما نبوده، از دوش جان ما برداشته و جز به اندازه قدرت و وسعمان به ما تكليف نفرموده، در ميان آن همه تكاليف سخت، ما را جز به تكاليف آسان و انداشته و در اين زمينه، براى هيچ يك از ما دليل و بهانه‏اى باقى نگذاشته است؛ بنابراين هلاك شونده از ما، كسى است كه در ميدان مخالفت با او هلاك گردد و سعادتمند از ما كسى است كه به سوى او ميل و رغبت نمايد.

و خدا را سپاس، به همه آن سپاسى كه نزديك‏ترين فرشتگان به او و بزرگوارترين مخلوقاتش نزد او و پسنديده‏ترين ستايش‏گران آستان او، حضرتش را ستوده‏اند؛ سپاسى كه از ديگر سپاس‏ها، برترى جويد، مانند برترى پروردگار به همه مخلوقات. سپس او را سپاس، به جاى تمام نعمت‏هايى كه او بر ما و به تمام بندگان گذشته‏اش و همه آنانى كه هستند و مى‏آيند دارد، سپاسى به عدد تمام اشيايى كه دانشش بر آنها احاطه دارد و سپاسى به جاى هر يك از اشيا به چندين برابر؛ سپاسى ابدى و هميشگى تا روز قيامت، سپاسى كه مرزش را پايانى و شماره آن را حسابى و پايانش را نهايتى و مدّتش را سرآمدى نباشد.

سپاسى كه رشته اتصال به طاعت و بخشش و عامل رضايت و خشنوديش و وسيله آمرزشش و راهى به سوى بهشتش و حفاظت كننده از كيفرش و امان از خشمش و مددكارى بر طاعتش و مانع و سدّى از نافرمانيش و كمكى بر اداى حق و عهد و پيمانش باشد.

سپاسى كه به وسيله آن، در گروه سعادتمندان از دوستانش، به خوشبختى و سعادت برسيم، و به سبب آن با شمشير دشمنانش در سلك شهيدان قرار گيريم. همانا او يار بندگان، و خداى ستوده خصال است.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 24

دعاى 2 در صلوات بر رسول خدا صلى الله عليه و آله و بيان اوصاف آن حضرت‏

سپاس مخصوص خداست، كه نه بر امّت‏هاى گذشته و زمان‏هاى سپرى شده؛ بلكه بر ما به وجود محمد صلى الله عليه و آله منّت نهاد؛ با قدرتش كه از هيچ چيز هر چند بزرگ باشد، ناتوان نمى‏شود و هيچ چيز هر چند كوچك و ريز باشد، از دايره اختيار و عرصه ارادتش، بيرون نمى‏رود.

خداى توانا، ما را بر همه امّت‏هايى كه آفريد، خاتم قرار داد و بر همه منكران حق و حقيقت گواه گرفت و با نيكى و احسانش، ما را بر آنان كه اندك بودند، فزونى بخشيد.

خدايا بر محمّد درود فرست، آن وجود مباركى كه امين بر وحيت و گزيده از مخلوقاتت و انتخاب شده از بندگان توست و او پيشواى رحمت و قافله سالار خوبى و كليد بركت است.

چنانكه جانش را براى فرمانت به زحمت انداخت و بدنش را در راه وجود مقدّست در معرض ناراحتى قرار داد و در دعوت به سوى تو، آشكارا با خويشان و نزديكانش رو در رو قرار گرفت و در مسير خشنوديت با اشخاص خانواده‏اش جنگيد و در راه برقرارى دينت، از خويشاوندانش بريد و نزديك‏ترين بستگانش را به سبب انكارشان، از خود دور كرد و دورترين را به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 28

علت پذيرفتن دين تو، به خود نزديك فرمود. با بيگانه‏ترين مردم، به خاطر تو دوستى ورزيد و با نزديك‏ترين خويشان، به هواى تو دشمنى كرد.

و جانش را در رساندن پيام تو به خستگى افكند و وجودش را به خاطر فراخواندن مردم به آيين تو، به زحمت افكند و خود را به جهت خيرخواهى، نسبت به پذيرندگان دعوتت در عرصه كار و كوشش گذاشت و براى تبليغ دينت، به سرزمين‏هاى غربت و جا و مكان دور از وطن و دور از خانه و منزلش و جداى از مركز سكونت و محلّ تولد و آرامگاه جانش، هجرت كرد. اين هجرت اراده و خواست او بود براى نيرومند شدن دينت و يارى جستن عليه كافران به حضرتت، تا جايى كه راه آنچه، درباه دشمنانت با چاره‏جويى و دورانديشى، در صدد به دست آوردنش بود، براى او هموار شد و آنچه در مورد دوستانت، سنجيده و نظام داده بود برايش كامل گشت. پس در حالى كه از كمك دهيت، خواستار پيروزى بود و از ياريت به جبران ناتوانيش خواهان نيرو و قدرت بود، به سرعت به كارزار، با دشمنان برخاست؛ در نتيجه در وسط سرزمينشان با آنان جنگيد و در ميان محلّ اقامتشان به آنان هجوم برد تا فرمانت آشكار شد و دينت برترى يافت؛ گرچه مشركان را خوش نيايد.

خدايا! به خاطر مشقّت و زحمتى كه در راه تو كشيد، مرتبه او را به بالاترين درجه بهشت بالا بر، تا جايى كه هيچ فرشته مقرّب و پيامبر مرسل، در پيشگاه حضرتت در قدر و منزلت و درجه و مرتبت با او يكسان و برابر و موازى نشود و از نيكى شفاعت و پذيرش ميانجى‏گرى او در مورد اهل بيت پاكيزه‏اش و امّت مؤمنش، بيش‏تر از آنچه به او وعده داده‏اى، به حضرتش اعلام كن. اى كه وعده‏ات تحقق مى‏يابد و عهدت قرين وفاست! اى كه بدى‏ها را، به چندين برابر به خوبى‏ها تبديل مى‏كنى! همانا تو صاحب احسان و بخشش عظيمى.

دعاى 3 درود بر فرشتگان‏

خدايا! و حاملان عرشت؛ آن بزرگوارانى كه از تسبيح گفتن براى تو سست و بى‏حال نمى‏شوند و از تقديست به ستوه نمى‏آيند، و از بندگيت خسته و وامانده نمى‏گردند، و كوتاهى در عمل را بر كوشش در اجراى دستورت ترجيح نمى‏دهند، و از شيفتگى و سرگشتگى نسبت به تو، غفلت نمى‏ورزند.

و اسرافيل كه صاحب شيپور است؛ آن بلندمرتبه‏اى كه چشم به راه اجازه و فرود آمدن دستور، از جانب توست. به محض رسيدن فرمانت با يك بار دميدن در شيپور، افتادگان در زندان گور، از خواب مرگ بيدار مى‏كند.

و ميكائيل كه نزد تو، صاحب مقام و مرتبه است، و در عرصه طاعتت داراى درجه‏اى بلند است. و جبرئيل كه امين بر وحى توست، و در ميان اهل آسمان‏هايت مورد اطاعت است؛ فرشته‏اى كه در پيشگاهت ارجمند، و نزد حضرتت مقرب است. روحى است كه بر فرشتگانِ حجاب‏ها گمارده‏اى، و جانى است كه از مشرق فرمانت طلوع كرده؛ پس بر همه آنان درود فرست. و بر فرشتگانى كه از نظر مرتبه و مقام پايين‏تر از آنانند؛ فرشتگانى كه ساكنان آسمان‏هايت هستند، بر پيام‏هايت امينند.

و آنان كه به خاطر كوشش پيوسته و دائم‏شان، ملامت بر آنها وارد نمى‏شود،

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 32

و از هيچ زحمتى، خستگى و سستى و ناتوانى به آنان راه پيدا نمى‏كند. اميال و شهوات، از تسبيحت بازشان نمى‏دارد، و فراموشى ناشى از غفلت‏ها آنان را از تعظيم به تو جدا نمى‏كند، فروهشته ديدگانند؛ بنابراين، نظر كردن به جمال و جلال حضرتت را درخواست نمى‏كنند. از حقارت و خوارى، در برابر عظمتت سر به زير افتاده‏اند. شوقشان به آنچه نزد توست، طولانى شد. به ياد نعمت‏هايت شيفته‏اند و در برابر عظمت و بزرگى كبرياييت فروتنند.

و آن دسته از فرشتگانى كه چون به جانب جهنّم بنگرند، و آن را بر متخلّفان از دستورهايت خروشان و عربده‏كنان ببينند، مى‏گويند: خدايا! منزّه و پاكى. ما تو را چنانكه سزاوار توست بندگى نكرديم؛ پس بر آنان درود فرست، و نيز درود فرست بر روحانيون از فرشتگانت و اهل رتبه و منزلت در پيشگاهت و حاملان پيام غيب، به سوى رسولانت، و امينان بر وحيت و اصناف فرشتگانى كه آنان را به خود اختصاص داده‏اى، در سايه تقديست، از خوراك و آشاميدن بى‏نياز كرده‏اى، و در اندرون طبقات آسمان‏هايت، ساكن فرموده‏اى.

و درود بر آنان كه چون فرمانت به انجام وعده‏ات نازل شود، به اطراف آسمان‏ها گماشته شوند.

و درود بر خزانه‏داران باران و حركت دهندگان ابر و فرشته‏اى كه به صداى فريادش، غرّش رعدها شنيده مى‏شود، و هنگامى كه ابر خروشان به وسيله او به حركتى شتابانه درآيد، شعله‏هاى برق درخشيدن گيرد.

و درود بر فرشتگانى كه برف و تگرگ را بدرقه مى‏كنند، و فرشتگانى كه همراه قطره باران، چون ببارد، فرود آيند. و درود بر آنان كه سرپرست خزينه‏هاى بادند، و آنان كه بر كوه‏ها گماشته شده‏اند؛ بنابراين از جا در نمى‏روند، و درود بر آنان كه وزن آب‏ها، و اندازه باران‏هاى سيل‏آسا، و رگبارهاى متراكم را به آنها شناسانده‏اى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 33

و درود بر فرستادگانت به سوى اهل زمين، از فرشتگانى كه گرفتارى ناخوشايند و گشايش خوش آيند براى آنان مى‏آورند، و درود بر سفيران بزرگوار نيكوكار، و نويسندگان ارجمندى كه حافظان اعمال مردمند، و درود بر فرشته مرگ و يارانش و منكر و نكير و رومان آزمايش كننده مردگان قبرها، و درود بر طواف‏كنندگان بيت معمور، و بر مالك و خازنان دوزخ و رضوان، و خدمتگزاران بهشت.

و درود بر فرشتگانى كه، خدا را در آنچه دستورشان مى‏دهد، مخالفت نمى‏كنند، و آنچه را فرمان داده مى‏شوند، انجام مى‏دهند.

و درود بر فرشتگانى كه به اهل بهشت مى‏گويند: بر شما به خاطر صبرى كه بر عبادات و ترك محرمات كرديد، سلام باد. بنابراين خانه آخرت براى شما نيكو خانه‏اى است، و درود بر نگاهبانان دوزخ؛ چون به آنها گفته شود: مجرم را بگيريد و او را زنجير كنيد و سپس به جهنّم دراندازيد، شتابان و سريع دستگيرش كنند و به او مهلت ندهند، و درود بر فرشته‏اى كه يادش را از حساب انداختيم، و از رتبه و منزلتش آگاه نشديم، و نمى‏دانيم او را به كارى گماشته‏اى.

و درود بر فرشتگانى كه ساكن هوا، و زمين و آبند، و كسانى از آنان كه گماشتگان بر مخلوقاتند؛ پس بر آنان درود فرست، روزى كه هر شخصى به محشر مى‏آيد، در حالى كه همراه او فرشته‏راننده، و فرشته گواه عمل است، و بر آنان درود فرست؛ درودى كه، كرامت بر كرامتشان و پاكى بر پاكيشان بيفزايد، خدايا! زمانى كه بر فرشتگان و رسولانت درود مى‏فرستى، و درود ما را به آنان مى‏رسانى، به خاطر گفتار نيكى كه در وصف آنان بر زبان ما جارى ساختى، بر ما هم درود فرست؛ همانا تو بخشنده ارجمندى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 34

دعاى 4 درود بر پيروان انبياى الهى عليهم السلام‏

خدايا! پيروان رسولان و تصديق كنندگانشان، كه عبارتند از مردم روى زمين، آن مردمى كه تصديقشان، قلبى و درونى بود، آنهم زمانى كه دشمنان با تكذيب رسالت رسولان، به مخالفت با آنان برخاستند، ولى پيروان و تصديق كنندگان، به كمك حقايق ايمانى، مشتاقانه به طرف رسولان روى آوردند، در هر روزگار و زمانى كه رسولى فرستادى، و براى مردم آن روزگار و زمان، چراغ راه و دليل و برهان برپا كردى، از زمان آدم، تا دوران محمد صلى الله عليه و آله، از پيشوايان هدايت و فرماندهان اهل تقوا، بر همه آنان سلام باد! خدايا! آنان را از جانب خود، به آمرزش و خشنودى ياد كن.

خدايا! و به ويژه اصحاب محمّد را، آنان كه شرط همنشينى با او را، به خوبى پاس داشتند، و كسانى كه در يارى دادن به حضرتش، امتحان دادند، امتحانى نيكو، و او را در تمام پيشامدها كمك كردند، و به زيارت و ديدارش شتافتند، و براى شنيدن دعوتش، بر يكديگر پيشى جستند، و هنگامى كه دليل پيام‏هايش را، به گوش آنان رساند، او را اجابت كردند، و آيينش را پذيرفتند و در راه آشكار كردن دينش، از همسران و فرزندان جدا شدند، و براى پابرجا شدن نبوّتش، با پدران و فرزندان خود جنگيدند، و به خاطر وجود او، در آن جنگ‏ها پيروز

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 38

شدند.

و كسانى كه به رشته محبت او پيچيده شدند، در مسير دوستى و عشقش، 7 تجارتى را اميد دارند، كه هرگز كسادى و زيان، در آن راه ندارد، و آنان كه وقتى به دستگيره دين او آويختند، قبايل و عشايرشان از آنان دورى گزيدند، و زمانى كه در سايه قرب به او آرميدند، خويشاوندانشان از آنان كناره گرفتند.

خدايا! لطفت را براى اصحاب محمّد به خاطر آنچه كه محض تو، و در راه تو از دست دادند، از نظر دور مدار و آنان را از خشنوديت خشنود ساز!

و نيز به خاطر آن كه مردم را پيرامون دينت گرد آوردند، و در حالى كه خالصانه، ملّت را به سوى تو دعوت مى‏كردند، همراه فرستاده‏ات بودند، و براى اين كه در راه تو از شهر و ديار و قوم خود هجرت كردند و از فراخى معاش، به تنگى و سختى دچار شدند و افراد زيادى كه براى بزرگداشت دينت ستم‏ها تحمل كردند، پاداش عنايت كن.

خدايا! به آنان كه به خوبى و نيكى پيرو اصحاب پيامبرند؛ آن پيروانى كه مى‏گويند: «پروردگار! ما و برادران ما را كه به ايمان بر ما پيشى گرفتند بيامرز!» بهترين پاداشت را برسان؛ همانان كه روش اصحاب را قصد كردند و سمت و سو و جهت آنان را برگزيدند، و شيوه آنان را دنبال كردند، در حالى كه ترديدى در بيناييشان خطور نكرد و شكّى در پيروى آثارشان، و اقتدا به نشان هدايتشان، دل مشغولشان نساخت. كمك كاران و تقويت كنندگان اصحاب بودند؛ به دين آنان مى‏گروند و به هدايت آنان راه مى‏يابند و نسبت به اصحاب واقعى پيامبر اتفاق نظر دارند، و آنان را در برنامه‏هايى كه از رسول اسلام به ايشان رساندند، متهم به دروغ و كذب نمى‏كنند.

خدايا! از امروز تا روز قيامت، بر تابعين و همسران و فرزندانشان و بر هر كه از آنان كه تو را اطاعت كرده، درود فرست؛ درودى كه به سبب آن از معصيت‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 39

بازشان دارى، و به آنان در باغ بهشت، وسعت و گشايش دهى و از نيرنگ شيطان مانعشان گردى، و به هر كار نيكى كه نسبت به آن از تو مدد جويند، ياريشان دهى، و از حوادث شب و روز حفظشان كنى، مگر حادثه‏اى كه به خير مى‏آيد، و آنان را به سبب آن درود، بر اساس اعتقاد به اميد نيك و نسبت به عنايات و لطفت، و طمع به آنچه نزد توست و ترك بدگمانى درباره آنچه بندگان مالك و صاحب آنند، برانگيزى.

و به جانب شوق و رغبت به سويت، و بيم از حضرتت برگردانى و به فراخى دنياى زودگذر و فانى شدنى بى‏رغبتشان سازى، و عمل براى جهان آخرت، و آمادگى براى آنچه پس از مرگ است، محبوب آنان فرمايى و هر سختى و مشقت و اندوه و حزنى كه روز بيرون رفتن جان‏ها از بدن‏ها بر آنان وارد مى‏شود، آسان كنى، و آنان را از امورى كه به سبب آنها، فتنه واقع مى‏شود؛ فتنه‏هايى كه از آن مى‏پرهيزند، و از كانون و مركز آتش و طول ماندگارى در آن، سلامت همه جانبه دهى، و به مقام امنى كه جايگاه استراحت پرهيزكاران است، منتقل گردانى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 40

دعاى 5 دعا درباره خود و دوستانش‏

اى آن كه، شگفتى‏هاى عظمتش به پايان نمى‏رسد! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از سركشى و ستيزگى در برابر بزرگيت، حايل و مانع باش. و اى آن كه دوران فرمان‏رواييش به نهايت نمى‏رسد! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و ما را از مجازاتت رهايى بخش.

و اى آن كه خزينه‏هاى رحمتش نابود نمى‏شود! بر محمد و آلش درود فرست، و از رحمتت براى ما بهره و سهمى قرار ده.

و اى آن كه ديده‏ها، از ديدنش قطع است! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را به قرب خود نزديك كن. و اى آن كه نزد عرصه‏گاه مقامش، همه مقام‏ها كوچك است! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را در پيشگاهت ارجمند دار، و اى آن كه خبرهاى پنهانى، نزدش آشكار مى‏شود، بر محمد و آلش درود فرست.

و ما را نزد خود رسوا مكن.

خدايا! به عطا و احسانت، ما را از عطا و احسان ديگران بى‏نياز ساز، و از ما غم و اندوه بريده شدن احسان ديگران را به احسان و جايزه‏ات كفايت فرما، تا با بذل و بخشش تو، به دنبال و بخشش احدى رغبت نكنيم، و با فضل و احسان تو از احدى نهراسيم. خدايا! بر محمد و آلش درود فرست و به سود ما چاره فرما و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 44

به زبان ما چاره مساز، و به سود ما تدبير كن و به زيان ما تدبير مفرما، و ما را بر ديگران پيروزى ده، و ديگران را بر ما پيروز مگردان.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را از خشم خود نگاه دار و به عنايتت محافظت فرما و به سوى خود هدايت كن و از حضرتت دور مساز؛ همانا هر كه را تو حفظ كنى سالم مى‏ماند، و هر كه را تو هدايت فرمايى دانا مى‏شود، و هر كه را تو به خود نزديك كنى، به بهره‏مندى مى‏رسد.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از شدّت حوادث ناگوار زمان و شرّ دام‏هاى شيطان و قهر و خشم سلطان، كفايت فرما.

خدايا! جز اين نيست كه قناعت كنندگان، به فضل نيروى تو قناعت مى‏كنند؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و ما را از فضل نيروى خود كفايت فرما، و جز اين نيست كه بخشندگان از فضل جود تو مى‏بخشند؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و از فضل جود خود بر ما ببخش، و جز اين نيست كه راه يافتگان، به نور وجه تو راه مى‏يابند؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و ما را به نور وجه خود هدايت كن.

خدايا! هر كه را تو يارى دهى، اقدام خواركنندگان براى خوار كردنش زيانى به او نمى‏رساند، و هر كه را تو عطا كنى، ممانعت كردن منع كنندگان از او نمى‏كاهد، و هر كه را تو هدايت فرمايى، اقدام گمراه كنندگان براى گمراه كردنش او را به گمراهى دچار نسازد؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و به عزتت ما را از شرّ بندگانت باز دار و به عطايت از غير خود بى‏نياز كن، و به هدايتت ما را به راه حق ببر.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و سلامت دل‏هاى ما را در ياد بزرگيت، و آسايش بدن‏هايمان را در شكر نعمتت و گشوده شدن زبانمان را در وصف عطايت قرار ده.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 45

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از دعوت كنندگانى كه به سوى تو دعوت مى‏كنند، و راهنمايانى كه به جانب تو، به دلالت بندگان برمى‏خيزند، و از ويژه بندگانت كه در پيشگاه حضرتت اختصاص به تو دارند قرار ده، اى مهربان‏ترين مهربانان.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 46

دعاى 6 نيايش در بامداد و شامگاه‏

سپاس مخصوص خداست، كه شب و روز را به نيرويش آفريد و به قدرتش ميان آن دو جدايى ايجاد كرد و براى هر يك از آنها مرزى مشخص و زمانى گسترده قرار داد. هر كدام را در درون ديگرى وارد مى‏كند، به سرنوشت و تقديرى كه از جانب او، براى بندگان مقرّر شده، تا آنان را به اين وسيله روزى رساند و رشد و پرورششان دهد. پس شب را براى بندگان آفريد، تا در آن از حركات خستگى‏آور و برپا ايستادن‏هاى رنج‏زا بياسايند و آن را پوششى قرار داد تا از آسايش و خوابش بهره‏مند شوند و نهايتاً از بركت نعمت شب، پيمانه وجودشان از نشاط و نيرو لبريز شود و به وسيله آن به لذّت و كام دل رسند.

و روز را براى بندگان روشنى بخش آفريد، تا در آن به طلب فضل و احسانش برآيند، و آن را وسيله و ابزارى براى رسيدن به رزق و روزيش قرار دهند، و در زمين او از پى به دست آوردن آنچه در آن سود بدون تأخير و سريع دنياى آنهاست، و نيز رسيدن به منفعت دائمى آخرتشان به راه افتند. به تمام اين امور كارشان را اصلاح مى‏كند، و كردارشان را مى‏آزمايد، و مى‏نگرد كه در اوقات طاعتش و جايگاه‏هاى واجباتش، و موارد احكامش چگونه‏اند. تا كسانى را كه بد كردند، به خاطر كار زشتشان، جزا دهد و آنان را كه خوبى كردند، با

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 50

بهشت پاداش بخشد.

خدايا! فقط تو را سپاس، بر اين نعمت: كه تاريكى شب را شكافتى، و روشنى صبح را آشكار كردى، و ما را به شكافتن تاريكى شب از روشنى روز بهره‏مند ساختى و در راه به دست آوردن خوردنى‏ها بينا فرمودى، و از پيشامدهاى ناگوار بلاها نگاه داشتى. شب را براى تو صبح كرديم، و همه آفريده‏ها براى تو قدم در عرصه صبح گذاشتند. آسمان و زمينشان، و آنچه در هر كدام از آنها پراكنده‏اى، ساكن و جنبنده‏اش ايستاده و رونده‏اش، و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه زير خاك پنهان شده، در عرصه گاه ملكيّت تو صبح كرديم.

فرمانروايى و پادشاهيت ما را گرد آورده، و ارادت ما را جمع كرده. از بركت فرمانت، در كارها تصرّف مى‏كنيم، و در سايه تدبيرت دگرگون مى‏شويم. جز آنچه فرمانت بر آن صادر شده، براى ما كار و مطلبى نيست، و جز آنچه را به ما بخشيدى، خيرى وجود ندارد.

امروز روز آفريده شده جديدى است، و او بر ما گواه آماده‏اى است. اگر خوبى كنيم، ما را با سپاس ترك مى‏كند و اگر بدى كنيم، نكوهش‏كنان از ما جدا مى‏شود!

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و نيكو همنشينى با اين روز را نصيب ما گردان، و از بد جدا شدن با او، همراه دست زدن به گناه، و ارتكاب معصيت كوچك يا بزرگ، ما را حفظ فرما، و در آن بهره ما را از خوبى‏ها سرشار و فراوان قرار ده و از زشتى‏ها تهى كن.

و از ابتدا تا پايانش را، براى ما از سپاس و شكر و پاداش و اندوخته آخرتى و فضل و احسان پُر فرما. خدايا! سختى و دشوارى ما را به بركت تقوا و اعمال شايسته، بر كرام كاتبين كه فرشتگان نويسنده اعمالند، آسان ساز، و صفحات پرونده ما را از خوبى‏ها پر كن، و ما را نزد فرشتگان نويسنده اعمال، به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 51

كردارهاى زشتمان رسوا مساز.

خدايا! در هر ساعتى از ساعات روز بهره‏اى از بندگيت، و سهمى از شكرگزاريت، و شاهد راستى از فرشتگانت براى ما قرار ده.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از پيش رو، و پشت سر و طرف راست و جانب چپ و از تمام سمت و سويمان، حفظ كن، حفظى كه ما را از نافرمانيت باز دارد، و به فرمانبرداريت راهنمايى كند، و براى عشق و محبتت به كار گيرد.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را در اين روز و شبمان، و در تمام اياممان براى اين امور موفّق بدار: به كارگيرى خير، و دورى از شر، و شكر نعمت‏ها و پيروى از روش‏هاى نيك، و دورى از بدعت‏ها، و امر به معروف، و نهى از منكر، و پاسدارى از اسلام و كم كردن و خوار ساختن‏باطل، و يارى و گرامى داشت حق، و راهنمايى گمراه، و كمك كردن به ناتوان، و پناه دادن به درمانده و گرفتار.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و امروز را فرخنده‏ترين روزى كه تا كنون شناخته‏ايم، و برترين همنشينى كه با او همراه بوده‏ايم و بهترين زمانى كه در آن به سر برده‏ايم قرار ده، و ما را از ميان تمام آفريده‏هايت، از خشنودترين كسانى كه شب و روز بر آنها گذشته، و شاكرترين كسانى كه نعمت‏هايت را به آنان داده‏اى، و مستقيم‏ترين آنان، در عرصه گاه آيين‏هايى كه وضع كرده‏اى، و خويشتن‏دارترين مردمى كه از نافرمانيت بيمشان داده‏اى، قرار ده.

خدايا! قاطعانه تو را گواه مى‏گيرم، و تو از نظر گواه بودن كافى هستى و آسمان و زمينت و فرشتگانى كه ميان آسمان و زمينت ساكن كرده‏اى، و ديگر آفريده‏هايت را در امروزم و اين ساعتم و اين شبم، و اين جايگاهم گواه مى‏گيرم، كه من شهادت مى‏دهم كه همانا تويى خدا؛ كه خدايى جز تو نيست، بر

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 52

پايه قسط، عادل در حكم، مهربان به بندگان، مالك هستى، رحيم به آفريده‏هايى.

و شهادت مى‏دهم كه محمد، بنده و فرستاده و برگزيده‏ات، از ميان آفريده‏هاى توست. رسالتت را برعهده‏اش گذاشتى و او حق آن رسالت را ادا كرد و حضرتش را به خيرخواهى براى امتش دستور دادى، و او براى امت خيرخواهى كرد.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، بيش از آنچه بر احدى از آفريده‏هايت درود فرستاده‏اى، و از جانب ما بهترين چيزى كه به يكى از بندگانت داده‏اى، به او عنايت كن، و از ناحيه ما برترين و كريمانه‏ترين پاداشى كه به يكى از پيامبرانت از طرف امتش داده‏اى، به او بده؛ همانا تو بسيار احسان كننده‏اى؛ احسان كننده به نعمت‏هاى تنومند، و آمرزنده‏اى؛ آمرزنده گناه بزرگ، و تو از هر مهربانى مهربان‏ترى، پس بر محمد و آل پاكيزه و پاكش كه نيكوكاران برگزيده‏اند، درود فرست.

دعاى 7 پيشامدهاى سخت و اندوهناك‏

اى آن كه گره‏هاى امور رنج‏آور، به وسيله او گشوده مى‏شود، و اى آن كه تندى و تيزى سختى‏ها، به عنايت او فرو مى‏نشيند، و اى آن كه بيرون آمدن از تنگى و فشار، و قرار گرفتن در راحتى گشايش، و رهايى از غم و اندوه، از او خواسته مى‏شود.

دشوارى‏ها در برابر قدرتت آسان گردد. وسايل زندگى و اسباب حيات، به لطفت فراهم آيد، و فرمان و حكم به نيرويت جريان يابد. و همه چيز بر اساس و اراده‏ات مى‏گذرد؛ پس همه موجودات به خواست تو بى آن كه فرمان قولى دهى، فرمان برند، و به اراده‏ات، بى آن كه با گفتار نهى كنى از كار باز ايستند.

تنها تو را در دشوارى‏ها مى‏خوانند، و در بلاهاى سخت و دشوار، تنها تو پناهگاهى. بلاهاى سخت و دشوار از انسان دور نمى‏شود، مگر آنچه را كه تو دور كنى، و از گره‏هاى رنج آور، چيزى گشوده نمى‏شود، مگر آنچه را تو بگشايى.

پروردگارا! بلايى بر من نازل شده، كه سنگينى‏اش مرا به زحمت و رنج انداخته، و سختى و مشكلى به دردم آورده، كه تحمّلش مرا در فشار قرار داده.

و تو آن را به قدرتت بر من وارد كرده‏اى، و به اقتدارت به سوى من فرستاده‏اى؛

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 56

دور كننده‏اى براى آن وجود ندارد، و چيزى را كه تو بسته‏اى گشاينده‏اى برايش نمى‏باشد، و چيزى را كه تو بگشايى، كسى قدرت بستنش را ندارد، و آنچه را كه تو دشوار كرده‏اى، آسان كننده‏اى برايش نيست، و كسى را كه تو بى يار و ياور گذاشته‏اى ياورى براى او وجود ندارد.

پس بر محمد و آلش درود فرست، اى پروردگارم! به توان و تواناييت درِ گشايش و فرج را به روى من باز كن، و به چاره سازيت، تسلّط غم و اندوه را از من بشكن و مرا در موردى كه از آن شكايت دارم، به تأمل و تدبّر نيك برسان.

و در آنچه از تو درخواست مى‏كنم، شيرينى اجابت را بچشان، و از جانب خودت، رحمت و گشايشى گوارا به من ببخش، و براى من از نزد خود، راه نجاتى سريع قرار ده. و مرا به خاطر غمگينى و حزن و اندوه از رعايت واجباتت، و به كار گرفتن مستحباتت باز مدار.

پرورگارا! به سبب بلايى كه بر من نازل شده، درمانده شده‏ام و از تحمّل آنچه براى من پيش آمده، دلم از اندوه و غصه پر شده، و تو به برطرف كردن آنچه كه به آن گرفتار شده‏ام، و دور كردن بلايى كه در آن افتاده‏ام، توانايى؛ بنابراين قدرت و تواناييت را درباره من به كار گير؛ اگر چه از جانب تو سزاوار آن نيستم. اى داراى عرش بزرگ!

دعاى 8 پناه بردن به حق‏

خدايا! به تو پناه مى‏آوريم، از توفان حرص و تندى و شدّت خشم، و چيرگى حسد و ناتوانى صبر، و كمى قناعت و ناسازگارى اخلاق، و پافشارى و سماجت شهوت و صفت تعصّب.

و پيروى از هواى نفس و عقب ماندن از هدايت، و خواب غفلت و انجام كار سخت و پرمشقت و ترجيح دادن باطل بر حق و پافشارى بر گناه، و كوچك شمردن معصيت و سنگين دانستن طاعت و فخر فروشى ثروتمندان و تحقير تهى دستان و بدى سرپرستى نسبت به زيردستمان، و ترك سپاس نسبت به كسى كه به ما احسان و خوبى كرده.

خدايا! به تو پناه مى‏آوريم از اين كه ستمگرى را يارى كنيم، يا ستم ديده‏اى را تنها گذاريم، يا آنچه كه براى ما حق نيست بخواهيم، يا بدون آگاهى در امور علمى سخن گوييم.

و به تو پناه مى‏آوريم از اين كه راه خيانت به كسى را به پيماييم، و نسبت به كردارمان خودپسندى كنيم، و آرزوهاى خود را دور و دراز سازيم و به تو پناه مى‏آوريم، از بدى باطن و ناچيز شمردن گناه كوچك، و اين كه شيطان بر ما چيره شود، يا روزگار ما را به عرصه بلا و نكبت اندازد، يا پادشاه بر ما جور و ستم‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 60

روا دارد.

و به تو پناه مى‏آوريم، از رسيدن به اسراف، و از دست دادن آنچه كه در زندگى به اندازه و كافى است و به تو پناه مى‏آوريم از سرزنش دشمنان و از احتياج به هم نوعان، و از معيشت در سختى، و از مرگ بدون توشه.

و به تو پناه مى‏آوريم، از حسرت عظيم‏تر و بلاى بزرگ‏تر، و بدترين بدبختى و بدى بازگشت، و محروميت از ثواب، و داخل شدن مجازات.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست و مرا و تمام مؤمنين و مؤمنات را به رحمتت از همه اين امور زشت پناه ده، اى مهربان‏ترين مهربانان!

دعاى 9 درخواست بخشش‏

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و راه ما را به جانب توبه كه محبوب توست تغيير ده، و وجودمان را از پافشارى بر گناه كه مورد نفرت توست، دور ساز.

خدايا! هر گاه در ارتباط با دين يا دنيا، ميان دو كاهش قرار گرفتيم، كاهش را بر دنيامان كه زودتر از دست مى‏رود، وارد كن، و توبه و انابه را در دينمان كه با دوام‏تر است قرار ده.

و زمانى كه دو برنامه را قصد كرديم كه يكى از آنها تو را از ما خشنود مى‏كند، و آن ديگرى تو را بر ما خشمگين مى‏سازد، ما را به جانب آن كارى كه تو را از ما خشنود مى‏كند، رغبت ده، و قدرت و توانمان را از عملى كه تو را بر ما خشمگين مى‏كند، سست كن و در اين امور ما را ميان نفوسمان و انتخابشان رها مكن كه نَفْس انتخاب كننده باطل است، مگر آن كه تو در انتخاب حق توفيقش دهى، و فراوان دستور دهنده به زشتى و بدى است، مگر آن كه رحمتش آرى.

خدايا! ما را از ناتوانى آفريدى، و بر سستى بنا كردى، و از آب ناچيز و بى‏مقدار به وجود آوردى؛ پس ما را جز به نيروى تو چاره و تدبير نيست، و جز

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 64

به ياريت قوت و قدرت نمى‏باشد؛ پس ما را به توفيقت نيرو بخش و به هدايتت استوار دار، و ديده قلوبمان را از آنچه مخالف عشق توست كور كن، و براى هيچ يك از اعضاى ما راه نفوذى به جانب معصيتت قرار مده.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و رازهاى دلمان و حركات اعضامان، و نگاه‏هاى چشم‏هايمان، و گفتارهاى زبانمان را در موجبات ثوابت قرار ده، تا جايى كه كار نيكى كه به خاطر آن مستحق پاداش تو مى‏شويم، از دست ما نرود و كار بدى كه به سبب آن سزاوار مجازاتت مى‏شويم، براى ما نماند.

دعاى 10 پناه بردن به خداوند

خدايا! اگر بخواهى ما را عفو كنى، به فضل و احسانت عفو مى‏كنى، و اگر بخواهى عذابمان كنى، به عدالتت عذاب مى‏كنى. عفوت را از سر منّتت بر ما آسان كن، و ما را به چشم پوشى و گذشتت، از عذابت پناه ده. مسلّماً ما را نسبت به عدالتت تاب و توان نيست، و براى احدى از ما بدون عفوت، نجاتى ميسّر نمى‏باشد.

اى بى‏نيازترين بى‏نيازان! اينك ما بندگانت پيش روى توايم، و من تهيدست‏ترين تهيدستان در پيشگاه توام. تهيدستى و ندارى ما را، به تواناييت جبران كن، و اميد ما را به بازدارندگيت قطع مفرما! كه اگر چنين كنى، به تحقيق كسى كه خود را به تو خوشبخت خواسته، بدبخت كرده‏اى، و آن كه فضل و احسانت را طلبيده، محروم ساخته‏اى.

در اين وقت از پيشگاه تو، به سوى چه كسى بازگرديم و با محروميت از درِ رحمتت، راه ما به كجا خواهد افتاد؟

پاك و منزّهى. ما درماندگانى هستيم كه پذيرش دعايشان را واجب كرده‏اى، و گرفتارانى هستيم كه برطرف كردن گرفتارى آنان را وعده فرموده‏اى.

خدايا! شبيه‏ترين چيزها به خواسته‏ات و سزاوارترين امور به حضرتت، در

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 68

عرصه عظمت و بزرگيت، رحمت آوردن بر كسى است كه از تو رحمت خواسته، و فريادرسى نسبت به كسى است كه به تو فرياد خواهى كرده، پس زارى ما را به پيشگاهت رحمت آر و به فرياد ما رس؛ چون وجودمان را در برابرت انداخته‏ايم.

خدايا! شيطان ما را سرزنش كرد؛ چون او را در نافرمانيت همراهى كرديم.

پس بر محمّد و آلش درود فرست، و پس از اين كه او را به خاطر تو رها كرديم و از او روى گردانده، به سوى تو آمديم، وى را با دوباره گرفتار شدن به دست او، شيرين كام مكن.

دعاى 11 عاقبت به خيرى‏

اى آن كه يادش، براى يادكنندگان مجد و بزرگوارى است، و اى آن كه سپاس گزاريش، براى سپاس گزاران پيروزى و رستگارى است، و اى آن كه فرمان برداريش براى فرمانبرداران، نجات و رهايى است! بر محمد و آلش درود فرست، و دل‏هاى ما را به يادت از هر يادى، و زبانمان را به سپاس گزاريت از هر سپاسى، و اعضامان را به طاعتت از هر طاعتى غافل كن.

و اگر در جنب كار و كوشش، فراغت و آسايشى براى ما مقدّر فرموده‏اى، آن فراغت و آسايش را قرين سلامت قرار ده كه در عرصه‏گاه آن، پى‏آمد بدى به ما نرسد، و ملالت و دل‏تنگى به ما نپيوندد، تا فرشتگان نويسنده بدى‏ها، با پرونده‏اى پاك و خالى از ثبت بدى‏هاى ما برگردند، و فرشتگان نويسنده خوبى‏ها، به سبب خوبى‏هايى كه از ما نوشته‏اند، خوشحال و شادان باز آيند.

و هنگامى كه روزگار زندگيمان سپرى شود، و مقدار عمرمان بگذرد و به پايان برسد و دعوتت به مرگ كه چاره از آن و اجابتش نيست، ما را آماده افتادن به كام مردن كند. پس بر محمد و آلش درود فرست، و پايان آنچه نويسندگان اعمال ما در پرونده ما خواهند نوشت، توبه پذيرفته شده قرار بده، توبه‏اى كه پس از آن ما را بر گناهى كه كسب كرده‏ايم و معصيتى كه مرتكب‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 72

شده‏ايم، نايستانى.

و پرده‏اى كه بر ما پوشاندى، در برابر حاضران روز قيامت، از روى گناهان ما برندار، روزى كه خبرهاى بندگانت را آشكار مى‏كنى. مسلّماً تو نسبت به كسى كه مى‏خواندت، مهربانى و نسبت به كسى كه صدايت مى‏زند، جواب دهنده‏اى.

دعاى 12 اعتراف به گناه و توفيق توبه‏

خدايا! مسلّماً سه خصلت، مرا از درخواست از حضرتت مانع مى‏شود، و يك خصلت، مرا به جانب درخواست از تو پيش مى‏برد. آن سه خصلتى كه مانع درخواست من مى‏باشد اين است:

1. كار خوبى كه مرا به آن فرمان دادى، و من در انجامش كندى كردم.

2. كار زشتى كه مرا از آن بازداشتى، و من در ارتكابش شتاب ورزيدم.

3. نعمتى كه به من دادى، و من در سپاس گزاريش كوتاهى كردم.

و آنچه مرا به جانب درخواست از تو پيش مى‏برد، احسان توست به كسى كه با نيت خالص به سوى تو آمد، و با خوش گمانيش به پيشگاه حضرتت وارد شد؛ زيرا تمام احسانت تفضّل و همه نعمتت، آغاز و ابتدايى از جانب تو نسبت به آفريده‏هاست. اى معبود من! اينك منم كه به پيشگاه عزّتت ايستاده‏ام؛ ايستادن فرمان‏بردار خوار، و بر اساس حيا و شرمم از تو درخواست كننده‏ام، درخواست كننده بى‏نواى عيال‏وار.

اقرار دارم به اين كه هنگام احسانت، جز بركنار ماندن از نافرمانيت، فرمانى نبرده‏ام، و در تمام حالات از نيكى و احسانت، بى‏بهره نبودم.

اى معبود من! اقرارم نزد تو به زشتى اعمالى كه مرتكب شده‏ام، آيا برايم‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 76

سودى خواهد داشت؟ و اعترافم به محضر حضرتت به بدى كردارى كه از من صادر شده، آيا مرا از عذاب تو نجات خواهد داد؟ يا در اين وضعى كه هستم، خشم و غضبت را بر من حتم و واجب نمودى، يا در وقت درخواستم، دشمنيت ملازم من گشته؟!

پاك و منزّهى، از تو نااميد نمى‏شوم و حال آن كه درِ توبه به محضرت را به رويم گشوده‏اى؛ بلكه سخن مى‏گويم، سخن بنده‏اى خوار؛ بنده‏اى ستم كننده به خويش؛ بنده‏اى كه حرمت پروردگارش را سبك شمرده؛ بنده‏اى كه گناهانش بزرگ شده و روى هم انباشته گشته و روزگارش از او روى گردان شده، و به او پشت كرده، تا جايى كه چون نظر مى‏كند، مى‏بيند زمان عمل سپرى شده، و نهايت عمر به پايان رسيده. يقين مى‏كند كه براى او گريزگاهى از عذابت، و پناهگاهى از كيفرت وجود ندارد. همراه انابه و ناله با حضرتت روبه‏رو مى‏شود و بازگشت و توبه را براى تو خالص مى‏كند، پس با دلى پاك و پاكيزه در پيشگاهت مى‏ايستد. سپس با ناله‏اى سوزناك و آهسته تو را مى‏خواند.

در جائى كه در برابرت، سر تواضع و فروتنى پايين انداخته، تا جايى كه از شدّت فروتنى خميده گشته و از خوارى سر به زير افكنده؛ به طورى كه قامت راستش كج شده، بيم و ترسش از عظمت تو، قدم‏هايش را به لرزه انداخته، و اشك‏هايش صفحه رخسارش را فراگرفته. تو را با اين جملات مى‏خواند: اى مهربان‏ترين مهربانان! و اى رحيم‏ترين كسى كه درخواست كنندگان رحمت به او توجّه مى‏كنند، و اى عطوف‏ترين كسى كه آمرزش خواهان گِرد او گردند، و اى آن كه گذشتش از انتقامش بيشتر، و خشنوديش از خشمش افزون‏تر است.

و اى آن كه باگذشت نيكويش ستوده بودنش را به مخلوقش مى‏نماياند، و بندگان را به پذيرفتن توبه عادت مى‏دهد، و اصلاح شدن تباه كارشان را به توبه مى‏خواهد، و اى آن كه از عمل بندگان، به اندكش خشنود است، و عمل اندك‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 77

آنان را پاداش فراوان مى‏دهد.

و اى آن كه اجابت دعايشان را ضامن شده، و به احسانش، پاداش نيكو را به آنان وعده داده.

خدايا! من نه از گناهكارترين گناهكارانم كه او را آمرزيده‏اى، و نه از نكوهيده‏ترين كسانى كه از پيشگاهت عذر خواسته‏اند، و تو عذرشان را پذيرفته‏اى، و نه از ستم كارترين كسانى كه به سويت بازگشته‏اند، و تو بازگشتشان را قبول كرده‏اى.

خديا! در اين مقام و وضعى كه هستم، به درگاهت توبه مى‏كنم؛ توبه پشيمانى كه بى اختيار گناهانى از او سرزده و از آنچه بر سرش آمده، در وحشت و ترس است، و از امور زشتى كه در آن افتاده خالصانه شرمگين است. دانايم به اين كه گذشت از گناه بزرگ، در نظرت بزرگ نمى‏آيد، و بخشيدن معصيت گران بر تو سخت نمى‏باشد.

و تحمل جنايات زشت و ناپسند كه از مردم بدكار صادر مى‏شود، تو را به مشقت و زحمت نمى‏اندازد.

و آگاهم به اين كه محبوب‏ترين بندگانت نزد تو كسى است كه از سركشى و تكبر نسبت به تو دست بردارد، و از پافشارى بر گناه اجتناب كند و استغفار را بر خود واجب بداند. من از اين كه در برابر تو سركشى كنم بيزارم، و از اين كه بر گناه پافشارى ورزم، به تو پناه مى‏آورم، و نسبت به آنچه كوتاهى كردم، از تو آمرزش مى‏خواهم، و بر آنچه از انجامش عاجزم، از تو يارى مى‏طلبم.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و حقوقى كه بر عهده من دارى بر من ببخش، و از عذابى كه از جانب تو سزاروار آنم، مرا به سلامت دار، و از امورى كه بدكاران از آن مى‏ترسند پناهم ده. مسلماً به گذشت از گنهكار قدرت دارى و براى آمرزش، مورد اميدى، به بخشيدن معصيت معروفى، براى حاجتم‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 78

محلّ‏طلبى جز تو نيست، و براى گناهم آمرزنده‏اى غير تو وجود ندارد. حاشا كه چنين نباشى، من بر خود به غير تو نمى‏ترسم. تو اهل تقوا و آمرزشى. بر محمّد و آل محمّد درود فرست.

و حاجتم را روا كن و خواسته‏ام را برآور و گناهم را بيامرز، و ترسم را ايمنى ده. همانا تو بر هر چيز توانايى، و امورى كه از تو خواستم، روا كردنش براى تو آسان است. دعايم را مستجاب كن اى پروردگار جهانيان!

دعاى 13 درخواست نيازمندى‏ها

خدايا! اى نهايت خواستن حاجات، و اى آن كه رسيدن به تمام خواسته‏ها به دست قدرت اوست، و اى آن كه نعمت‏هايش را به بها و قيمت نمى‏فروشد، و اى آن كه بخشش‏هايش را، به منّت گذاشتن، تيره و ناصاف نمى‏كند، و اى آن كه به او بى نياز مى‏شود، و از او بى نياز نمى‏شوند، و اى آن كه به او رغبت مى‏كنند، و از او روى برنتابند، و اى آن كه درخواست‏ها، گنج‏هايش را از بين نمى‏برد، و دست آويزها، حكمتش را تغيير نمى‏دهد، و رشته حوايج نيازمندان از او قطع نمى‏شود، و دعاى دعا كنندگان او را خسته و درمانده نمى‏كند.

وجودت را به بى‏نيازى از همه آفريده‏ها ستوده‏اى، و حضرتت به بى‏نيازى از آنها شايسته است. آفريده‏ها را به نيازمندى نسبت داده‏اى، و آنان هم بى‏چون و چرا نيازمند به تو هستند. پس كسى كه ترميم خلأ و شكاف زندگيش را از تو بخواهد، و تغيير تهيدستى و فقرش را از تو درخواست كند، محقّقاً حاجتش را از جايگاه اصلى‏اش خواسته و به دنبال مطلبش، از راه صحيح و درستش آمده، و كسى كه براى حاجتش به يكى از آفريده‏هاى تو رو كند، يا او را به جاى تو وسيله رسيدن به نيازش قرار دهد، محقّقاً خود را در معرض محروميت قرار داده، و سزاوار از دست رفتن احسان تو گشته است.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 82

خدايا! براى من در پيشگاه حضرتت حاجتى است كه دست طاقت و توانم، از دست يابى به آن كوتاه است، و رشته چاره‏ام، بدون لطف تو بريده است، و نَفْسم در نظرم چنين آراسته كه رفع نيازم را از كسى بخواهم كه رفع نيازهايش را از تو مى‏خواهد، و در حاجاتش از تو بى‏نياز نيست. اين درخواست حاجت از غير تو لغزشى است، از لغزش‏هاى خطاكاران، و افتادنى است، از افتادن‏هاى گناهكاران.

آن گاه به يادآورى تو، از خواب غفلت بيدار شدم و به توفيق تو از عرصه گاه لغزشم برخاستم و به راهنمايى تو از افتادنم به وادى خطر پس آمدم، و از علل در افتادن به گمراهى دست برداشتم، و گفتم: منزه و پاك است پروردگارم، چگونه نيازمندى از نيازمند ديگر طلب حاجت كند، و از كجا تهى دستى به تهى دستى ديگر ميل و رغبت نشان دهد؟!

روى اين حساب، با اشتياق و شوق آهنگ تو كردم، و از باب اطمينان به تو، اميدم را به جانب حضرتت آوردم، و دانستم آنچه را از تو مى‏خواهم، هر چند زياد باشد، در كنار داراييت اندك است، و چيزهاى با ارزشى كه بخشش را از تو درخواست مى‏كنم، در جنب تواناييت كوچك و بى مقدار است، و دايره كرم و بزرگواريت با تقاضاى هيچ كس تنگ نمى‏شود، و دست بخشندگيت از هر دستى برتر است.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست و مرا به كرم و بزرگواريت بر دست يافتن به احسانت كمك فرما، و از باب عدالتت بر كيفرى كه سزاوار آنم دچار مكن.

من اوّلين رغبت كننده‏اى نيستم كه به حضرتت رو آورده، پس به او عطا كرده‏اى، و حال آن كه سزاوار ممنوع شدن از عطايت بوده، و اولين خواهنده‏اى نيستم كه از تو طلب حاجت كرده و تو بر او احسان كرده‏اى در حالى كه مستحق‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 83

محروميت از احسان توست.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست و مستجاب كننده دعايم باش و به ندايم توجه كن، و به زاريم رحمت آر، و صدايم را شنوا باش، و اميدم را از حضرتت قطع مكن، و دست آويز مرا از خود جدا مساز، و در اين حاجتم و ديگر حوايجم، مرا به سوى غير خودت روانه مكن، و به برآورده شدن خواسته‏ام، و روا شدن حاجتم و رسيدن به مطلبم، پيش از برخاستن از جايم و با آسان ساختن مشكلم و با سرنوشت خوبى كه در تمام امور برايم رقم مى‏زنى، كار ساز من باشد.

و بر محمّد و آلش درود فرست؛ درودى دائمى و فزاينده كه براى مدّتش انقطاعى، و براى زمانش پايانى نباشد. اين درود را برايم مدد، و جهت برآورده شدن حاجتم سبب قرار ده؛ همانا تو واسع و كريمى و اى پروردگارم! از جمله درخواست‏هايم چنين و چنان است. (و نياز به درخواستت را مى‏گويى، سپس به سجده مى‏روى، و در سجده‏ات مى‏گويى:) عطاو بخششت به من آرامش مى‏دهد، و احسانت راهنماييم مى‏كند. به حق خودت و به حق محمّد و آلش كه درودت بر آنان باد، از تو مى‏خواهم كه مرا از پيشگاهت نااميد برنگردانى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 84

دعاى 14 ستم و ستمديده‏

اى آن كه اخبار شاكيانِ از ستم بر او پنهان نيست! و اى آن كه نسبت به ستمى كه بر ستم ديدگان رفته، نياز به شهادت شاهدان ندارد! و اى آن كه يارى و نصرتش به ستم ديدگان نزديك، و مددكاريش از ستمگران دور است! اى خداى من! محقّقاً مى‏دانى، از فلانى فرزند فلانى ستمى به من رسيده كه او را از آن ستم نهى كردى، و پرده حرمتم را دريده كه دريدنش را بر او منع فرمودى. اين ستم‏گرى و پرده‏درى، از باب طغيان در نعمت توست كه در اختيار اوست، و براساس غفلت و بى‏اعتنايى به خشم و غضب توست كه گريبان او را خواهد گرفت.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ستم‏كننده بر من و دشمنم را با نيرويت از ستم بر من بازدار، و با قدرتت تندى و تيزى ستمش را بر من بشكن، و برايش در آنچه كه دوست دارد، مشغوليّت و سرگرمى قرار ده، تا از ستم ورزى غافل گردد، و بر وجودش در برابر مظلومى كه به دشمنى برمى‏خيزد، داغ عجز و ناتوانى زن.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست. و ستم كار را رخصت ستم بر من مده، و ياريت را نسبت به من، در برابر او نيكو قرار ده، و مرا از دست زدن به كارهايى‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 88

مانند كار او حفظ كن، و در حالتى مانند حال او قرار مده.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست و مرا بر دشمنم يارى ده؛ يارى دادن بى‏درنگى كه خشمم را نسبت به او شفا، و كينه‏ام را در برابر او وفا باشد.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست و عفو و بخششت را، در برابر ستمى كه دشمن به من روا مى‏دارد عوض ده و به جاى رفتار بدش نسبت به من، رحمتت را قرار ده، پس هر شدّتى وراى خشم تو ناچيز، و هر بلايى با وجود غضب تو معتدل است.

خدايا! همان طور كه ستم كردن ديگران را بر من در نظرم ناخوشايند جلوه دادى، مرا از اين كه بر ديگران ستم ورزم حفظ فرما.

خدايا! به كسى غير تو شكايت نمى‏كنم، و از هيچ حاكمى غير تو يارى نمى‏خواهم؛ حاشا كه چنين كنم. پس بر محمّد و آلش درود فرست و دعايم را به اجابت برسان، و شكايتم را به تغيير وضع فعلى‏ام مقرون ساز.

خدايا! مرا به نااميدى از عدل و انصاف آزمايش نكن، و دشمن را به ايمنى از كيفرت امتحان مفرما تا بر ستمش نسبت به من پافشارى كند، و بر حقّم چيره شود، و به زودى او را به عذابى كه ستمكاران را به آن تهديد كردى آشنا كن، و مرا با اجابتى كه نسبت به دعاى بيچارگان وعده دادى آگاه فرما.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا به پذيرفتن هر سود و زيانى كه برايم مقدور كرده‏اى موفق دار، و مرا به آنچه از ديگرى براى من، و از من براى ديگرى مى‏ستايى، خشنود ساز، و به راست‏ترين راه هدايتم كن، و به سالم‏ترين برنامه به كارم گمار.

خدايا! اگر خير من نزد تو در اين است كه در گرفتن حقّم تأخير افتد و انتقام از كسى كه به من ستم روا داشته، تا روز جدا شدن حق از باطل و جايگاه گرد آمدن مدعيان متروك گذاشته شود، همان را در حق من عملى فرما. پس بر محمّد و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 89

آلش درود فرست، و مرا از جانب خود، به نيّت صادقانه، و پايدارى هميشگى يارى فرما، و از ميل و رغبت بد و بى‏قرارى اهل حرص پناه ده و نقشى از ثوابى كه براى من ذخيره كرده‏اى، و كيفر و عقابى كه براى دشمنم مهيا ساخته‏اى، در دلم به تصوير آر، و آن را وسيله‏اى براى خرسندى و رضايت من نسبت به آنچه كه برايم مقدور كرده‏اى، و اطمينان به آنچه كه برايم انتخاب فرموده‏اى قرار ده.

اى پروردگار جهانيان! دعايم را مستجاب كن؛ همانا تو دارى احسان بزرگى و بر هر كارى توانايى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 90

دعاى 15 بيمارى يا اندوه و گرفتارى‏

خدايا! تو را سپاس بر تندرستى بدنم كه پيوسته از آن برخوردار بودم، و تو را سپاس بر بيمارى و مرضى كه در جسمم پديد آوردى.

اى خداى من! كدام يك از اين دو حال، براى سپاس گزارى به درگاهت سزاوارتر، و كدام يك از اين دو وقت، براى سپاس و ثنا به پيشگاهت شايسته‏تر است؟ آيا زمان سلامت كه روزى‏هاى پاكيزه‏ات را در آن برايم گوارا فرمودى، و به سبب آن براى به دست آوردن خشنودى و احسانت به من نشاط دادى، و مرا همراه آن، بر آنچه كه از اطاعتت توفيق دادى، نيرو بخشيدى. يا هنگام بيمارى كه مرا به وسيله آن از ناخالصى‏ها خالص ساختى، و نعمت‏هايى كه به من هديه دادى، براى سبك كردن گناهانى كه پشتم را گران و سنگين كرده، و پاك كردن زشتى‏هايى كه در آن فرو رفته‏ام، و آگاهى دادن براى اين كه توبه را فراگيرم، و به ياد آوردن نعمت‏هاى قديم، براى محو كردن گناهان بزرگ از پرونده‏ام؟

و در اثناى آن بيمارى، از جمله تحفه‏هايى كه به من عنايت كردى اين است كه فرشتگان نويسنده به حساب من اعمال پاكيزه‏اى نوشتند؛ اعمالى كه نه دلى در آن فكر كرده، و نه زبانى به آن گويا شده، و نه عضوى در انجامش رنج برده،

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 94

بلكه بخششى از جانب تو بر من و احسانى از ساخته تو به سوى من بود.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و آنچه را برايم پسنديده‏اى محبوب من ساز، و آنچه را بر من وارد كرده‏اى آسان كن، و از آلودگى اعمال زشتى كه در گذشته انجام داده‏ام پاكم فرما، و شرّ آنچه كه پيش از اين مرتكب شده‏ام، از صفحه وجودم محو كن، و از شيرينى عافيت كاميابم ساز، و گوارايى تندرستى را به من بچشان، و راه بيرون رفتن از بيماريم را به سوى بخشش و عفوت و جابه‏جا شدنم را از بستر بيمارى به جانب گذشتت، و نجاتم را از اندوهم به عرصه رحمتت، و تندرستيم را از اين دشوارى به دايره گشايشت قرار ده، همانا تو تفضّل كننده به احسان و عطا كننده به نعمتى، بسيار بخشنده و بزرگوارى؛ داراى جلال و اكرامى.

دعاى 16 طلب عفو از گناهان و عيوب‏

خدايا! اى آن كه گنهكاران از رحمتش يارى مى‏طلبند، و اى آن كه بيچارگان به جانب ياد احسانش پناه مى‏برند، و اى آن كه خطاكاران از بيم عذابش به شدّت گريه مى‏كنند!

اى آرامش هر ناآرام غريب! اى گشايش هر اندوهگين دل شكسته! اى كمك كننده هر خوار شده تنها! و اى يارى دهنده هر نيازمند رانده شده!

تويى كه از جهت رحمت و دانش، همه چيز را فرا گرفته‏اى و تويى كه براى هر آفريده‏اى، سهم و نصيبى از نعمت‏هايت قرار داده‏اى، و تويى كه عفو و بخشش از عقابش برتر است، و تويى كه رحمتش پيشاپيش غضبش حركت مى‏كند، و تويى كه عطا و بخشش از منع كردنش بيشتر است، و تويى كه همه آفريده‏ها را در سعه رحمتش فرا گرفته، و تويى كه هر كسى را نعمت عطا كردى، از او انتظار پاداش ندارى، و تويى كه در كيفر كسى كه از تو نافرمانى كرده، از اندازه نمى‏گذرى.

و من اى خداى من! بنده توام؛ كه او را به دعا دستور دادى؛ پس لبيك و سعديك گفت. اينك منم اى پروردگارم! كه انداخته شده در برابر توام؛ منم كه خطاها پشتم را سنگين كرده؛ و منم كه گناهان عمرم را نابود ساخته؛ و منم كه به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 98

نادانيم، تو را نافرمانى كردم، و تو شايسته اين نبودى كه من اين گونه با تو معامله كنم.

اى خداى من! آيا حضرتت به كسى كه تو را بخواند، رحم مى‏كند، تا در خواندن تو اصرار ورزد، يا كسى كه به درگاهت گريه و زارى كند مى‏آمرزى تا در گريه شتاب كند، يا گذشت مى‏كنى از كسى كه از باب فروتنى، صورت به خاك درگاهت سايد؟ يا كسى كه از باب توكّل و اعتماد، از تهى دستى خودش به تو شكايت كند، بى نياز مى‏سازى؟

اى خداى من! كسى را كه جز تو عطا كننده‏اى نمى‏يابد، نااميد مكن و كسى را كه از تو به احدى غير تو بى نياز نمى‏شود، خوار و بى‏يار رها مكن.

خداى من! بر محمّد و آلش درود فرست، در حالى كه به تو روى آورده‏ام، از من روى مگردان و اكنون كه به تو رغبت كرده‏ام، مرا از لطف و رحمتت محروم مكن. اينك كه در برابرت قرار گرفته‏ام، دست ردّ به سينه‏ام مزن، و با من برخورد تلخ و بد نداشته باش؛ تويى كه وجود مقدّست را به رحمت وصف كرده‏اى، بر محمّد و آلش درود فرست، و به من رحم كن، و تويى كه خود را خطابخش ناميده‏اى؛ بنابراين مرا ببخش اى خداى من! جريان اشكم را به خاطر ترسى كه از تو دارم، و لرزيدن دلم را محض خشيتى كه نسبت به عظمت تو دارم، و حركت و تكان اعضايم را در برابر بيمى كه از تو دارم مشاهده مى‏كنى.

همه اينها محصول شرمسارى من از حضرت توست؛ آنهم به خاطر اعمال زشتى كه از من سرزده؛ به همين سبب صدايم از اين كه به درگاهت به زارى بلند شود، خاموش شده و زبانم از راز و نياز با تو باز مانده.

اى خداى من! تو را سپاس، چه بسيار عيوبى كه بر من پوشاندى، و مرا رسوا نكردى، و چه بسيار گناهى كه مستور داشتى، و به آنم مشهور نساختى، و چه بسيار خيانت و نيرنگ و امور هوسناكى كه مرتكب شدم، ولى پرده آنها را به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 99

خاطر حفظ آبرويم ندريدى، و حلقه عار و ننگ آنها را به گردنم نياويختى، و زشتى هايم را نزد همسايگانى كه به دنبال عيوب من هستند، و حسودانى كه نعمت‏هايت را نزد من مى‏بينند، آشكار نكردى. سپس اين همه الطاف و عناياتت نسبت به من، مرا از گرايش به بدى‏هايى كه از من سراغ دارى بازداشت مفرما.

اى خداى من! نادان‏تر از من به صلاح كار خود كيست؟ و غافل‏تر از من به نصيب و بهره‏اش كدام انسان است؟ و چه كسى از اصلاح وجودش، دور افتاده‏تر از من است، آنگاه كه تمام نعمت‏هايى كه به من مى‏دهى، در گناهانى كه مرا از آن نهى فرمودى صرف مى‏كنم؟!

و چه كسى بيش از من در غرقاب باطل فرو رفته و سخت‏تر از من اقدام به زشتى كرده، زمانى كه ميان دعوت تو، و دعوت شيطان مى‏ايستم، ولى از دعوت او پيروى مى‏كنم، با اين كه او را، به صورتى كه بايد مى‏شناسم، و نسبت به وضع او فراموشى ندارم، و من در اين موقعيت، يقين دارم كه نهايت دعوت تو به سوى بهشت، و عاقبت دعوت او به جانب جهنّم است.

پاك و منزّهى تو؛ چه شگفت است كه به زيان خود شهادت مى‏دهم، و امور پنهان خود را شماره مى‏كنم، و شگفت‏تر از آن بردباريت نسبت به من، و درنگت از مؤاخذه سريع اين بنده گنهكار است. سببش اين نيست كه من در آستان حضرتت انسانى گران قدرم؛ بلكه علّتش، مدارايت با من و تفضّل وجود مقدست بر من است، براى اين كه از نافرمانيت كه موجب خشم توست باز ايستم، و وجودم را از عرصه‏گاه گناهانى كه فرسوده كننده هويت و شخصيت من است درآوردم؛ به خاطر اين كه گذشتت نسبت به من نزد تو، از مجازات كردن من محبوب‏تر است، وگرنه اى خداى من، گناهانم فراوان‏تر و آثارم زشت‏تر و كردام ناپسندتر و گستاخيم در باطل شديدتر، و بيداريم نزد طاعتت ضعيف‏تر، و هشيارى و مراقبتم در برابر تهديدت، ناچيزتر از آن است كه بتوانم عيوبم را

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 100

برايت شماره كنم، يا توان ذكر كردن گناهانم را داشته باشم. جز اين است كه خود را به اين صورت نكوهش مى‏كنم، در حالى كه به مهربانى بيش از اندازه‏ات كه صلاح كار گنهكاران به آن است، چشم طمع دارم، و به رحمتت كه آزادى خطاكاران، در گروى آن است اميدوارم.

خدايا! اين وجود من است كه گناهان او را به بند بردگى كشيده؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست، و وجودم را به عفوت از بند بردگى گناهان آزاد كن، و اين پشت من است كه خطاها آن را گران و سنگين كرده؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست، و به احسانت آن را سبك فرما اى خداى من!

اگر به درگاهت گريه كنم تا جايى كه پلك‏هاى دو چشمم روى هم افتد، و چنان به شدّت ناله زنم تا صدايم قطع شود، و چندان به پيشگاهت بايستم كه پايم ورم كند، و آن مقدار برايت ركوع كنم كه استخوان‏هاى پشتم از جا كنده شده و زدوده گردد، و به اندازه‏اى سجده كنم كه چشم‏هايم از كاسه درآيد، و در طول عمرم خاك زمين را بخورم، و تا پايان حياتم آب آلوده به خاكستر بنوشم، و در اثناى اين اوضاع و احوال، چندان ذكر تو گويم كه زبانم از كار بماند، آنگاه از روى شرمسارى از تو، چشم به آفاق آسمان باز نكنم، با اين همه سزاوار محو يك گناه از تمام گناهانم نيستم.

و اگر زمانى كه سزاوار آمرزشت شوم، مرا بيامرزى، و هنگامى كه مستحق عفوت گردم، مرا عفو كنى؛ همانا اين آمرزش و عفو، به خاطر استحقاق من نسبت به من واجب نيست، و من مستحق وجوب آمرزش و عفو نيستم؛ زيرا پاداش من از جانب تو، در اولين بارى كه مرتكب معصيتت شدم آتش بود، بنابراين اگر مرا عذاب كنى، ستمكار بر من نيستى.

خداى من! اكنون كه مرا به پرده پوشيت در پوشيده‏اى و رسوايم نكردى، و به كرمت با من مدارا كرده، و به كيفرم شتاب نورزيدى و به احسانت از من‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 101

گذشتى و نعمتت را نسبت به من تغيير ندادى و نزد من نيكى و خوبيت را تيره و تار نكردى، پس بر طول زاريم، و سختى بيچارگيم و بدى جايگاهم رحمت آر.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا از گناهان حفظ كن، و به طاعت و فرمانبردارى از خود به كار گير، و نيكو بازگشت را روزيم فرما، و به توبه پاكم كن، و به دورى از گناه، ياريم ده، و به سلامت همه جانبه، زندگيم را اصلاح كن و شيرينى آمرزش را به من بچشان، و مرا رها شده عفوت و آزاد شده رحمتت قرار ده و از خشم خود خطّ امانم بده، و هم اكنون نه در آينده، به مژده آن خوشحالم فرما، مژده اى كه آن را بشناسم، و به نشانه‏اى كه، آن را آشكارا بينم، آگاهم كن كه اين كار در عرصه گاه سعه رحمتت، بر تو دشوار نيست، و تو را در ميدان قدرتت به مشقت نمى‏اندازد، و در حوزه بردباريت، تو را دچار سختى نمى‏كند، و در فضاى بخشش‏هاى فراوانت كه آياتت بر آنها گواه است، تو را در فشار و تنگنا قرار نمى‏دهد. همانا هر چه بخواهى انجام مى‏دهى و هر چه را اراده فرمايى حكم مى‏كنى، مسلماً بر هر كارى توانايى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 102

دعاى 17 پناه بردن به حق‏

خدايا! به تو پناه مى‏برم از فتنه‏انگيزى‏هاى شيطان رانده شده، و از نيرنگ و مكرهايش، و از اطمينان به دروغ‏ها و وعده‏ها و فريب‏كارى و دام‏هايش، و اين كه خود را در گمراه كردن ما از راه بندگيت، و خوار كردنمان بر اثر معصيتت، به طمع اندازد يا نزد ما نيكو شود زشتى‏هايى كه او در نظر ما نيكو جلوه مى‏دهد، يا گران و سخت شود، خوبى‏هايى كه او در نظر ما زشت نشان مى‏دهد.

خدايا! به عبادت و بندگى ما، او را از عرصه‏گاه زندگيمان دور كن و به سبب جدّيّت و تلاشمان در راه محبتت، او را ذليل و خوار گردان، و بين ما و او پرده‏اى قرار ده كه آن را ندرد، و حجابى ضخيم برقرار كن كه آن را نشكافد.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و شيطان را با سرگرم شدن به برخى دشمنانت از ما منصرف كن و ما را به رعايت نيكويت از او حفظ فرما، و از خيانت و نيرنگش كفايت كن و رويش را از ما برگردان، و ردّ پايش را از ما قطع كن. خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از هدايتى كه در دوام و پابرجايى مانند گمراهى او باشد، بهره‏مند ساز، و ما را در برابر بى‏راهى او، توشه تقوا كرامت فرما، و خلاف راه هلاكت بار او، ما را به مسير تقوا رهنمون باش.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 106

خدايا! براى او در دل‏هاى ما راه وارد شدن قرار مده، و در شؤون زندگى ما براى او جايگاه اقامت فراهم نكن. خدايا! ما را به آنچه كه از باطل در نظرمان بيارايد، آگاه ساز، و چون آگاهمان كردى، از آن نگاهمان دار و ما را به زمينه‏هاى چاره‏جويى در برابر او بينا گردان، و آنچه را كه بايد عليه او آماده كنيم، به ما الهام كن، و ما را از خواب غفلتى كه سبب گرايش به اوست بيدار فرما، و يارى دادن ما را در جنگ با او، به توفيقت نيكوگردان.

خدايا! دل‏هاى ما را از ردّ كردن و انكار عملش سرشار ساز، و به ما براى درهم شكستن حيله‏اش لطف فرما.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و سلطه و تسلّط شيطان را از ما بگردان، و اميدش را از ما قطع كن، و او را از حرص ورزيدن به گمراهى ما دفع فرما.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و پدران و مادران و فرزندان و اهل ما و خويشان و نزديكان و همسايگانمان اعمّ از مردان مؤمن، و زنان مؤمنه را از وجود خطرناكى چون شيطان در جايگاهى محكم، و دژى حفظ كننده و پناهگاهى بازدارنده قرار ده و آنان را براى دفع زيان او، زره‏هاى نگاه دارنده بپوشان، و اسلحه‏هاى برّنده بر ضد او عطا كن.

خدايا! مشمول اين دعا قرار ده كسى را كه به پروردگاريت گواهى مى‏دهد، و به وحدانيتت اخلاص مى‏ورزد، و به حقيقت بندگيت با شيطان دشمنى مى‏كند، و از تو براى شناخت علوم ربّانى، عليه او يارى جويد.

خدايا! آنچه را گره زده بگشاى، و هر راهى كه باز كرده ببند، و هر تدبيرى كه انديشيده به هم زن، و از هر كارى كه قصد كرده بازش دار، و هر چه را محكم كرده سست كن.

خدايا! لشكرش را شكست ده، و نيرنگش را باطل ساز، و پناهگاهش را

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 107

ويران كن، و بينى‏اش را به خاك مال.

خدايا! ما را در سلك دشمنانش قرار ده، و از شمار دوستانش بركنار كن تا چون ما را بفريبد از او پيروى نكنيم، و هر گاه ما را بخواند، جوابش ندهيم، و هر كه را پيروى دستور ماست به دشمنى با او دستور دهيم و هر كه را پيروى نهى ماست، براى بازداشتن از اطاعت او پند دهيم.

خدايا! بر محمّد خاتم انبيا و سيد رسولان، و بر اهل پاك و پاكيزه او درود فرست، و ما و اهل ما و برادران ما و تمام مؤمنان و مؤمنات را از آنچه از آن پناه مى‏جوييم پناه ده، و از آنچه از بيم آن، از تو ايمنى مى‏خواهيم امان بخش، و دعاى ما را نسبت به آنچه دعا مى‏كنيم بشنو، و آنچه را از درخواستش غفلت مى‏كنيم، به ما عطا فرما، و آنچه را فراموش كرديم براى ما حفظ كن، و ما را به سبب آن به درجات شايستگان و رتبه‏هاى اهل ايمان انتقال ده. دعايمان را مستجاب كن. اى پروردگار جهانيان!

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 108

دعاى 18 بلا و عافيت‏

خدايا! تو را سپاس بر سرنوشت خوبى كه مقدّر مى‏كنى، و بر بلا و مصيبتت كه از من مى‏گردانى؛ پس بهره‏ام را از رحمتت، در اين عافيتى كه در زندگى دنيا به من عنايت كرده‏اى منحصر مكن؛ كه در نتيجه به سبب آنچه كه دوست دارم بدبخت شوم، و ديگرى به خاطر آنچه كه خوش ندارم، خوشبخت شود، و اگر عافيتى كه روز را در آن به شب مى‏رسانم، يا شب را در آن به روز مى‏رسانم، مقدّمه بلايى است كه قطع نمى‏شود، و پيشاپيش بار سنگينى است كه بر طرف نمى‏گردد، پس آنچه را برايم به تأخير انداخته‏اى، پيش انداز، و آنچه را پيش انداخته‏اى به تأخير افكن؛ زيرا چيزى كه پايانش فنا و نابودى است، بسيار فراوان به حساب نمى‏آيد و آنچه عاقبتش بقا و هميشگى است، اندك و كم نمى‏باشد، و بر محمّد و آلش درود فرست.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 112

دعاى 19 درخواست باران‏

خدايا! براى ما باران فرست، و رحمتت را به باران پُر آب و فراوان بر ما بگستران؛ از ابرى كه براى گياه زيباى زمينت، در تمام ناحيه‏ها و اطراف سوق داده شده.

و بر بندگانت با به بار آمدن و رسيدن ميوه منّت گذار، و سرزمين‏هاى مرده‏ات را با شكفتن شكوفه‏ها زنده كن، و فرشتگان بزرگوار نويسنده‏ات را با فرستادن بارانى سودمند و پيوسته، از جانب خودت گواه گير؛ بارانى كه فراوانى و انبوهش وسيع، و باريدنش بسيار تند و آمدنش سريع و زود باشد تا به آن باران، هر چه از زمين و گياه مرده است، زنده كنى، و به سبب آن از دست رفته‏ها را بازگردانى، و آنچه از دل زمين آمدنى است، بيرون آرى، و از بركت آن باران، روزى‏ها را وسعت بخشى، از ابرى انباشته، لذّت بخش، گوارا، فراگير و غرّان كه بارانش اندك نباشد، و برقش نفريبد. خدايا! براى ما بارانى فريادرس و برطرف كننده قحطى فرست؛ بارانى روياننده گياه، و سرسبز كننده دشت و دمن، و بارانى وسيع و فراوان كه به وسيله آن گياه از رشد ايستاده را به عرصه رشد و نموّ بازگردانى و در سايه آن، مردگى و خشكى زمينى كه علف و گياهش از بين رفته جبران كنى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 116

خدايا! ما را بارانى فرست كه به وسيله آن از تپّه‏ها آب سرازير فرمايى، و چاه‏ها از آن پر كنى، و نهرها را روان سازى، و درختان را برويانى، و قيمت‏ها را در تمام شهرها ارزان كنى، و چهارپايان و مخلوقات را نشاط و قوّت دهى، و روزى‏هاى پاكيزه را براى ما كامل كنى، و زراعت را برويانى، و پستان‏ها را پر شير سازى، و نيرو به نيروى ما بيفزايى.

خدايا! سايه ابر را بر ما باد گرم و زهرآگين مساز، و سردى آن را بر ما شوم و نحس مكن، و بارانش را بر ما عذاب قرار مده، و آبش را براى ما تلخ و شور مگردان.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از بركت آسمان‏ها و زمين روزى بخش؛ همانا تو بر هر كارى توانايى.

دعاى 20 در مكارم اخلاق و اعمال پسنديده‏

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست و ايمانم را به كامل‏ترين ايمان رسان و يقينم را برترين يقين قرار ده.

خداوندا! نيتّم را به بهترين نيتّ‏ها و عملم را به بهترين اعمال برسان و نيّتم را به بهترين نيّت‏ها و عملم را به بهترين عمل‏ها منتهى ساز. خدايا! نيّتم را به لطفت كامل گردان و يقينم را به رحمتت در گردونه صحّت و سلامت قرار ده و فسادم را به قدرتت اصلاح كن.

خدايا بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا از آنچه توجّه به آن دچار سرگرمى و مشغوليت مى‏كند، كفايت كن، و در امورى به كارگير كه فرداى قيامت در ارتباط با آن از من بازپرسى مى‏كنى، و روزگارم را در اهدافى كه مرا به خاطر آن به وجود آوردى مصروف دار.

و مرا توانگر كن و روزيت را بر من وسعت ده، و مرا به چشم داشت نسبت به آنچه در دست اين و آن است مبتلا مكن، و ارجمندم ساز.

و مرا به سركشى و گردن كشى، گرفتار مساز، و بر مدار بندگيت قرار ده، و عبادتم را به خودپسندى تباه مكن، و خير و نيكى را به دست من براى تمام مردم جارى ساز و آن را با آلوده شدن به منت نابود مكن، و اخلاق شريفه و بلند مرتبه‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 120

به من ببخش و از فخرفروشى نگاهم دار.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا درجه و مرتبه‏اى نزد مردم بلند مكن، مگر آن كه به همان اندازه نزد خودم پست گردانى، و عزّت آشكارى برايم ايجاد مكن، مگر آن كه به همان اندازه، خوارى باطنى برايم ايجاد كنى.

خدايا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا به هدايتى شايسته بهره‏مند ساز كه آن را با روشى ديگر عوض نكنم، و راه حقّى نصيبم كن كه از آن منحرف نشوم، و نيّت استوارى به من عنايت كن كه در آن شك نورزم.

و مرا زنده دار، مادامى كه عمرم در طاعت تو به كار رود، و هنگامى كه عمرم بخواهد چراگاه شيطان شود، جانم را بستان پيش از آن كه دشمنى و نفرتت بر من پيشى گيرد، يا خشمت نسبت به من محكم و استوار شود.

خدايا! خصلت قابل سرزنشى را در وجود من مگذار، جز اين كه اصلاحش كنى، و عيب قابل ملامتى را در عرصه گاه حياتم رها مكن، جز اين كه نيكويش گردانى، و كرامتى را در من ناقص مگذار، جز اين كه كاملش فرمايى.

خدايا! بر محمد و آل محمد درود فرست و اين خصلت‏هايى كه مى‏شمارم، به نفع من تغيير ده: شدت كينه دشمنان را به محبت، و حسد متجاوزان را به مودّت، و بدگمانى و تهمت اهل صلاح را به اطمينان، و دشمنى نزديكان را به دوستى، و مخالفت خويشان را به خوش رفتارى، و تنها و بى‏يار گذاشتن نزديكان را به يارى، و دوستى فريبكاران را به درست شدن دوستى، و ردّ كردن همنشينان را به رفتاى كريمانه، و تلخى ترس از ستمكاران را به شيرينى امنيّت.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا بر كسى كه به من ستم مى‏كند غالب و چيره، و بر ضدّ كسى كه با من به مجادله برمى‏خيزد زبان گويا، و بر كسى كه با من دشمنى مى‏ورزد، پيروز قرار ده، و عليه كسى كه نيرنگم مى‏زند، چاره جويى بخش، و در برابر كسى كه به من ستم مى‏كند قدرت عنايت فرما، و عليه‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 121

كسى كه به من دشنام مى‏دهد و غيبت مى‏كند، توان تكذيب مرحمت فرما، و از دست كسى كه مرا تهديد مى‏كند به سلامت دار، و از آن كه مرا به راه صواب مى‏برد، توفيق فرمانبرى ده، و از آن كه مرا به راه راست هدايت مى‏كند، توفيق پيروى عنايت كن.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا به اين امورى كه از تو مى‏خواهم پايدار و استوار دار: ايستادن در برابر كسى كه به من خيانت كرده با سلاح نصيحت و خيرخواهى، پاداش دادن به كسى كه از من دورى جسته با نيكى و خوبى، جزا دادن به كسى كه مرا از عطايش محروم ساخته، با بذل و بخشش، تلافى كردن نسبت به كسى كه با من قطع رابطه كرده، با صله و پيوند، مخالفت ورزيدن با كسى كه از من غيبت كرده، با نيكو ياد كردن از او، به جا آوردن سپاس، در برابر خوبى و چشم پوشى از بدى.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به زيور شايستگان بياراى، و زينت پرهيزكاران را به من بپوشان كه زيور و زينت شايستگان و پرهيزكاران در اين امور است: گسترش عدالت، فروخوردن خشم، خاموش كردن آتش فتنه، جمع كردن پراكنده شدگان، اصلاح بين مردم، آشكار كردن كارهاى خوب مردم، پوشاندن عيوب انسان‏ها، نرم خويى، فروتنى، خوش رفتارى، آرامش، وقار، خوش اخلاقى، پيشى گرفتن به سوى فضيلت، انتخاب نيكى و احسان، ترك سرزنش، خوبى كردن به غير مستحق، حق گويى، گرچه سنگين باشد، اندك دانستن گفتار و كردار خوبم، هر چند زياد باشد و زياد شمردن گفتار و رفتار بدم، هر چند اندك باشد، و همه اين امور را به دوام اطاعتم از حضرتت، و همراهى با مسلمانان، و دست برداشتن از اهل بدعت، و آنان كه رأى ساختگى در دين را به كار مى‏گيرند، كامل كن.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و فراخ‏ترين روزى را، هنگامى كه پير

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 122

شدم برايم قرار ده، و نيرومندترين نيرويت را، زمانى كه خسته و درمانده شدم نصيبم فرما، و مرا به سستى و كسالت از بندگيت مبتلا نكن، و نه به نابينايى از شناخت راهت، و نه به دچار شدن خلاف دوستيت، و نه به همراهى كردن با كسى كه از تو جدا شده، و نه به جدا شدن از كسى كه با تو همراه گشته.

خدايا! چنانم قرار ده كه هنگام ضرورت با كمك حضرتت به دشمنان حمله كنم، و به هنگام نياز از تو بخواهم، و زمان درماندگى و مسكنت، به درگاه تو بنالم.

خدايا! مرا به اين امور امتحان مكن: كمك خواستن از غير خودت، هنگامى كه مضطر شوم. به خاكسارى و فروتنى در برابر ما سواى وجودت، زمانى كه به تهى دستى گرفتار آيم. به زارى كردن به درگاه غير حضرتت، وقتى كه دچار ترس شوم، تا به خاطر اين امور مستحق خوارى و منع نعمت و روى گردانى و بى‏اعتنايى از جانب تو گردم.

اى مهربان‏ترين مهربانان! آنچه شيطان از آرزوى باطل و بدگمانى و حسد در دل من مى‏اندازد، همه را ياد بزرگيت و انديشه در قدرتت، و تصميم و طرح عليه دشمنت قرار ده، و آنچه بر زبانم جارى مى‏كند، از فحش و بدگويى يا ناسزا به ناموس مردم، يا شهادت باطل، يا غيبت مؤمن غايبى، يا دشنام به حاضرى و آنچه شبيه اينهاست، همه را سخن به حمد و سپاست و مبالغه در ثنايت، و فرو رفتن در تعظيمت و شكر نعمتت و اقرار به احسانت و شمردن نعمت‏هايت قرار ده.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و بر من ستم نشود، در حالى كه به دفعش از من توانايى، و بر ديگرى ستم نكنم، در حالى كه بر نگاه داشتنش از من قادرى، و گمراه نشوم در حالى كه بر هدايت من نيرومندى، و تهى دست نشوم، در حالى كه فراخى روزى من نزد توست، و طغيان نكنم، در حالى كه توانگرى‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 123

من از جانب توست.

خدايا! به سوى آمرزشت آمدم، و به جانب بخششت روى كردم، و به گذشتت مشتاقم، و به احسانت اعتماد كردم. چيزى نزد من نيست كه به خاطر آن سزاوار بخششت شوم، و پس از اين كه عليه خود داورى كردم، به اين نتيجه رسيدم كه چيزى جز احسانت برايم نيست؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و به من احسان كن.

خدايا! به هدايت، گويايم كن و تقوا را به من الهام فرما، و به پاكيزه‏ترين روش توفيقم ده، و به امورى كه پسنديده‏تر است به كارم گير.

خديا! مرا به بهترين راه بر، و مرا بر آيينت قرار ده كه بر اساس آن بميرم و بر مبناى آن زنده باشم.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا در تمام امور زندگى از ميانه‏روى بهره‏مند كن، و اهل صواب و درستى، و از زمره راهنمايان به خير، و از بندگان شايسته‏ات قرار ده، و رستگارى روز قيامت و سلامت از كمينگاه عذاب را روزيم فرما.

خدايا! از نَفْس من آنچه كه او را رهايى و نجات مى‏دهد، براى خود دريافت كن و براى نفس من از نفس من آنچه كه او را اصلاح مى‏كند باقى گذار. همانا نفس من در معرض هلاكت است؛ مگر اين كه تو حفظش كنى.

خدايا! اگر اندوهگين شوم، تو ذخيره و مايه دل خوشى منى، و اگر از هر درى محرومم كنند، تو محلّ رفت و آمد منى، و اگر در فشار و سختى قرار گيرم، كمك خواهيم از وجود توست، و آنچه از دستم رود، عوض و بدلش نزد توست، و براى هر چه فاسد شود، مايه اصلاح پيش توست، و هر آنچه را ناپسند دارى، تغييرش به دست توست.

خدايا! پيش از بلا به عافيت، و قبل از درخواست، به توانگرى، و پيش از

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 124

گمراهى، به هدايت بر من منّت گذار، و مرا از سختى و دشوارى، آزار بندگان كفايت فرما، و ايمنى روز قيامت را نصيبم كن، و ارشاد كردن نيكو و خوب را به من عطا فرما.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، شرور را به لطف خود از من دفع كن، و به نعمتت مرا پرورش ده، و به بزرگواريت، مرا اصلاح كن، و به احسانت مرا مداوا فرما، و در سايه پناهت جاى ده، و خلعت خشنوديت را بر من بپوشان، و زمانى كه امور بر من مبهم و مشكل شود، به هدايت آميزترينش، و هنگامى كه اعمال برايم مشتبه شود، به پاكيزه‏ترينش، و چون آيين‏ها دچار اختلاف شوند، به پسنديده‏ترينش، موفقم دار.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و تارك وجودم را به تاج كفايت بياراى، و به حسن سرپرستى، بلند مرتبه‏ام گردان، و مرا صدق هدايت بخش، و به گشايش در امور زندگى آزمايشم مكن، و آرامش نيكو به من عطا فرما، و زندگيم را دشوار و سخت قرار مده، و دعايم را به من بر مگردان؛ برگرداندنى تلخ و ناهنجار، همانا من براى تو ضدى در اعتقادم قرار نمى‏دهم، و با تو همانند و شبيهى نمى‏خوانم.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا از اسراف بازدار، و روزيم را از تلف شدن نگاه دار، و داراييم را به بركت در آن افزون كن، و مرا براى خير و نيكى در آنچه از آن مال خرج مى‏كنم، به راه هدايت برسان.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا از سختى و دشوارى كسب و كار كفايت كن، و روزيم را از جايى كه گمان نمى‏بريم عنايت فرما، تا در راه به دست آوردن روزى از بندگيت باز نمانم، و سنگينى وبال‏هاى كسب را به دوش نكشم.

خدايا! آنچه را مى‏طلبم، به قدرتت برايم فراهم كن، و از آنچه مى‏ترسم، به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 125

عزّتت پناهم ده.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و آبرويم را به توانگرى حفظ كن، و قدر و منزلتم را به تنگدستى پست مفرما كه از روزى خوارانت روزى بخواهم، از بَدان و اشرار آفريده‏هايت عطايى بطلبم، تا به سپاسگزارى كسى كه عطايم مى‏كند گرفتار شوم، و به سرزنش كسى كه از عطا كردن به من باز مى‏ايستد دچار گردم، و حال آن كه تو متولّى عطا و منعمى، نه ديگران.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و صحت و سلامتى كه در عبادت مصرف شود، آسايش و فراغتى كه در فضاى زهد به كارم آيد، و دانش و معرفتى كه در عمل به كار گرفته شود، و پارسايى و تقوايى كه از افراط و تفريط دور باشد، روزى من فرما.

خدايا! مدت عمرم را به عفو و بخششت پايان ده، و آرزويم را در اميد به رحمتت تحقّق ده، و راههايم را براى رسيدن به خشنوديت هموار ساز، و در تمام احوال، كردارم را نيكو گردان.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا در اوقات بى‏خبرى براى يادت بيدارى ده، و در روزگار مهلت براى فرمانبرداريت به كار گير، و برايم راه آسانى به سوى محبّتت باز و هموار كن و به سبب آن، خير دنيا و آخرت را برايم كامل ساز.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست؛ مانند برترين درودى كه پيش از او بر يكى از بندگانت فرستادى، و پس از او بر يكى از آفريده‏هايت مى‏فرستى، و ما را در دنيا و آخرت خوبى عطا كن، و مرا به رحمتت از شكنجه آتش حفظ فرما.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 126

دعاى 21 هجوم اندوه و نگرانى از گناه‏

خدايا! اى بى‏نياز كننده فرد ناتوان! و اى حافظ بندگان از حادثه ترسناك! خطاها مرا دچار تنهايى كرده؛ پس هم‏نشينى كه وزرو وبال و عذاب خطاها را از من دفع كند برايم نيست، و از تحمل خشمت ناتوان شده‏ام، و نيرو دهنده‏اى برايم نمى‏باشد، و بر ترس ديدارت، به وقت مرگ و قيامت، آنهم ديدارى نامناسب و هولناك نزديكم، و آرام بخشى براى ترسم وجود ندارد.

اگر مرا بترسانى چه كسى در برابر تو امانم مى‏دهد؟ و اگر تنهايم بگذارى چه كسى مرا يارى مى‏دهد؟ و اگر ناتوانم سازى چه كسى مرا تقويت مى‏كند؟

اى خدا! منِ پرورده را جز پروردگار پناه نمى‏دهد، و شكست خورده را جز پيروز امان نمى‏بخشد، و خواسته شده را جز خواستار كمك نمى‏كند.

اى خداى من! تمام آن وسايل و اسباب به دست اراده توست، و گريزگاه و پناهگاه به سوى توست، پس بر محمد و آلش درود فرست، گريزم را پناه ده، و خواسته‏ام را روا كن. خدايا! اگر روى كريمت را از من بگردانى، يا مرا از احسان بزرگت محروم كنى، يا روزيت را از من دريغ ورزى، يا رشته پيوندت را از من بگسلى، راهى براى دست يابى، به هيچ يك از آرزوهايم جز تو نيابم، و بر آنچه پيش توست، جز به يارى تو دست رسى پيدا نكنم؛ چرا كه من بنده تو،

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 130

و در قبضه اراده توام. اختيارم به دست توست، با فرمان تو فرمانى براى من نيست. حكم تو در تمام شؤون زندگى من جارى است، و تقديرت درباره من عين عدالت است. مرا نيروى بيرون رفتن از قلمروى سلطنت تو نيست، و استطاعت تجاوز از حيطه قدرتت برايم وجود ندارد، و توان جلب دوستيت را ندارم، و به خشنوديت نمى‏رسم، و به آنچه نزد توست جز به طاعتت و فضل رحمتت، دست نمى‏يابم.

خدايا! صبح و شب كردم، درحالى كه بنده خوار و بى‏مقدار توام. براى خود جز با كمك حضرتت بر جلب سودى و دفع زيانى قدرت ندارم. به آنچه درباره خود گفتم، شهادت مى‏دهم. به ناتوانى نيرويم، و كمى تدبيرم اعتراف مى‏كنم؛ پس آنچه را به من وعده دادى وفا كن، و آنچه را كه به اين بنده‏ات عطا فرموده‏اى، كامل ساز؛ زيرا كه من بنده بى‏نوا، ذليل، ناتوان، دردمند، كوچك، بى‏مقدار، تهى دست، ترسان و پناهنده به توام.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا نسبت به ياد خود در آنچه به من عطا كردى، فراموشكار مكن، و به احسانت در آنچه به من بخشيده‏اى غافل و بى‏خبر مساز، و از اجابت دعايم، گرچه تأخير افتد نااميد مكن. هر چند در خوشى باشم، يا ناخوشى، در سختى باشم يا رفاه، در سلامت همه جانبه باشم يا بلا، در تنگدستى و بيچارگى باشم يا نعمت، در دارايى باشم يا محنت، در تهيدستى باشم يا توانگرى.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست و ثنايم را براى خودت، و ستودنم را محض حضرتت، و سپاسم را در تمام حالاتم به خاطر وجود مباركت قرار ده، تا به آنچه از دنيايم عطايم مى‏كنى، خوشحال نشوم، و بر آنچه در دنيا محرومم مى‏كنى اندوهگين نگردم، و تقوايت را به قلبم بچسبان، و بدنم را در اعمالى كه از من قبول مى‏كنى به كارگير و وجودم را، براى دور ماندن از هر خلافى كه به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 131

جانب من مى‏آيد، به طاعت و بندگيت مشغول دار، تا ذره‏اى از خشمت را دوست نداشته باشم، و نسبت به ذرّه‏اى از خشنوديت خشم نورزم.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و دلم را براى دوستيت خالى كن، و به ياد خود مشغول ساز، و به بيم و هراس از خود نشاطش ده، و به شوق و رغبت به سويت نيرومندش كن، و به جانب طاعتت ميلش ده، و در محبوب‏ترين راههاىِ به سويت روانش ساز، و در تمام دوره زندگيم او را به رغبت داشتن نسبت به آنچه نزد توست رام گردان.

از دنيا، تقوايت را توشه‏ام و سفرم را به جانب رحمتت، و ورودم را در خشنوديت، و جايم را در بهشتت قرار ده، و مرا قدرتى بخش كه تمام بار خشنوديت را به دوش جان حمل كنم.

گريزم را به سويت، و ميلم را در آنچه نزد توست قرار ده، و لباس وحشت از شرار بندگانت را بر دلم بپوشان، و انس گرفتن به خودت و عاشقانت و اهل طاعتت را به من ارزانى دار.

و به سود هيچ بدكار و كافرى بر من منّت و نعمت قرار مده. و روى نيازم را به جانب آنان مكن؛ بلكه آرامش دل، و انس جان، و بى‏نيازى و انجام گرفتن كارم را برعهده خود، و برگزيدگان از بندگانت قرار ده.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا همنشين و يار ايشان قرار ده، و به شوق ورزيدن به سويت، و به عمل برايت چنانكه دوست دارى و مى‏پسندى بر من منّت گذار؛ همانا تو بر هر كارى توانايى، و تحقق آن همه كه گفتم بر تو آسان است.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 132

دعاى 22 سختى و دشوارى امور

خدايا! كار دشوارى چون اصلاح نفسم را بر عهده من نهاده‏اى كه خودت از من به آن كار تواناترى، و تواناييت بر آن كار و بر من، بيش از توانايى من است؛ پس چيزى كه تو را از من خشنود مى‏كند به من عطا فرما، و خشنوديت را در حال تندرستى‏ام، از من دريافت كن.

خدايا! مرا طاقت بر مشقت، و شكيبايى بر مصيبت، و قدرت بر تنگ دستى نيست؛ پس روزيم را منع مكن و مرا به بندگانت وامگذار؛ بلكه خود به تنهايى حاجتم را برآور و كار ساز من باش، و به من با نظر رحمت بنگر، و در تمام امورم مصلحتم را در نظر گير؛ زيرا اگر مرا به خود واگذارى، از تحقق دادن كارهايم عاجز شوم، و به كارى كه مصلحت من در آن است برنخيزم، و اگر مرا به بندگانت واگذارى، با ترش‏رويى به من بنگرند، و اگر به پناه خويشانم فرستى، محرومم سازند، و اگر عطا كنند، عطايى اندك و پر دردسر دهند، و بر من منّت بسيار گذارند، و بيش از اندازه نكوهش كنند.

خدايا! پس به احسانت بى‏نيازم كن، و به بزرگيت مرتبه بلندم ده و به توانگريت، دستم را گشاده ساز، و به آنچه كه نزد توست بى‏نيازم فرما.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا از حسد رهايى ده، و از گناهانم‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 136

بازم دار، و از حرام‏ها پرهيز ده، و بر معاصى دليرم مگردان، و ميل و رغبتم را متوجه خود فرما، و خشنوديم را در آنچه از جانب تو به من مى‏رسد قرار ده، و مرا در آنچه روزيم كرده‏اى، و از روى بزرگوارى به من بخشيده‏اى، و احسان فرموده‏اى بركت ده، و مرا در تمام حالاتم، محفوظ، حراست شده، پوشيده، دست نايافتنى، پناه داده و امان يافته قرار ده.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا به انجام تمام آنچه براى خود يا بنده‏اى از بندگانت، در جهتى از جهات طاعتت بر من لازم و واجب فرموده‏اى توفيق ده، و اگر بدنم از انجامش ناتوان باشد، و نيرويم از آن سست شود، و توان و قدرتم به آن نرسد، و مال و منالم گنجايشش را نداشته باشد، خواه يادش باشم يا فراموشش كرده باشم، و آن تكليف، اى پروردگارم! از امورى باشد كه به حساب من گذاشته‏اى، و من از انجامش غفلت كرده‏ام، آن را از عطاى عظيمت، و رحمت واسعه‏ات از جانب من ادا كن كه تو توانگر كريمى، اى پروردگارم! آن تكاليف را به گونه‏اى از جانب من ادا كن كه چيزى از آن برعهده من نماند، تا روزى كه تو را ملاقات مى‏كنم، لازم نيايد از خوبى‏هايم كم كنى، و بر بدى‏هايم بيفزايى.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و براى آخرتم ميل و رغبت در عمل، آنهم عمل براى خودت روزيم فرما، تا جايى كه درستى اين عمل را از قلبم بيابم، و به گونه‏اى كه بى‏رغبتى نسبت به دنيايم بر من چيره شود، و به صورتى كه از سر شوق خوبى‏ها را به جا آورم، و از بيم و ترس از عذاب، از بدى‏ها در امان مانم، و نورى به من بخش كه به وسيله آن در ميان مردم زندگى كنم، و در تاريكى با فروغش راه يابم، و به سبب آن از اشك و شبهه‏ها، رهايى يافته، روشنى ايمان و اعتقاد محكم و استوار به دست آورم.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و ترس و اندوه و عذاب، و اشتياق‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 137

پاداش وعده داده شده را روزيم فرما، تا لذّت آنچه تو را به خاطر آن مى‏خوانم، و دشوارى چيزى كه از آن به تو پناه مى‏آورم، بيابم.

خدايا! آنچه از كار دنيا و آخرتم، مرا اصلاح مى‏كند مى‏دانى؛ پس به برآوردن خواسته‏هاى من مهربان باش.

خدايا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و هنگام كوتاهى در شكر گزاريت، آنهم شكرگزارى به خاطر نعمت‏هايى كه در زمان آسايش و سختى، و سلامت و بيمارى به من عنايت فرمودى، حق را كه تسليم بودن در برابرت، و اقرار به احكام حكيمانه‏ات و اعتراف به كوتاهى ورزيدنم در شكر است روزيم كن، تا از وجودم نسيم خشنودى و آرامش باطن دريابم؛ آنهم در برابر اداى وظيفه‏اى كه نسبت به حضرتت بر من واجب است، اداى وظيفه در امورى كه در حال ترس و امنيّت، و خشنودى و خشم، و زيان و سود پيش مى‏آيد.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست و سلامت سينه از حسد روزيم كن تا به هيچ يك از بندگانت براى ذرّه‏اى از احسانت كه به آنها عنايت كردى، حسد نورزم، و تا جايى كه هيچ نعمتى از نعمت‏هايت را، بر احدى از بندگانت در دين يا دنيا، يا سلامت يا تقوا، يا فراخى يا راحت نبينم؛ جز آن كه برتر از آن را به لطف تو، و از سوى تو براى خود آرزو كنم، يگانه‏اى و شريكى برايت نيست.

خدايا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست و خوددارى از خطاها، و پرهيز از لغزش‏ها را در دنيا و آخرت، در حال خشنودى و خشم روزيم فرما؛ به طورى كه حالت درونم نسبت به آنچه كه از خشنودى و خشم بر من وارد مى‏شود، يكسان و مساوى باشد، در حالى كه عمل كننده به طاعتت باشم و خشنودى تو را در حق دوستان و دشمنان بر آنچه غير طاعت و خشنودى توست ترجيح دهم، تا دشمنم از ستم و جورم ايمن باشد، و دوستم از رغبتم و پايين آمدن هواى نفسم به سويش نااميد گردد، و مرا از آنان قرار ده كه تو را مخلصانه در حال آسايش‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 138

مى‏خوانند، مانند خواندن مخلصين درمانده؛ همانا تو ستوده بزرگوارى.

دعاى 23 عافيت و شكر بر آن‏

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و عافيتت را بر من بپوشان، و سراپايم را به عافيتت فراگير، و به عافيتت محفوظم دار، و به عافيتت گراميم دار، و به عافيتت بى‏نيازم كن، و به عافيتت بر من صدقه ده، و عافيتت را به من ببخش، و عافيتت را بر من بگستران، و عافيتت را برايم شايسته گردان، و در دنيا و آخرت بين من و عافيتت جدايى مينداز.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا عافيت ده؛ عافيتى بى‏نياز كننده، شفابخش، برتر، افزون شونده؛ عافيتى كه در بدنم عافيت توليد كند، عافيت دنيا و آخرت.

و بر من منّت گذار، به تندرستى و امنيّت و سلامت در دين و بدنم و بينايى در دلم، و قاطعيت در امورم، و هراس برايت، و بيم از حضرتت، و توان و نيرو بر آنچه از طاعتت به من فرمان دادى، و دورى از نافرمانيت نسبت به آنچه مرا از آن برحذر داشتى.

خدايا! بر من منت گذار به حجّ و عمره، و زيارت قبر رسولت كه درود و رحمت و بركاتت بر او و بر آل او باد، و بر زيارت قبور اهل بيت رسولت عليهم السلام، هميشه تا وقتى كه مرا زنده بدارى، در امسالم و همه سال و آن زيارت را مقبول‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 142

و پسنديده و منظور نظر پيشگاهت، و اندوخته‏اى برايم نزد خود قرار ده.

و زبانم را به سپاس و شكر و ذكر و ستايش نيك، نسبت به حضرتت گويا كن، و دلم را براى راههاى مستقيم دينت گشاده فرما، و مرا و فرزندانم را پناه ده از شيطان رانده شده، و از شرّ جانوران زهردار، و حيوانات بدون زهر، و ساير جانداران، و مردم چشم شور، و از شر هر شيطان سركش، و شر هر پادشاه ستمگر، و شر هر خوش گذران نازپرورده، و شر هر ناتوان و قوى، و شرّ هر عالى مقام و فرومايه، و شر هر كوچك و بزرگ، و شر هر دور و نزديك، و از شرّ هر جن و انس كه در برابر پيامبرت و اهل بيتش، جنگى را برپا كرد، و از شر هر جنبنده‏اى كه تو زمام اختيارش را به دست دارى. همانا تو بر راه راستى.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و هر كه نسبت به من آهنگ بدى كند، او را از من بگردان، و نيرنگش را از من دور ساز، و شرش را از من دفع كن، و مكرش را به گلوگاهش برگردان، و مانعى پيش رويش قرار ده تا چشمش را از ديدن من كور، و گوشش را از شنيدن گفتار من كر سازى، و دلش را از ياد من قفل كنى، و زبانش را از گفتگو درباره من لال گردانى، و سرش را بكوبى، و عزّتش را خوار كنى، و بزرگيش را بشكنى، و بر گردنش، گردن بند خوارى اندازى، و كبرياييش را از هم بپاشى، و مرا از تمام زيان و شرّ و طعنه و غيبت و عيب جويى، حسد، دشمنى، بندها، دام‏ها، پياده و سواره‏اش ايمن دارى؛ همانا تو شكست‏ناپذير توانايى.

دعاى 24 پدر ومادر

خدايا! بر محمّد بنده و فرستاده‏ات، و بر اهل بيت پاكش درود فرست، و آنان را به برترين درودها و رحمت و بركات و سلام خود، مخصوص گردان.

خدايا! پدر و مادرم را به گرامى داشتن نزد خود، و درود از جانب حضرتت اختصاص ده. اى مهربان‏ترين مهربانان!

خدايا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و دانش آنچه از حقوق ايشان بر من واجب است، به من الهام فرما، و دانش همه آن حقوق واجبه را برايم فراهم آور؛ سپس مرا به آنچه در اين زمينه الهام كرده‏اى به كار گير، و براى انجام آنچه به دانستنش بينايم مى‏كنى توفيق ده، تا به كار بستن چيزى كه به من آموخته‏اى از دستم نرود، و اندامم از خدمت كردن بر اساس حقوقى كه به من الهام فرموده‏اى، سنگين نشود.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست؛ چنانكه ما را به وجود مباركش شرافت دادى، و بر محمّد و آلش درود فرست؛ همان سان كه به سبب حضرتش حقّى به سود ما برعهده مردم واجب فرمودى.

خدايا! چنانم قرار ده كه از پدر و مادرم مانند ترسيدن از پادشاه ستمكار بترسم، و به هر دو همچون مادرى مهربان نيكى كنم، و اطاعت و نيكوكاريم را به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 146

آنان، در نظرم از خواب خواب آلوده شيرين‏تر، و براى سوز سينه‏ام، از شربت گوارا، در ذايقه تشنه، خنك‏تر گردان تا خواسته هر دو را بر خواسته خود ترجيح دهم. و خشنودى آنها را بر خشنودى خود مقدّم دارم، و نيكوكارى ايشان را در حق خود، هر چند اندك باشد، زياد شمارم، و نيكوكارى خود را درباره ايشان هر چند بسيار باشد، اندك به حساب آورم.

خدايا! صدايم را در محضر آنان آهسته، و گفتارم را پاكيزه و دلنشين، و خويم را نسبت به آنان نرم فرما، و دلم را به هر دو مهربان ساز، و مرا نسبت به هر دو اهل مدارا و نرمش و مهربان و دلسوز گردان.

خدايا! آنان را به پاس پرورش من پاداش ده، و در برابر گرامى داشت من جزا عنايت فرما، و هر چه را در كودكى من نسبت به من منظور داشتند، در حق آنان منظور دار.

خدايا! آنچه از جانب من آزار به ايشان رسيده يا كار ناپسندى از من نسبت به آنها رخ داده، يا حقى كه از آنان بر عهده من ضايع شده، همه را موجب ريختن گناهانشان، و بلندى مقامشان و افزونى خوبى‏هاشان قرار ده، اى تبديل كننده بدى‏ها، به چندين برابرش به خوبى‏ها.

خدايا! آنچه را پدر و مادرم، در سخن گفتن با من از اندازه بيرون رفتند، يا در كارى نسبت به من زياده‏روى كردند، يا حقى را از من به تباهى كشيدند، يا واجبى را نسبت به من كوتاهى كردند، همه را به آنان بخشيدم، و تمام آنها را بر هر دو نثار كردم، و از تو مى‏خواهم كه وزر و وبال آن را از دوش آنان بردارى؛ زيرا من آنان را نسبت به خود، در كوتاه آمدنشان از حقم متهم نمى‏كنم و آنان را در نيكوكاريشان درباره خود سهل انگار نمى‏دانم، و از آنچه درباره‏ام انجام داده‏اند ناراضى نيستم.

اى پروردگار من! حق آنان بر من، از حق من بر آنان واجب‏تر، و احسانشان‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 147

به من پيش‏تر و ديرين‏تر، و نعمتشان نسبت به من عظيم‏تر است از اين كه آنان را بر اساس عدالت، به دايره تلافى كردن وارد كنم، يا با آنان مانند آنچه را با من رفتار كردند، رفتار كنم. اى خداى من! اگر چنين كنم، روزگار مديدى كه به تربيتم مشغول بودند و زحمت سختى كه در نگاهدارى من تحمل كردند، و آن همه بر خود تنگ گرفتند، تا در زندگى من گشايش باشد چه مى‏شود؟! بعيد است كه بتوانند حق خود را به طور كامل از من دريافت كنند، و من قدرت ندارم حقوقى كه از آنان برعهده من واجب شده، تدارك كنم، و وظيفه خدمت را نسبت به آن دو به جا آورم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و اى بهترين كسى كه از او يارى خواهند! مرا بر اداى حق آنان يارى ده واى راه نماينده‏تر كسى كه به او رو كنند! مرا براى خدمت به پدر و مادر توفيق عنايت كن، و روزى كه هر انسانى به خاطر آنچه مرتكب شده جزا داده مى‏شود، و در برنامه جزا به آنان ستم نمى‏شود، مرا در زمره آنان كه عاقّ پدر و مادرند قرار مده.

خدايا! بر محمد و آلش و بر نسل او درود فرست، و پدر و مادرم را به برترين چيزى كه پدران و مادران بندگان مؤمنت را به آن اختصاص دادى، اختصاص ده، اى مهربان‏ترين مهربانان!

خدايا! ياد ايشان را در پى نمازهايم، و در وقتى از اوقات شبم، و در هر ساعتى از ساعات روزم، از يادم مبر.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به بركت دعايم براى آنان بيامرز، و آنان را به خاطر احسانشان به من، در گردونه آمرزش قرار ده؛ آمرزشى لازم و قطعى، و به خاطر شفاعتم در حقّ آنان، از آنها خشنود شو؛ خشنودى استوار و پابرجا، و آنان را با گرامى داشتن به جاهاى سلامت برسان.

خدايا! اگر آمرزشت نسبت به آنها بر من پيشى گرفته، پس آنها را شفيع من قرار ده، و اگر مرا پيش از آنها مورد مغفرت قرار داده‏اى، پس مرا شفيع آنان‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 148

فرما تا در پرتو مهربانيت، در سراى كرامتت و جايگاه آمرزش و رحمتت گرد آييم؛ همانا تو داراى احسان عظيم و نعمت قديمى، و تو مهربان‏ترين مهربانانى.

دعاى 25 درباره فرزندان‏

خدايا! به باقى ماندن فرزندانم، بر من منت گذار و به شايسته نمودنشان، براى پيروى از من، و به بهره‏مند شدنم در دنيا و آخرت از ايشان بر من منت گذار، خدايا! عمرشان را به سود من طولانى كن، و مدّت زندگى آنها به خاطر من بيفزا، و خردسالشان را به نفع من تربيت كن، و ناتوانشان را براى من نيرومند ساز، و بدن‏ها و آيين‏ها و اخلاقشان را برايم به سلامت دار، و به آنها در جان و اعضا و هر كارشان كه به آن اهتمام دارم، سلامت همه جانبه عنايت كن، و براى من و به دست من، روزى آنان را فراوان فرما. و آنان را نيكوكار، پرهيزكار، بصير و بينا، شنوا، و فرمانبردار خود، و نسبت به دوستانت عاشق و خيرخواه، و در ارتباط به دشمنانت، معاند و كينه ورز قرار ده.

خدايا! وجودم را به آنان نيرومند، و كجى‏ام را به وسيله آنان راست فرما، تبارم را به آنان افزون كن، و مجلسم را به آنان زينت ده، و يادم را به آنان زنده دار، و در نبود من كارهايم را به وسيله ايشان كفايت كن، و مرا به سبب آنان بر روا شدن نيازم يارى ده، آنان را نسبت به من عاشق و مهربان، و روى آورنده، و برايم مستقيم و مطيع قرار ده؛ نه عصيان كننده و عاق و مخالف و خطاكار، و مرا در تربيت و ادب كردن و نيكى در حقّشان يارى فرما، و مرا از جانب خود

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 152

علاوه بر آنان اولاد پسر بخش، و آن را برايم خير قرار ده، و آنان را در آن‏چه از تو مى‏خواهم ياورم ساز.

و مرا و نسلم را از شيطان رانده شده پناه ده؛ چرا كه تو ما را آفريدى، و به ما امر و نهى فرمودى، و ما را در ثواب آنچه به آن امر كردى ترغيب، و به عذاب آنچه از آن نهى فرمودى تهديد كردى، و براى ما دشمنى قرار دادى كه با ما نيرنگ مى‏كند، و او را بر ما تسلّطى دادى كه ما را به آن اندازه بر او تسلّط نيست، در دل‏هايمان جايش دادى، و در رهگذرهاى خونمان روانش ساختى، اگر ما از او غفلت ورزيم، او از ما غافل نمى‏شود، و اگر او را فراموش كنيم، او ما را فراموش نمى‏كند. ما را از عذاب تو ايمنى مى‏دهد، و از غير تو مى‏ترساند.

چون آهنگ كار زشتى كنيم، ما را بر آن دلير كند، و چون قصد كار شايسته‏اى كنيم، ما را از آن باز دارد. ما را به شهوات مى‏طلبد، و بناى شبهه‏ها را براى ما برپا مى‏كند. اگر به ما وعده دهد، دروغ مى‏گويد، و اگر به آرزويمان نشاند، تخلف مى‏كند، و اگر تو نيرنگش را از ما نگردانى، ما را گمراه مى‏كند، و اگر از فسادش، حفظمان نكنى، ما را به لغزش مى‏اندازد.

خدايا! سلطه‏اش را نسبت به ما با سلطنتت مغلوب كن تا به سبب كثرت دعايمان به پيشگاهت، او را از ما باز دارى تا به وسيله تو، از نيرنگش در زمره حفظ شدگان از شرّ او قرار گيريم.

خدايا! تمام خواسته‏هايم را عطا كن، و همه حاجاتم را برآور، و از اجابت دعا كه اجابتش را برايم ضمانت كرده‏اى محرومم مكن، و دعايم را از درگاهت كه مرا به آن دستور داده‏اى منع مفرما، و هر آنچه در دنيا و آخرتم باعث اصلاحم شود به من عنايت كن؛ آنچه را كه از آن ياد كردم و آنچه فراموشم شد، اظهار كردم يا پوشيده داشتم، آشكار نمودم يا پنهان كردم، و در تمام اين امور به سبب درخواستى كه از تو دارم، مرا از اصلاح كنندگان قرار ده؛ آنان كه به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 153

درخواستشان از تو، در شمار كاميابان شدند، و با توكّل بر تو محروم از لطفت نشدند.

و مرا از آنانى قرار ده كه به پناه آوردن به تو خو گرفته‏اند، و از سوداى با تو سود سرشار برده‏اند، و پناهنده به عزتت شدند، و رزق حلال از احسان فراگيرت به جود و كرمت بر آنان وسعت دادى، و به وسيله تو از مدار خوارى درآمده به تخت عزت نشستند، و از ستم و جور، به عدالتت پناهنده شدند، و به رحمتتت، از بلا و مصيبت، سلامت همه جانبه يافتند، و به غناى تو، از تهيدستى به توانگرى رسيدند، و به تقواى تو از گناهان و لغزش‏ها و خطاها، محفوظ ماندند، و به طاعتت، به خير و هدايت و درستى، توفيق يافتند، و به قدرتت بين آنان و گناهان حايل و مانع ايجاد شد، رها كننده معصيت‏هاى تواند، در جوار رحمتت ساكنند.

خدايا! همه اين امور را به توفيق رحمتت به ما عطا كن، و ما را از عذاب دوزخ پناه ده، و به تمام مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ايمان، مانند آنچه را براى خود و فرزندانم از تو خواستم، در اين جهان و آن جهان عطا فرما! همانا تو به بندگان نزديك، اجابت كننده دعا، شنوا و دانا، بخشنده و آمرزنده، مهربان و رحيمى، و ما را در اين دنيا و آن دنيا حسنه عنايت كن، و از عذاب دوزخ حفظ فرما.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 154

دعاى 26 همسايگان و دوستان‏

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و سرپرستى مرا، درباره همسايگان و دوستانم كه به حق ما آگاه و با دشمنان ما مخالفند، به برترين سرپرستيت به عهده گير و آنان را به اين امور موفق فرما: برپا داشتن روش و طريقه‏ات، فرا گرفتن محاسن اخلاقت براى سود رساندن به ناتوانشان، جبران كردن تنگدستى شان، عيادت بيمارشان، هدايت كردن مسافرشان، پنهان داشتن اسرارشان، پوشاندن عيوبشان، يارى دادن به مظلومشان، خوب كمك كردن به آنان در مايحتاج زندگيشان، احسان به ايشان با مال و ثروت و بخشش فراوان، عطا كردن آنچه براى آنان لازم است پيش از درخواستشان.

خدايا! مرا چنان قرار ده كه بدكارشان را به نيكى و خوبى پاداش دهم و از ستمكارشان با گذشت و بخشش صرف‏نظر كنم، درباره همه آنان خوش گمانى را به كار گيرم، تمامشان را با نيكوكارى سرپرستى كنم، عفيفانه چشم از خطايشان بپوشم، فروتنانه با آنان نرم باشم، مهربانانه بر بلاديده آنان رقت آورم، در پنهان دوستى خود را بر آنان ظاهر سازم، خيرخواهانه دوام نعمتشان را بخواهم، آنچه براى اقوام خود لازم مى‏دانم، براى آنان لازم بدانم، آنچه براى مخصوصان خود رعايت مى‏كنم، براى آنان رعايت كنم.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 158

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا هم از جانب ايشان، رفتارى به همين صورت نصيب فرما، و كامل‏ترين بهره‏هايى كه نزد ايشان است براى من قرار ده، و بصيرتشان را در حق من و معرفتشان را به فضل من افزون فرما، تا به خاطر من نيك‏بخت شوند، و من نيز به خاطر آنان نيك‏بخت شوم. پروردگار جهانيان! دعايم را مستجاب كن.

دعاى 27 مرزداران‏

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و به عزّتت مرزهاى مسلمانان را محكم و استوار ساز، و به نيرويت نگهبانان مرزها را توانايى بخش، و عطاياى آنان را به توانگريت كامل و سرشار كن.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و تعدادشان را بيفزا و سلاحشان را تيز و برّا كن، و اطراف و جوانبشان را محكم و نفوذناپذير ساز، و جمعشان را به هم پيوند ده، و كارشان را رو به راه كن، و آذوقه آنان را پى در پى برسان، و سختى‏هاشان را به تنهايى كارساز باش، و به يارى خود نيرومندشان ساز، و به شكيبايى مددشان ده، و آنان را در چاره‏جويى، دقّت نظر عنايت فرما.

خدايا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و آنچه را به آن جاهلند به آنان بشناسان و آنچه را نمى‏دانند، به آنان بياموز و آنچه را بينش ندارند، نسبت به آن بيناشان كن.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و هنگام برخورد با دشمن، ياد دنياى خدعه‏گر فريب‏كار را از خاطرشان ببر، و انديشه مال فتنه‏انگيز را از صفحه دلشان محو كن و بهشت را برابر چشمشان قرار ده، و آنچه را در بهشت فراهم كرده‏اى؛ از مساكن ابدى و سراهاى ارجمند و حوريان زيباروى و نهرهاى روان‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 162

شده، با آشاميدنى‏هاى رنگارنگ، و درختانى با شاخ و برگ آويخته، همراه با ميوه‏هاى گوناگون، در برابر ديدگانشان بنمايان، تا هيچ كدام از آنان آهنگ پشت كردن به دشمن نكند، و فكر گريز از هماورد را به خاطرش نگذراند.

خدايا! به سبب آن امور، دشمنانشان را در هم شكن، و دست قدرت آن نابكاران را از ايشان جدا ساز، و بين دشمن و جنگ افزارشان فاصله انداز، و بندهاى دلشان را از جا بر كن، و ميان آنان و آذوقه‏هاشان دورى انداز، و در فنون جنگى‏شان سرگردانشان ساز، و از مقصدشان گمراهشان كن، و كمك را از آنان قطع فرما، و از تعدادشان بكاه، و دلشان را از بيم و ترس پر كن. و قدرتشان را از فعّاليّت عليه مرزداران باز دار، و زبانشان را از سخن عليه آنان ببند، و با شكست خوردنشان، گروه پشت سرشان را پراكنده ساز، و شكست آنان را مايه عبرت ديگران ساز، و با خوارى و زبونى آنان، آرزوهاى كسانى را كه پس از آنهايند قطع كن.

خدايا! زنانشان را عقيم ساز، و صلب مردانشان را خشك كن، و نسل چهارپايان و گاو و گوسفندشان را قطع فرما، به آسمانشان اجازه باريدن، و به زمينشان رخصت روييدن مده.

خدايا! به اين امور تدبير مسلمانان را نيرو بخش، و شهرهايشان را استوار ساز، و اموالشان را فزونى ده، و خاطرشان را از جنگ با دشمن براى بندگيت، و از كارزار با آنان براى خلوت كردن جهت راز و نياز خودت آسوده كن؛ تا در سراسر زمين جز تو پرستش نشود، و صورتى از آنان جز براى تو به خاك نسايد.

خدايا! هر ناحيه از مسلمانان را، به جنگ با مشركانى كه در برابرشان هستند بدار، و آنان را از جانب خود به فرشتگانى كه پياپى درآيند مدد فرما، تا دشمنان را به دورترين نقطه آباد زمين فرارى دهند، و با كشتن و اسارتشان، زمينت را از لوث وجود آنان خالى كرده و پاك نمايند، يا اين كه اقرار كنند به اين كه تو

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 163

خدايى و غير تو خدايى نيست، تنهايى و همتا ندارى.

خدايا! اين سرنوشت را بر همه دشمنانت عموميّت بده؛ در اطراف همه كشورها، از هند و روم، و ترك، و خزر، و حبشه، و نوبه، و زنگبار، و سقالبه، و ديالمه و ديگر طوايف مشركين، آنان كه نام و نشان و اوصافشان بر ما پنهان است، و تو به دانش خود آنان را شماره كرده‏اى، و به قدرتت به آنان آگاهى.

خدايا! مشركان را از دستيابى به سرزمين مسلمانان به ديگر مشركان گرفتار ساز، و آنان را با كاستن عددشان، از كاستن مسلمانان جلوگير باش، و با پراكنده كردن آنان، از گرد آمدنشان عليه مسلمانان بازدار.

خدايا! دل‏هاشان را از آرامش تهى ساز، و بدن‏هاشان را از توانايى بى‏بهره كن، و قلوبشان را از چاره جويى غافل ساز، و اندامشان را از ايستادن در برابر رجال اسلام سست كن. آنان را از كوبيدن دليران بترسان، و سپاهى از فرشتگانت با عذابى از عذاب‏هايت را عليه آنان برانگيز؛ مانند كارى كه روز جنگ بدر انجام دادى، «1» تا به اين سبب بنيانشان را قطع كنى، و شوكتشان را ريشه كن سازى، و جمعيّتشان را پراكنده كنى.

خدايا! آب‏هاى آنان را به وبا، «2» و خوراكشان را به بيمارى‏ها مخلوط كن، و شهرهاشان را به زمين فروبر، و پيوسته بر آن شهرها سنگ و ريگ بباران، و به قحطى و خشك سالى بكوبان، و آذوقه آنان را در خالى‏ترين و دورترين زمين قرار ده، و دژهاى آن زمين را از حفاظت آنان منع كن، و آنها را به گرسنگى دائم، و بيمارى دردناك دچار ساز.

خدايا! هر رزمنده‏اى از اهل آيينت، يا مجاهدى از پيروان سنّتت با آنان جنگ كند، تا دينت برتر، و حزب و گروهت نيرومندتر، و نصيب دوستانت‏

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_
(1)- اشاره به آيه 123 سوره آل عمران است.

(2)- از معجزات حضرت سجّاد عليه السلام است، كه قرن‏ها قبل از پاستور به وجود ميكرب اشاره فرموده است.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 164

كامل‏تر باشد، او را آسانى پيش آور، و كار را برايش مهيّا ساز، و پيروزيش را عهده‏دار باش، و براى او ياران و همنشينان برگزين، و پشتش را قوى كن، و درآمدش را كامل فرما، و او را به نشاط و خرّمى بهره‏مند ساز، و آتش شوق به دنيا و مال و منال را از او فرو نشان، و از اندوه تنهايى پناه ده، و ياد زن و فرزند را از خاطرش بزداى.

و حسن نيّت را برايش انتخاب كن، «1» و عافيتش را عهده‏دار شو، «2» و سلامت را همراهش فرما، و از ترسيدن، نگاهش دار، و جرأت را به او الهام كن، و نيرومندى را روزيش فرما، و او را به پيروزى يارى ده، و راه‏ها و روش‏هاى اسلامى را به او بياموز، و راه شايسته را در داورى كردن به او بنما، و ريا را از او برطرف كن، و از شهرت و خودنمايى رهايش فرما، و انديشه و ذكر و مسافرت و اقامتش را در راه خشنودى خود و براى خود قرار ده. پس هر گاه با دشمنان تو و دشمنان خودش روبه رو شود، عددشان را در نظرش اندك نما، و مقامشان را در دل او كوچك ساز، و او را بر آنان پيروزى ده، و دشمنان را بر او پيروز مكن، و اگر زندگى او را به نيك بختى پايان دادى، و شهادت را برايش مقدّر فرمودى، بعد از آن باشد كه دشمنت را با كشتن ريشه كن سازد، و پس از آن باشد، كه اسارت به دست مسلمانان، آن نابكاران را به رنج و زحمت افكند، و به دنبال آن باشد كه اطراف و جوانب سرزمين‏هاى مسلمين ايمنى يابد، و پس از آن باشد كه دشمنانت به ميدان جنگ پشت كرده، و شكست خورده بازگردند.

خدايا! هر مسلمانى كه عهده‏دار امور خانه رزمنده يا مرزدارى شود، يا در نبود او به كفالت و سرپرستى خانواده‏اش اقدام كند، يا به قسمتى از مالش او را يارى دهد، يا او را به ساز و برگ جنگ مدد رساند، يا همّت او را براى رفتن به‏

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_
(1)- مسئله نيّت، به طور مفصل در دعاى بيستم گذشت.

(2)- توضيح و تفسير عافيت، در دعاى بيست و سوم گذشت.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 165

جهاد تند و تيز گرداند، يا وى را در برابرش به دعاى خير همراهى كند، يا پشت سرش آبروى او را حفظ نمايد، به او نيز اجر همان رزمنده و مرزدار را، وزن به وزن و مثل به مثل عنايت فرما، و عمل او را پاداشى نقد عطا كن، كه بدون درنگ، سود كارى كه پيشاپيش فرستاد، و شادى عملى كه به جا آورد، در همين دنيا به دست آورد، تا عمرش به پايان رسد، و به آن پاداشى برسد كه از احسانت بر او روا داشته‏اى، و از كرامتت براى او مهيّا ساخته‏اى.

خدايا! هر مسلمانى كه كار اسلام او را نگران كند، و گرد آمدن مشركين عليه مسلمين او را به اندوه نشيند، پس قصد جنگ، يا آهنگ جهاد كند، ولى ناتوانى و سستى او را بنشاند، و تنگدستى و حاجت او را وادار به كندى و درنگ كند، يا پيش آمدى او را از رفتن به تأخير اندازد، يا مانعى در برابر اراده‏اش قد علم كند، نامش را در زمره عبادت كنندگان ثبت فرما، و ثواب مجاهدان را بر او واجب كن، و وى را در سلك شهيدان و شايستگان قرار ده.

خدايا! بر محمّد بنده و رسولت، و آل محمّد درود فرست؛ درودى برتر از درودها، و از نظر رفعت و مرتبه، بالاى همه درودها، كه مدّتش به پايان نرسد، و شماره‏اش قطع نشود؛ درودى كامل‏تر از درودهايى كه گذشت، از درودهايى كه بر يكى از دوستانت فرستادى. تو عطا بخش ستوده‏اى، آغاز كننده و بازگرداننده‏اى، هر چه را بخواهى انجام مى‏دهى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 166

دعاى 28 راز و نياز با خداوند متعال‏

خدايا! بر بريدنم از غير و پيوستنم به تو، خود را خالص و پاك كردم، و با تمام وجودم به حضرتت روى آوردم، و از كسى كه نيازمند عطاى توست قطع اميد كردم، و درخواستم را از آن كه از احسان تو بى‏نياز نيست برگرداندم، و ديدم كه حاجت خواستن نيازمند از نيازمند، محصول سبكى رأى و گمراهى عقل اوست.

اى خداى! من چه بسيار انسان‏ها ديدم كه با تكيه به غير تو، عزّت خواستند، ولى خوار شدند، و از غير تو درخواست ثروت كردند، اما به تهى دستى نشستند، و آهنگ بلندى كردند، ولى پست شدند؛ پس دور انديشى دورانديش با ديدن امثال اين سبك مغزان، كه بنا گذاشت به غير تو تكيه نكند صحيح است، و عبرت آموزى از اينان، او را موفّق كرد و انتخاب درستش، او را به راه راست رهنمون شد.

پس اى مولاى من! تو جايگاه درخواست منى نه غير تو، و تو روا كننده حاجت منى نه غير تو، و تو پيش از هر موجودى كه بخوانندش، مخصوص به خواندن منى، هيچ كس در اميد من با تو شريك نمى‏شود، و احدى در دعاى من با تو، هم پيمان نمى‏گردد، و نداى من كسى را با تو به يك سلك در نمى‏آورد.

اى خداى من! من وحدانيّت و يگانگى و قائم بودن به قدرت و بى‏نيازى، و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 170

برترى حول و قوّت، و پايه والايى و رفعت مخصوص توست، و هر چه غير توست، در تمام عمرش به او رحم شده، و در زندگيش مغلوب قدرتى گشته، و در كارش شكست خورده، و در صفات و خصوصيات جا به جا شد؛ تو بالاتر از آنى كه شبيه‏ها و همانندها براى تو باشد، و بزرگتر از آنى كه همسان‏ها و همتاها برايت قرار دهند؛ پس پاك و منزّهى و معبودى جز تو نيست.

دعاى 29 ضيق روزى‏

خدايا! ما را در رزق و روزيمان، به يقين نداشتن، و در مدّت زندگى‏مان به درازى آرزو آزمودى تا جايى كه روزى‏هاى تو را، از روزى خوران خواستيم، و به آرزومان نسبت به عمر طولانى، در عمر سال خوردگان طمع بستيم؛ پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و ما را يقينى صادقانه بخش كه به سبب آن از مشقّت طلب روزى بى‏نيازمان كنى، و اطمينانى خالص به ما الهام كن، تا به خاطر آن از شدّت رنج و تعب نگاهمان دارى.

و چنان كن كه آنچه در قرآنت به صراحت وعده داده‏اى، و از پى آن وعده در كتابت سوگند ياد كرده‏اى، ما را از دويدن دنبال آن رزقى كه رساندنش را به ما متكفّل شده‏اى باز دارد، و مانع پريشانى خاطر ما نسبت به آنچه ضامن كفايتش شده‏اى، شود.

پس چنين گفته‏اى و گفته تو حق و راست‏ترين گفته‏هاست، و سوگند خورده‏اى، و سوگندت راست‏ترين و رساترين سوگند است:

«و روزى شما و آنچه به شما وعده داده شده، در آسمان است.»

سپس گفتى: «پس به پروردگار آسمان و زمين سوگند، موجود بودن روزى، و آنچه به آن وعده داده شده‏ايد حق است، مانند آن كه شما سخن مى‏گوييد.»

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 174

دعاى 30 پرداخت قرض و دين‏

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا از وامى كه به خاطر آن آبرويم را بريزى نجات بخش؛ وامى كه ذهنم را پريشان مى‏كند، و فكرم را پراكنده مى‏سازد، و كارم را در چاره كردن آن طولانى مى‏كند.

اى پروردگارم! از اندوه وام و فكرش، و از دل مشغولى به آن، و بى‏خوابيش به تو پناه مى‏برم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا از آن پناه ده.

اى پروردگارم! از خوارى وام در اين زندگى دنيا، و از گرفتاريش، پس از مرگ به تو پناه مى‏جويم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا از سختى وام به ثروت سرشار، و رزق كافى كه از من قطع نشود، پناه ده.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا از اسراف و زياده خواهى بازدار، و به بخشيدن و ميانه روى مستقيم ساز، و نيكو اندازه نگاه داشتن را به من بياموز، و مرا به لطف خود از ولخرجى حفظ كن، و روزيم را از وسايل حلال جارى فرما، و خرج كردنم را در راه‏هاى خير و نيكى جهت ده، و ثروتى كه براى من خودبينى ايجاد كند، يا به ستمگرى كشاند، يا به دنبال آن دچار طغيان و سركشى شوم از من بگير.

خدايا! همنشينى با تهى دستان را محبوب من قرار ده، و مرا در همنشينى با

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 178

آنان به صبر نيكو يارى ده، و آنچه از متاع دنياىِ نابود شدنى كه از من گرفتى، آن را در خزانه‏هاى پايدارت برايم ذخيره كن، و آنچه از توشه ناچيز دنيا به من دادى، و از كالاى بى‏ارزشش براى من پيش انداختى، وسيله رسيدن به جوارت، و پيوستن به مقام قرب حضرتت، و سببى به سوى بهشت قرار ده؛ همانا تو دارنده احسان عظيمى، و تو بخشنده كريمى.

دعاى 31 توبه و بازگشت‏

خدايا! اى آن كه توصيف وصف كنندگان او را نمى‏ستايد، و اى آن كه اميد اميدواران از او نمى‏گذرد، و اى آن كه پاداش نيكوكاران نزد او ضايع نمى‏شود، و اى آن كه حضرت او نهايت ترس عابدان، و هدف بيم پرهيزكاران است.

اين جايگاه كسى است كه دست‏هاى گناهان، او را دست گردان كرده‏اند، و مهارهاى خطاها، او را به دنبال خود كشيده‏اند، و شيطان بر او چيره شده و از باب ضايع كردن امر نسبت به آنچه امر فرمودى كوتاهى كرده، و به خاطر غفلتش از عاقبت كار، آنچه را نهى كردى مرتكب شده، مانند كسى كه قدرتت را بر وجودش جاهل و فراوانى احسانت را نسبت به خودش منكر است، تا هنگامى كه ديده هدايت برايش باز شده، و ابرهاى كوردلى، از صفحه باطنش برطرف گشته، ستم‏هايى كه بر خود كرده، به شمار آورده، و در امورى كه پروردگارش را مخالفت كرده به انديشه نشسته؛ در نتيجه گناه بزرگش را بزرگ، و عظمت مخالفتش را عظيم ديده.

پس با اميد به حضرتت و شرمسارى از وجود مقدّست، به جانب تو روى كرده و از باب اطمينان به تو، رغبت و شوقش را متوجّه پيشگاه تو ساخته، و از روى يقين يا طمعش آهنگ تو كرده، و از باب اخلاص، با توشه ترسش به سوى‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 182

تو روى آورده، طمعش از هر كه به او طمع ورزيده مى‏شود تهى شده غير تو، و ترسش از هر چه از آن ترسيده مى‏شود، برطرف شده جز تو، پس با حال زارى و ذلّت پيش رويت ايستاده، و از روى تواضع و فروتنى ديده‏اش را به سوى زمين انداخته، و سرش را در برابر عزّتت، ذليلانه به زيرافكنده و خاضعانه رازش را كه تو از او به آن داناترى، برايت آشكار ساخته، و خاشعانه گناهانش را كه حضرتت به تعدادش آگاه‏تر است برشمرده، و براى نجات از گناهان بزرگى كه براى مرتكب شونده‏اش در علم تو، عين هلاكت است، و زشتى اعمالى كه در عرصه قضا و قدَرَت او را رسوا كرده، به فرياد رسى و طلب يارى برخاسته؛ همان گناهانى كه روزگار لذّت‏هايش پشت كرده و از بين رفته، و پيامدهاى زيان بخشش به جا مانده و گريبان گير شده.

اى خداى من! اگر اين گنهكار را كيفر دهى، عدالتت را منكر نمى‏شود، و اگر از او گذشت كنى و به او رحمت آورى، گذشتت را در برابر بى‏نهايت بودنت بزرگ نمى‏شمارد؛ براى اين كه تو پروردگار كريمى، پروردگارى كه آمرزش گناه بزرگ، او را بزرگ ننمايد.

خدايا! اينك منم كه در پيشگاهت نسبت به امرت، مطيع و سر به فرمان آمدم، و آن امر اين است: ما را دستور دادى دعا كنيم، و من وفاى به وعده‏اى را كه در مورد اجابت دعا داده‏اى خواستارم؛ زيرا فرمودى: «مرا بخوانيد تا شما را اجابت كنم.»

خدايا! پس بر محمّد و آلش درود فرست و با من با آمرزشت برخورد كن؛ چنانكه من با اعتراف به گناه با تو برخورد كردم، و مرا از لغزش‏گاه‏هاى گناهان برگير؛ چنانكه خود را براى تو پست كردم، و به پرده پوشيت بر من پرده پوشان، چنانكه از به كيفر رساندن من درنگ كردى.

خدايا! نيّتم را در طاعتت استوار كن، و بينشم را در بندگيت محكم فرما، و به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 183

اعمالى موفّقم دار كه به سبب آن اعمال، چركى خطاها را از من بشويى، و هنگامى كه مى‏خواهى جانم را بگيرى، مرا بر آيين خود و آيين پيامبرت محمد- عليه السلام- بميران.

خدايا! در اين موقعيّتى كه هستم، از گناهان بزرگ و كوچكم، و پوشيده و آشكارم، و از لغزش‏هاى گذشته و جديدم به سويت توبه مى‏كنم؛ توبه كسى كه با خود از گناه سخن نمى‏گويد، و انديشه بازگشتن در عرصه خطا را به خاطرش راه نمى‏دهد.

اى خداى من! در كتاب محكم و استوارت فرمودى: «بازگشت و توبه بندگانت را مى‏پذيرى، و از گناهان گذشت مى‏كنى، و توبه كنندگان را دوست دارى.» پس چنانكه وعده دادى، توبه‏ام را بپذير و همان گونه كه ضمانت كردى از گناهانم گذشت كن، و چنانكه شرط فرمودى محبّتت را بر من واجب گردان.

من هم اى پروردگارم! در برابر اين همه عنايات تو تعهّد و شرطم اين است كه به آنچه پسند تو نيست برنگردم و ضمانتم اين است كه به آنچه مورد نكوهش توست بازنگردم، و پيمانم اين است كه از تمام گناهانت دورى كنم.

خدايا! به آنچه انجام داده‏ام آگاه‏ترى؛ پس آنچه را از من آگاهى بيامرز، و مرا به قدرتت به آنچه دوست دارى، برگردان.

خدايا! حق و حقوق قابل مطالبه‏اى از مردم به عهده من است كه آنها را به ياد دارم، و حق و حقوقى است كه از ياد برده‏ام و همه آنها در برابر چشم توست كه به خواب نمى‏رود، و در مقابل دانش توست كه فراموش نمى‏كند؛ پس در برابر آن حقوق به صاحبانش عوض ده، و گرانى آنها را از دوش من فرود آر، و سنگينى‏اش را از من بردار، و مرا از اين كه مرتكب مانند آنها شوم، حفظ كن.

خدايا! براى من قدرت وفاى به توبه نيست جز به نگهدارى تو، و توان خوددارى از خطاها نيست مگر از ناحيه نيرو و توان تو؛ پس مرا به نيرويى‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 184

كفايت كننده نيرومند ساز، و به نگهدارنده‏اى بازدارنده، ياريم ده.

خدايا! هر بنده‏اى كه به پيشگاهت توبه كند، و در علم غيبت معلوم است كه شكننده توبه است، و بازگشت كننده به گناه و خطايش. من به تو پناه مى‏آورم از اين كه چنين باشم؛ پس اين توبه مرا توبه‏اى قرار ده كه پس از آن نيازمند به توبه‏اى نباشم؛ توبه‏اى سبب محو شدن گناهان گذشته، و سلامت از گناه در باقى مانده عمر.

خدايا! از نادانيم به درگاهت عذر مى‏خواهم، و نسبت به زشتى عملم طلب بخشش مى‏كنم؛ پس مرا از باب احسان در پناه رحمت خود آر، و از راه تفضّل به پوشش عافيتت مرا بپوشان.

خدايا! از عملى كه با خواسته‏ات مخالفت مى‏كند يا مرا از عرصه محبتت بيرون مى‏برد، مانند انديشه‏هاى غير منطقى دلم، و نگاه‏هاى چشمم، و گفته‏هاى بى‏جاى زبانم، به درگاهت توبه مى‏كنم؛ توبه‏اى كه هر يك از اندامم به سهم خودش از كيفرت سالم بماند، و از سختگيرى‏هاى دردناكت كه متجاوزان از آن مى‏ترسند، در امان قرار گيرد.

خدايا! تنهاييم را در برابرت، و تپيدن دلم را از ترست، و لرزه اندامم را از هيبتت رحم كن. اى پروردگارم! محققاً گناهانم مرا در آستانت در مقام خوارى و رسوايى برپا داشته؛ پس اگر سكوت كنم، كسى از جانب من سخن نمى‏گويد، و اگر از خود شفاعت كنم، شايسته شفاعت نيستم.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و كرم و بزرگواريت را نسبت به خطاهايم، شفيع من قرار ده، و با عفوت بر زشتى‏هاى من تفضّل فرما، و به پاداشى كه از كيفرت سزاوار آنم پاداشم مده، و دامان احسانت را بر من بگستران، و مرا به پرده پوششت بپوشان، و با من رفتار كن؛ رفتار نيرومندى كه بنده خوارى، پيش او به زارى برخاسته، و او بر آن بنده خوار رحمت آورده، يا

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 185

رفتار توانگرى كه تهى دستى نزد او رفته، و او تهى دست را از مال و ثروتش بى‏نياز كرده.

خدايا! از كيفرت برايم حمايت كننده‏اى نيست؛ پس بايد عزّت و تواناييت حمايتم كند، و برايم در پيشگاه تو شفيعى نيست؛ پس بايد احسانت شفيع من شود، و گناهانم مرا ترسانده؛ پس بايد عفوت مرا امان دهد. پس آنچه به زبان آوردم، از باب نادانيم نسبت به كردار زشتم، و از روى فراموشى در مورد عمل بر گذشته‏ام نيست؛ بلكه براى آن است كه آسمانت و هر كه در آن است، و زمينت و هر كه روى آن است، صداى ندامتى كه براى تو آشكار كردم، و فرياد توبه‏اى كه در سايه آن به تو پناه بردم، بشنود تا مگر برخى از آنان به خاطر رحمتت بر بدى وضعم رحم كند، يا رقّت بر من به سبب بدى حالم او را دريابد، تا از جانب خود دعايى به من كند، كه از دعاى خود من، نزد تو به اجابت نزديك‏تر باشد، يا از طرف او شفاعتى به من برسد، كه از شفاعت من استوارتر جلوه كند؛ شفاعتى كه نجاتم از خشمت، و دستيابيم به خشنوديت به آن باشد.

خدايا! اگر پشيمانى از گناه، در پيشگاهت توبه است، من از همه پشيمانان، پشيمان‏ترم، و اگر ترك گناهانت بازگشت است، من اولين بازگشت كننده‏ام، و اگر استغفار، ريزنده گناهان است، من از مستغفرينم.

خدايا! چنانكه به توبه كردن فرمان دادى، و پذيرفتنش را ضمانت فرمودى، و به دعا ترغيب كردى و اجابتش را وعده دادى؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و توبه‏ام را بپذير، و مرا از درگاهت باز مگردان؛ بازگشت كسى كه از رحمتت نااميد است. همانا تو پذيرنده توبه گناهكارانى، و رحم كننده بر خطاكاران بازگشت كننده‏اى.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست چنانكه ما را به وسيله او راهنمايى كردى، و بر محمّد و آلش درود فرست چنانكه ما را به سبب او، از جهالت و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 186

گمراهى رهانيدى، و بر محمّد و آلش درود فرست؛ درودى كه در روز قيامت و روز نياز به تو، از ما شفاعت كند. تو بر هر كارى توانايى و خواسته من بر تو آسان است.

دعاى 32 دعاى پس از نماز شب‏

خدايا! اى داراى فرمانروايى ابدى و جاويد! و اى صاحب سلطنتى كه بدون سپاهيان و دست ياران، پرقدرت و نيرومند است! و اى مالك عزّت ماندنى و ثابت كه با رفتن روزگاران، و سپرى شدن سال‏ها، و گذشت زمان‏ها و ايام، خللى در آن وارد نمى‏شود؛ بلكه ازلًا و ابداً ماندنى و ثابت است، سلطنتت عزيز و شكست‏ناپذير است؛ اول اين سلطنت را حدّ و مرزى، و آخرش را پايان و نهايتى نيست، و فرمانرواييت برتر است؛ چنانكه همه اشيا، از دسترسى به قلّه بى‏نهايتش فرو مانده‏اند. نهايت وصف واصفان، به پايين‏ترين مرتبه از بلندى و رفعتى كه به خود اختصاص داده‏اى نمى‏رسد. اوصاف در مقام وصفت گمراه و سرگشته، و تعريف‏ها در پيشگاه حضرتت، عاجز و از هم گسسته‏اند، و دقيق‏ترين تصورات در بارگاه كبرياييت سرگردانند. با بيانى كه اول دعا تو را ستودم، اكنون بايد نتيجه‏گيرى كنم كه تو در اوّليّتت اوّلى؛ اوّليّتى كه ازلى است و آن را حدّ و مرزى نيست، و هم چنين دائم و جاويدى. از نظر عمل بنده‏اى ناتوانم؛ عملم در كمّيّت اندك، و در كيفيت داراى عيب و نقص و از جهت آرزو، داراى آرزوى بزرگ و فراوانم، وسايل پيوند كه عبارت از طاعات و عبادات و كار خير است، از كفم بيرون رفته، مگر آنچه را رحمتت وصل نموده. رشته‏هاى‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 190

اميدم از من گسسته، مگر آنچه از عفو و گذشتِ تو به آن چنگ زده‏ام. از اطاعت و بندگيت، آنچه را كه بايد به حساب آورم، در پرونده‏ام اندك است، و از معصيت و نافرمانيت، آنچه را كه بايد از آن به سوى تو بازگردم، بسيار و فراوان است. گذشت از بنده‏ات، گرچه مرتكب گناه شده باشد، هرگز براى تو دشوار و سخت نيست؛ بنابراين از من بگذر.

خدايا! دانشت بر اعمال پنهان واقف است، و هر پوشيده‏اى نزد آگاهيت آشكار است، و امور دقيق و لطيف، از نظرت پنهان نيست، و رازهاى نهان از تو غايب نمى‏شود.

به يقين دشمنت ابليس بر من چيره شده، دشمنى كه براى گمراه كردن من از تو فرصت خواست، و تو بنابر مصالحى به او فرصت دادى؛ و براى منحرف كردن من، تا روز قيامت از تو مهلت خواست، و تو مهلتش دادى. اين دشمن غدّار مرا در عرصه هلاكت انداخت و حال آن كه از گناهان كوچك نابود كننده، و معصيت‏هاى بزرگ تباه كننده به سوى تو مى‏گريختم. در عين حال با وسوسه و تشويق او، مرتكب معصيت تو شدم و به بدى كردارم سزاوار خشم تو گشتم. در چنين وضعيّتى ابليس ملعون، عنان حيله و تزويرش را از من گرداند؛ چرا كه در دام حيله‏اش گرفتار شده بودم، و نيازى به عنان‏گيرى من نداشت و با بيزارى از من با من روبه رو شد؛ چرا كه كارش در حق من انجام گرفته بود، و با برائت جستن از من، به من پشت كرد و از من روى گردان شد، و مرا يكه و تنها در صحراى خشمت وارد كرد. شفيعى نيست كه از من براى خلاصى‏ام از گناه به درگاهت شفاعت كند، و پناه دهنده‏اى نيست كه مرا از تو امان دهد، و دژ استوارى نيست كه مرا از كيفرت مانع گردد، و پناهگاهى نيست كه از حضرتت به آن پناه برم. اين جايگاه، جايگاه پناه آورنده به تو، و اين محل، محلّ اعتراف كننده به گناه در پيشگاه توست؛ پس بايد احسانت از من تنگى نكند كه شامل‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 191

حالم نشود، و گذشتت از من كوتاه نيايد كه مرا فرا نگيرد، و زيان كارترين بندگانت و نااميدترين آرزومندانى كه به درگاهت آمده‏اند نباشم، مرا بيامرز؛ همانا تو بهترين آمرزندگانى.

خدايا! فرمانم دادى و من با فرمانت مخالفت ورزيدم، و از گناه بازم داشتى، و من مرتكب گناه شدم انديشه بد و نابه‏جا، خطا را در نظرم آراست و من به آلوده شدن خطا گردن نهادم. نمى‏گويم روزى را روزه گرفتم تا آن روز را به نفع خود گواه گيرم، و شبى را به شب‏زنده‏دارى برخاستم تا به آن شب‏زنده‏دارى پناه جويم، ونه عمل مستحبى را انجام داده‏ام، كه به خاطر آن سزاوار مدح و ثنا شوم. كارى انجام نداده‏ام، جز واجباتت كه هر كس آنها را ضايع كند، هلاك مى‏شود، و با شرافت و برترى كار مستحبّى، به حضرتت متوسّل نمى‏شوم؛ در صورتى كه از به جا آوردن بسيارى از تكاليف واجبت غفلت كرده‏ام، و از جايگاه‏هاى انجام حدودت تجاوز كرده، گرفتار محرّمات شدم، و پرده حرمت‏ها را دريدم، و گناهان بزرگى را مرتكب شده‏ام، كه عافيت تو در برابر رسوايى‏هاى آنها براى من پرده و پوشش است، و اين جايگاه كسى است، كه به خاطر ارتكاب گناه، از تو شرمسار و برخود خشمگين، و از تو خشنود است؛ پس با دلى شكسته و گردنى افتاده، و پشتى گرانبار از خطاها به سوى تو آمده، و در ميان اميد و بيم نسبت به تو قرار گرفته، و تو شايسته‏تر كسى هستى كه به او اميد ورزند، و سزاوارتر كسى كه از او بترسند و پروا كنند؛ پس آنچه را اميد دارم به من ببخش و از آنچه بيم دارم امانم ده، و به رحمتت كه به وسيله آن به بندگانت باز مى‏گردى به من بازگرد. تو بزرگوارتر كسى هستى كه از او درخواست مى‏شود.

خدايا! اكنون كه مرا به پرده گذشت و عفوت پوشاندى، و در اين جهان فانى، احسانت را در برابر مردم شامل حال من فرمودى، پس مرا از رسوايى‏هاى‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 192

جهان ابدى، در برابر اهل محشر كه عبارتند از فرشتگان مقرّب و پيامبران بزرگوار، و شهدا و شايستگان پناه ده؛ آن شهدا و شايستگانى كه در دنيا همسايه‏ام بودند، و من زشتى‏هايم را از آنان مى‏پوشاندم، و خويشاوندانى بودند، كه در كارهاى بد و اعمال خلافم، از آنها شرم داشتم. آنان كه به پرده پوشى آنها اعتماد نداشتم. و به تو اى پروردگارم، در آمرزشت نسبت به خود اطمينان كردم، و تو سزاوارتر كسى هستى كه به او مطمئن شوند، و بخشنده‏تر كسى هستى، كه به او رغبت كنند، و مهربان‏تر كسى هستى، كه مهربانيش را بخواهند؛ پس به من رحم كن.

خدايا! تو مرا به صورت آبى كم ارزش، از پشتى كه استخوان‏هايش در هم فشرده، و راه‏هايش تنگ است، به تنگناى رحم مادر كه آن را به پرده‏ها پوشانده‏اى فرود آوردى، و مرا از مرحله‏اى به مرحله ديگر تغيير دادى، تا وقتى كه صورت انسانيم را كامل كردى، و اندام را در من پابرجا فرمودى؛ همان گونه كه در كتابت وصف كردى: نطفه، سپس علقه، آنگاه پاره گوشت، و بعد از آن استخوان. سپس استخوان را گوشت پوشاندى، آنگاه آن گونه كه خواستى، مرا به مرحله‏اى ديگر از آفرينش درآوردى، تا زمانى كه به رزق و روزى تو نيازمند شدم، و از فرياد رسى احسانت بى‏نياز نگشتم، از اضافه خوردنى و آشاميدنى كنيزت كه مرا در اندرونش جاى دادى، و در قرارگاه رحمش به وديعت سپردى، برايم خوراك و آشاميدنى قرار دادى.

اى پروردگارم! اگر در آن حالات مرا به نيروى خودم وا مى‏گذاشتى، يا ناچارم مى‏كردى كه از قوّت خود براى رشد و كمالم بهره گيرم، هر آينه نيرو از من كناره مى‏گرفت، و قوّت از من دور مى‏شد؛ پس به فضل و احسانت مرا تغذيه كردى؛ تغذيه كردن نيكوكار مهربان. اين تغذيه كردن را از باب عطا و فضلت تا به اين پايه كه رسيده‏ام، هم چنان درباره‏ام انجام مى‏دهى، در هيچ‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 193

حالى از نيكوكاريت محروم نمى‏شوم، و نيكى احسانت درباره‏ام كندى نمى‏ورزد، با اين همه لطفى كه درباره‏ام كردى و مى‏كنى، اعتمادم به تو محكم نمى‏شود، تا كوششم را در عبادات و طاعاتى كه نزد تو برايم بهره‏دهنده‏تر است به كار گيرم.

شيطان، مهارم را در بدگمانى ضعف يقين به دست گرفته، به اين خاطر از بد همسايگى‏اش نسبت به خويش، و پيرويم از او به درگاهت شكايت مى‏كنم، و از تسلّطش بر وجودم، از تو درخواست حفاظت دارم، و براى برگرداندن مكر و حيله‏اش از خود، به درگاه تو زارى مى‏كنم.

و از تو مى‏خواهم كه راه به دست آوردن روزى را برايم آسان كنى.

سپاس مخصوص توست، بر نعمت‏هاى بزرگى كه نسبت به من آغاز كردى، و دست قدرت كسى در فراهم آوردن و رساندنش به من در كار نبوده، و سپاس مخصوص توست كه شكر به احسان و انعامت را به من الهام فرمودى. پس بر محمّد و آلش درود فرست، و رسيدن به روزيم را بر من آسان كن، و به مقدارى كه برايم مقرّر كرده‏اى قانع ساز، و به سهم در آنچه نصيبم فرموده‏اى راضى كن، و آنچه از جسم و عمرم خرج مى‏شود، در راه طاعت و بندگيت قرار ده، همانا تو بهترين روزى دهندگانى.

خدايا! به تو پناه مى‏برم از آتش كه به سبب آن بر هر كه از تو سرپيچى كرده، سخت گرفته‏اى، و هر كه را از خشنوديت روى گردانده تهديد به عذاب كرده‏اى، و از آتشى كه نورش تاريكى، و ملايمش دردناك، و دورش نزديك است، و از آتشى كه برخى از آن برخى ديگر را مى‏خورد، و بخشى از آن به بخشى ديگر حمله مى‏كند، و از آتشى كه استخوان‏ها را مى‏پوساند، و اهل خود را از آب جوشان سيراب مى‏كند، و از آتشى كه به هر كس در نزدش زارى كند، تخفيف نمى‏دهد، و به هر كس از او مهر جويد، مهر نمى‏ورزد، و قدرت بر تخفيف نسبت‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 194

به كسى كه برايش فروتنى كند و مقابلش تسليم شود ندارد؛ آتشى كه با ساكنانش با عذاب دردناك و فرجامى سخت برخورد مى‏كند، و به تو پناه مى‏برم از عقرب‏هاى دهان گشوده‏اش، و مارهاى نيش زننده به وسيله دندان‏هايش، و از آشاميدنيش كه احشاء و دل‏هاى ساكنانش را پاره پاره مى‏كند، و قلوبشان را از جا مى‏كند، و براى آن امورى كه انسان را از آتش دور مى‏كند، و آدمى را از آن به عقب مى‏اندازد، از تو راهنمايى و توفيق مى‏خواهم.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا به فضل رحمتت از آن آتش پناه ده و به خوبى چشم پوشيت، از لغزش‏هايم چشم بپوش، و مرا اى بهترين پناه دهندگان خوار مساز.

خدايا! تو بندگانت را از امور ناخوشايند حفظ مى‏كنى، و خوبى عطا مى‏فرمايى، و هر چه بخواهى انجام مى‏دهى، و بر هر كارى توانايى.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست؛ هر گاه ياد نيكان شود، و بر محمّد و آلش درود فرست، تا زمانى كه شب و روز در رفت و آمد است؛ درودى كه دنباله‏اش قطع نشود، و عددش شماره نگردد؛ درودى كه فضا را فرا گيرد و زمين و آسمان را پر كند. بر او درود فرست تا جايى كه خشنود شود، پس بر او و آلش درود فرست؛ درودى كه برايش حدّ و نهايتى نباشد، اى مهربان‏ترين مهربانان!

دعاى 33 استخاره و درخواست صبر و نيكى‏

خدايا! به سبب دانشت كه محيط به همه چيز است، از تو درخواست خير دارم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و به خير و نيكى در حق من حكم فرما، و شناخت انتخاب كردن و برگزيدن را به ما الهام كن، و آن الهام را براى ما وسيله خشنودى به آنچه كه براى ما مقدور كردى، و تسليم به آنچه در حق ما حكم فرمودى، قرار ده.

پس آلودگى شك و دو دلى در تقديرت را از دل ما پاك كن، و ما را به يقين مخلصان تقويت فرما، و داغ ناتوانى معرفت را نسبت به آنچه برايمان اختيار كردى، بر پيشانى ما نزن تا بزرگى و عظمتت را سبك انگاريم، و جايگاه خشنوديت را ناپسند شماريم، و به چيزى كه از حسن عاقبت دورتر، و به ضد عافيت و سلامت همه جانبه نزديك‏تر است مايل شويم.

آنچه را از مقدراتت نمى‏پسنديم، محبوب ما قرار ده، و آنچه را از حكم تو سخت مى‏پنداريم، بر ما آسان ساز، و گردن نهادن آنچه از مشيّت و اراده‏ات بر ما وارد كردى، به ما الهام كن، تا عقب انداختن آنچه را پيش انداختى، و پيش انداختن آنچه را عقب انداختى دوست نداشته باشيم، و هر آنچه را دوست دارى ناپسند نشماريم، و آنچه را ناپسند داشتى انتخاب نكنيم.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 198

و كار ما را به آنچه عاقبتش پسنديده‏تر، و فرجامش براى انسان گرامى‏تر است پايان بخش، همانا تو عطاى نفيس عنايت مى‏كنى، و نعمت بزرگ مى‏بخشى و هر چه مى‏خواهى انجام مى‏دهى، و تو بر هر كار توانايى.

دعاى 34 رسوايى گناه و ستاريت خداوند

خدايا! تو را سپاس بر پرده پوشيت بعد از آگاهيت، و بر عافيت بخشيدنت پس از دانستنت. همه ما مرتكب گناهان و معاصى شديم، و تو احدى از ما را بين مردم به گناه مشهور نكردى، و به كارهاى زشت و ناپسند آلوده شديم، و تو يك نفر از ما را در برابر بندگانت رسوا نساختى.

هر يك از ما خود را به پرده زشتى و گناه پوشاند، و تو احدى را بر زشتى‏ها و گناهانش راهنمايى نكردى. چه بسيار نهى تو را به جا آورديم، و چه بسيار دستور تو را، كه گفتى نسبت به آن قيام كنيم و آن را انجام دهيم، و ما از آن تجاوز كرديم.

و چه بسيار زشتى‏هايى كه به دست آورديم، و خطاهايى كه مرتكب شديم، در حالى كه تو بر آنها آگاه بودى نه بينندگان ديگر، و تو بر افشايش قدرت داشتى؛ قدرتى فوق همه قدرتمندان؛ ولى عفو و چشم پوشى و عافيتت براى ما در برابر ديده بينندگان پرده‏اى، و در مقابل گوششان سدّى بود.

پس آنچه از زشتى‏ها بر ما پوشاندى و آنچه از علل فساد و تباهى از ما پنهان كردى، براى ما پند دهنده و بازدارنده از بدخويى و نگاه دارنده ارتكاب معصيت، و سبب كوشش به سوى توبه نابود كننده گناه و راه پسنديده قرار ده، و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 202

زمان قرار گرفتن در تمام اين امور مثبت را نزديك گردان، و داغ غفلت از خود را به پيشانى ما نزن، كه ما به سوى تو مايل، و از گناهان تائبيم.

و خدايا! بر انتخاب شده از آفريده‏هايت محمد و عترتش درود فرست؛ عترتى كه از ميان تمام مخلوقاتت برگزيدى و عترتى كه پاك و پاكيزه‏اند، و ما را گوش دهنده كلام آنان، و فرمانبردار دستوراتشان قرار ده؛ همان گونه كه ما را به شنيدن كلامشان و اطاعت از دستوراتشان فرمان دادى.

دعاى 35 رضا در برابر دنياداران‏

سپاس خداى را، به خاطر خشنودى به حكم تقدير خدا نسبت به تمام موجودات. شهادت مى‏دهم كه خدا آنچه را وسيله زندگى و معاش است، بين بندگانش به عدالت تقسيم كرد، و نسبت به تمام بندگانش راه احسان پيش گرفت.

خدايا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا به آنچه به بندگانت عطا كردى امتحان مكن، و ايشان را به آنچه از من منع كرده‏اى ميازماى، تا به بندگانت حسد ورزم، و حكم و فرمانت را سبك انگارم.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به قضايت دل خوش كن، و سينه‏ام را به موارد فرمانت گشاده فرما، و به من حالت اعتماد و اطمينان بخش تا به وسيله آن اقرار كنم كه قضاى تو، جز به آنچه خير است روان نشده و شكرم را براى حضرتت نسبت به آنچه از من دور داشتى، و عطايش را دريغ كردى، از شكرم بر آنچه به من عنايت فرمودى، افزون‏تر قرار ده.

و مرا از اين كه به تهيدست فقيرى گمان پستى برم، و به ثروتمندى گمان برترى ورزم حفظ فرما. چه آن كه شريف كسى است كه طاعت تو او را شرافت داده، و عزيز كسى است كه عبادت تو او را به عزّت نشانده، پس بر محمد و آلش‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 206

درود فرست و ما را از ثروتى كه تمام نمى‏شود بهره‏مند كن، و به عزتى كه از بين نمى‏رود يارى ده، و ما را به جانب بهشت جاودانه روانه ساز؛ همانا تو يكتا و يگانه و بى‏نيازى، نزاييدى و زاييده نشدى، و احدى برايت همتا نبود.

دعاى 36 هنگام نظر به ابر و برق و شنيدن بانگ رعد

خدايا! همانا اين «رعد و برق» دو نشانه از نشانه‏هاى تو، و دو خدمتگزار از خدمتگزاران تواند، كه در مقام فرمان بردن از تو، به رحمتى سودمند يا عقوبتى زيان بخش مى‏شتابند، پس به وسيله آن دو، باران زيان بار بر ما مباران، و به سبب آن دو لباس بلا بر ما مپوشان.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و فايده و بركت اين ابرها را بر ما نازل كن و آزار و زيانش را از ما بگردان، و از درون ابرها آفتى به ما نرسان، و بر آنچه كه معيشت ما بر آن استوار است آسيبى نفرست.

خدايا! اگر اين ابرها را به خاطر عقوبت برانگيخته‏اى، و محض خشم فرستاده‏اى، ما از خشمت به تو پناه مى‏آوريم، و براى درخواست گذشت و عفوت به درگاه تو زارى مى‏كنيم. پس غضب و خشم را متوجه مشركان كن، و آسياى عقوبتت را نسبت به منحرفان به گردش آر.

خدايا! خشكى سرزمين‏هاى ما را به بارانت برطرف كن، و شدّت خشم سينه ما را به رزق و روزى خود بيرون فرما، و ما را از خود به غير خود مشغول و سرگرم مكن، و مايه و منبع نيكى خود را از ما جدا ساز؛ چه اين كه، بى‏نياز كسى است كه تواش بى‏نياز كنى، و سالم كسى است كه تواش از هر شرّى نگاه دارى،

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 210

نزد كسى جز دفاع تو نيروى دفاع نيست و براى احدى از عذاب تو، وسيله حفظ و نگاه دارى وجود ندارد؛ بر هر كسى كه بخواهى، به هر چه كه بخواهى حكم مى‏كنى، و به آنچه اراده فرمايى درباره هر كس اراده كنى فرمان مى‏دهى.

تو را سپاس بر آن كه ما را از بلا نگاه داشتى، و تو را شكر بر نعمت‏هايى كه به ما دادى؛ سپاسى كه سپاس سپاسگزاران را پشت سر گذارد؛ سپاسى كه زمين و آسمان خدا را پر كند. همانا تويى بسيار نعمت دهنده به نعمت‏هاى بزرگ، بخشنده نعمت‏هاى عظيم، پذيرنده سپاس اندك، قبول كننده شكر ناچيز، نيكوكار و خوش‏رفتار، داراى احسان، معبودى جز تو نيست، پايان كار به سوى توست.

دعاى 37 اعتراف به ناتوانى از شكر

خدايا! كسى از شكر گزاريت در حالى از احوال، به نهايت شكر نمى‏رسد جز اين كه از احسانت نعمتى به دست مى‏آورد، كه او را به شكرى ديگر وا مى‏دارد.

و از آن‏جا كه نعمتت پيوسته و پى‏درپى به بندگان مى‏رسد، پس كسى را قدرت بر شكر نيست، و از اطاعتت گرچه تلاش و كوشش كند به اندازه‏اى نمى‏رسد، جز اين كه در برابر شايستگى‏ات، به سبب فضل و احسانت، ناتوان از طاعت است؛ بنابراين سپاس‏گزارترين بندگانت از سپاسگزاريت عاجز، و عابدترين ايشان، از اطاعتت ناتوان است.

كسى شايسته آن نيست كه به خاطر مستحق بودنش او را بيامرزى، و به سبب سزاوار بودنش از او خشنود شوى، هر كه را بيامرزى به احسانت آمرزيده‏اى و از هر كه خشنود شوى، به فضلت خشنود شده‏اى، عمل اندكى را كه پذيرفته‏اى جزا مى‏دهى، و بر اندك چيزى كه اطاعت شده‏اى پاداش عنايت مى‏كنى، تا آن جا كه گويى سپاسگزارى بندگانت كه پاداششان را بر آن واجب كرده‏اى و جزاى ايشان را از آن بزرگ ساخته‏اى، كارى است، كه بدون قدرت دادن تو بر باز ايستادن از آن توانمند بودند، و از اين جهت پاداششان دادى، اما اينان قدرت باز ايستادن از شكرت را بدون تو ندارند، ولى با آنها هم چون كسى كه قدرت‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 214

باز ايستادن دارد معامله كردى، يا انگار مى‏كنى سبب آن شكر به دست تو نبوده، و به اين خاطر اجرشان دادى؛ ولى اين طور نيست، بلكه اى خداى من! مالك كار ايشان بودى، پيش از اين‏كه آنان مالك عبادت تو شوند، و مزدشان را آماده كردى، پيش از آن كه وارد طاعت و بندگى تو شوند، و آن براى اين است كه روش تو عطا كردن، و عادتت احسان، و راهت گذشت است.

همه آفريده‏هايت اعتراف دارند كه تو درباره هر كه عقوبتش كنى ستمكار نيستى، و شاهدند كه هر كه را از بلا عافيت دهى، در حقش احسان كرده‏اى، و همه درباره خويشتن به تقصير و كوتاهى كردن نسبت به آنچه سزاوار آنى معترفند؛ بنابراين چنانچه شيطان ايشان را براى منصرف كردن از طاعتت نفريبد، هيچ عصيان گرى تو را معصيت نكند، و اگر باطل را در نظرشان، مانند حق جلوه ندهد، هيچ گمراهى از راه تو گمراه نشود.

منزّه و پاكى، چه آشكار و روشن است بزرگواريت در معامله با كسى كه تو را اطاعت كرده، يا از تو سرپيچى نموده.

مطيع را در برابر آنچه، خود برايش فراهم آورده‏اى پاداش مى‏دهى، و معصيت كار را كه تعجيل كيفرش در اختيار توست، به اميد تو و بازگشت مهلت مى‏دهى، به هر يك از مطيع و عاصى عطايى كرده‏اى كه سزاوار آن نيستند، و به هر يك احسانى فرموده‏اى كه عملش از آن كوتاه است.

اگر مطيع را نسبت به نعمتى كه به او دادى مقابله به مثل مى‏كردى؛ يعنى برابر هر نعمتى عملى از او مى‏خواستى، نزديك بود كه پاداشت را نيابد، و نعمتت از او زايل شود؛ ولى حضرتت به بزرگواريت در برابر مدت كوتاه از دست رفتنى، كه در آن به بندگيت برخاسته، به مدتى طولانى و هميشگى، و در مقابل مدت نزديك گذرا، به مدت دامنه‏دار جاويد پاداشش دادى.

سپس در برابر رزقى كه از سفره نعمتت خورده، تا به سبب آن بر بندگيت نيرو

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 215

گيرد، قيمت و عوض نخواستى، و از او نسبت به ابزارى كه به كار بردن آنها را سبب رسيدن به مغفرتت قرار داده، بازرسى و حسابرسى دقيق نكردى، و اگر با بنده مطيعت چنين رفتار مى‏كردى، رنجى را كه در راه عبادت كشيده بود، و تمام كوششى كه در مسير طاعت به دوش جان برداشته بود، در برابر كوچك‏ترين نعمت‏ها، و عطاهايت از دست مى‏رفت، و در پيشگاهت به خاطر ديگر نعمت‏هايت تا ابد بدهكار تو مى‏ماند، و در گرو طلب كارى تو قرار مى‏گرفت.

روى اين حساب چه زمانى شايستگى چيزى از ثواب تو را پيدا مى‏كرد؟! نه هيچ گاه.

اى خداى من! اين حال و روز كسى است كه از تو فرمان برده، و راه كسى است كه تو را عبادت كرده، اما كسى كه از فرمانت روى گردانده، و مرتكب گناه شده، در رساندن عذاب و كيفرت به او شتاب نكردى، به خاطر اين كه وضعش را در نافرمانيت، به حال برگشتنش به بندگيت تغيير دهد، و محقّقاً در اول كارى كه آهنگ نافرمانى تو كرد، همه عذاب‏هايت را كه براى تمام بندگانت آماده ساخته‏اى مستحق مى‏شد؛ پس هر عذابى را كه از او به تأخير انداختى، و هر مجازات سخت و كيفرى كه از او بازداشتى، حقّ مسلّم و قطعى خود، و خشنودى به كمتر چيزى است كه براى تو واجب و ثابت است.

پس اى خداى من! كريم‏تر از تو كيست؟ و بدبخت‏تر از كسى كه به سبب مخالفت با تو هلاك شد چه كسى است؟ نه هيچ كس؟

پس تو والاتر از آنى كه جز به احسان وصف شوى، و پاك‏تر از آنى كه جز عدالتت را بترسند. بيم ستمكاريت بر گناهكار نمى‏رود، و ترس واگذاشتن پاداش كسى كه تو را خشنود كرده، در ميان نيست؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و آنچه را آرزو دارم، به من ببخش و هدايتت را بر من افزون كن؛ به گونه‏اى كه به سبب آن به توفيق در عملم برسم. همانا تو بسيار نعمت دهنده بزرگوارى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 216

دعاى 38 پوزش از كوتاهى در حقوق بندگان و طلب آزادى از آتش‏

خدايا! از تو پوزش مى‏خواهم درباره ستم ديده‏اى كه در حضور من به او ستم شد، و من ياريش ندادم، و از احسانى كه نسبت به من شده، و سپاسش را به جا نياوردم، و از بد كننده‏اى كه از من پوزش خواسته و من پوزش او را نپذيرفتم، و از نيازمندى كه از من درخواست كرده و من او را به خود ترجيح ندادم، و از حق مؤمن صاحب حقّى كه بر عهده‏ام بوده و آن را نپرداخته‏ام، و از عيب مؤمنى كه براى من آشكار شده و آن را نپوشانده‏ام، و از هر گناهى كه برايم پيش آمده و از آن دورى نكردم.

اى خداى من! از همه اينها و از آنچه مانند اينهاست، با دلى آكنده از پشيمانى پوزش مى‏خواهم؛ پوزشى كه مرا در برابر پيش آمدهايى نظير آنها باز دارد. پس بر محمد و آلش درود فرست، و پشيمانيم را از لغزش‏هايى كه گرفتارشان شدم، و عزمم را بر ترك گناهانى كه برايم پيش مى‏آيد، توبه قرار ده؛ توبه‏اى كه برايم موجب عشق تو گردد، اى دوستدار توبه كنندگان!

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 220

دعاى 39 طلب عفو و رحمت‏

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و بناى شهوتم را از هر حرامى در هم شكن، و ميل شديدم را از هر معصيتى دور دار، و مرا از آزردن هر مرد مؤمن و زن مؤمنه، و هر مرد مسلمان و زن مسلمه باز دار.

خدايا! هر بنده‏اى نسبت به من مرتكب كارى شده كه آن كار را بر او حرام كردى، يا پرده حرمت مرا كه دريدنش را بر او ممنوع كردى دريده، پس زير بار ستمى كه بر من داشته مرده، يا در حالى كه هنوز زنده است، حقّى از من برعهده او ثابت است؛ پس او را نسبت به ستمى كه بر من روا داشته بيامرز، و در رابطه با حقى كه از من پايمال كرده عفو فرما، و درباره آنچه با من كرده مؤاخذه مكن، و به خاطر گناهانى كه با ستم بر من مرتكب شده رسوايش نساز، و اين عفو و گذشتم را از آنان و چشم پوشى و كار نيكى كه بدون چشم داشت نسبت به آنان انجام دادم، از پرفايده‏ترين صدقات صدقه دهندگان و بالاترين عطاهاى مقرّبين پيشگاهت قرار ده، و در برابر عفو من از آنان عفوت، و در مقابل دعايم براى آنان رحمتت را عوض قرار ده، تا هر يك از ما به سبب فزون بخشيت سعادتمند شويم، و هر كداممان محض احسانت رستگار گرديم.

خدايا! هر يك از بندگانت كه از جانب من صدمه‏اى به او متوجّه شده، يا از

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 224

سوى من آزارى به او رسيده، يا از من يا به سبب من ستمى بر او شده، و از پى آن ستم به گونه‏اى حقش را پايمال كرده‏ام، كه باز گرداندن آن حق برايش ممكن نيست، يا با حقى كه بر عهده من دارد، چنان از او پيش گرفته‏ام و از دستش فرار كرده‏ام، كه يافتن من براى گرفتن حقّش به هيچ عنوان برايش ميسّر نيست، در عين همه اين امور بر محمد و آلش درود فرست، و آن صاحب حق را به توانگرى خود از من راضى كن، و حقّش را به طور كامل از نزد خود بپرداز، و مرا از عقوبتى كه بر اساس فرمانت مستحق آن شده‏ام نگاه دار، و از كيفرى كه عدالتت به آن حكم مى‏كند نجاتم ده؛ زيرا نيروى من تاب عذاب تو را ندارد، و براى طاقت من امكان تحمّل خشم تو نيست. به درستى كه اگر مرا بر پايه حق مكافات كنى هلاكم مى‏كنى، و اگر به رحمتت نپوشانى، به مهلكه‏ام مى‏اندازى.

اى خداى من! از تو بخشيدن چيزى را مى‏خواهم كه بخشيدن آن، چيزى از تو نمى‏كاهد، و بارى را از دوشم مى‏خواهم بردارى، كه برداشتن آن بر تو دشوار و گران نيست.

اى خداى من! از تو مى‏خواهم كه وجودم را به من ببخشى؛ وجودى كه آن را خلق نكردى، تا به وسيله آن خودت را از شرّى باز دارى، يا به سبب آن به سودى راه يابى؛ بلكه آن را آفريدى تا قدرتت را بر آفرينش نظير آن به اثبات رسانى، و برهان و حجتى بر ايجاد شكل آن در آخرت قرار دهى، و از تو درخواست مى‏كنم بار گناهانى كه حمل آن مرا گران بار ساخته از دوشم بردارى و از تو نسبت به آنچه سنگينى‏اش مرا به زانو درآورده، يارى مى‏طلبم.

پس بر محمّد و آلش درود فرست و وجودم را به خاطر ستم بر خود بر من ببخش، و رحمتت را به برداشتن بار سنگين گناه از دوشم بر من بگمار. چه بسيار رحمتت به بدكاران رسيده، و چه فراوان گذشت و عفوت شامل ستمكاران شده.

پس بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا سرمشق كسانى قرار ده، كه آنان را

ترجمه صحيفه كامله سجاديه       225     دعاى 39 طلب عفو و رحمت

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 225

به گذشتت از افتادن در افتادن‏گاه‏هاى خطاكاران سرپا نگاه داشتى، و به توفيقت از ورطه‏هاى مجرمان رها كردى، پس در سايه عفوت از اسارت خشمت رها شد، و به دست احسانت از بند عدالتت به آزادى رسيد.

اى خداى من! اگر اين گونه رفتار كنى، درباره كسى رفتار كرده‏اى كه استحقاق عقوبتت را انكار نمى‏كند و خود را از سزاوار بودن نسبت به خشمت تبرئه نمى‏نمايد.

اى خداى من! اين رفتار را با كسى مى‏كنى كه ترسش از تو، از اميدش به تو بيشتر است، و نوميديش از نجات، از اميدش به رهايى پابرجاتر است، نه اين كه نوميديش از باب يأس از رحمت تو يا اميدش بر اساس مغرور بودن به كرم تو باشد؛ بلكه از اين جهت است كه خوبى‏هايش نسبت به گناهانش اندك، و دلايلش در مورد وظايفى كه برعهده‏اش بوده، سست و بى‏پايه است.

اى خداى من! شايسته‏اى كه صدّيقان به تو مغرور نشوند، و گنهكاران از تو مأيوس نگردند؛ زيرا تو پروردگار بزرگى هستى كه احسانت را از احدى منع نمى‏كنى، و در گرفتن حق خود به كسى سخت‏گيرى روا نمى‏دارى، يادت از ياد شدگان برتر است، و نام‏هايت از نسبت نقص منزّه و پاك است، و نعمتت در ميان تمام آفريده‏ها پراكنده و پخش است. تو را بر تمام آنچه از اوصافت بيان شد سپاس، اى پروردگار جهانيان!

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 226

دعاى 40 ياد مرگ‏

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از آرزوى دور و دراز بى‏نياز كن، و دست آرزوهاى دراز با عمل راستين از دامن حيات ما كوتاه فرما تا به پايان بردن ساعتى را از پى ساعتى، و دريافتن روزى را كه به دنبال روزى، و پيوستن نفسى را به نفسى، و رسيدن گامى را به گامى آرزو نكنيم، و از فريب آرزوها ما را سالم دار، و از بدى‏هايش امان ده، و مرگ را در برابر ديدگان ما قرار داده؛ قرار دادنى دائم و هميشگى، و يادش را به گونه‏اى قرار مده كه روزى يادش كنيم، و روزى از آن غفلت ورزيم.

و از اعمال شايسته عملى برايمان قرار ده، كه آمدن به سوى تو را همراه با آن آرام و آهسته شماريم، و براى زود رسيدن به لقاى تو حرص ورزيم؛ به طورى كه مرگ براى ما محلّ انسى باشد كه به آن انس گيريم، و مركز الفتى باشد كه به آن شوق ورزيم، و خويشاوند نزديكى باشد كه نزديكى به او را دوست داشته باشيم. پس هنگامى كه مرگ را بر ما وارد كنى و نازل فرمايى، ما را از ديدار چنين ديدار كننده‏اى خوشبخت فرما، و زمانى كه بر ما وارد شد، ما را با او مأنوس ساز و ما را به مهمانيش به رنج و زحمت مينداز، و به زيارتش خوار و سرافكنده مكن، و آن را درى از درهاى آمرزشت، و كليدى از كليدهاى رحمتت‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 230

قرار ده. ما را در زمره هدايت يافتگان بميران؛ نه گمراهان، و در سلك مطيعانى كه از مرگ اكراه ندارند، و در جمع توبه كنندگان از دنيا ببر نه گناهكاران و اصرار ورزان به گناه، اى ضامن پاداش نيكوكاران، و اصلاح كننده كردار بدكاران!.

دعاى 41 طلب پرده‏پوشى‏

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و بستر كرامتت را برايم بگستران، و به آبشخورهاى رحمتت درآور، و در وسط بهشتت جايم ده، و داغ مردود شدن از درگاهت را بر پيشانيم مگذار، و به نوميدى از درگاهت محرومم مكن، و به گناهانى كه مرتكب شدم، مرا به عرصه تقاصّ و عقوبت مينداز، و به خاطر اعمال زشتى كه انجام داده‏ام، حسابم را مورد دقت قرار مده، و رازم را آشكار مكن، و سرّم را فاش مساز، و عملم را در ترازوى عدالت مگذار، و امور پنهانم را در برابر چشم بزرگان و پيشوايان برملا مكن.

و آنچه كه آشكار شدنش مايه ننگ من است. از آنان پنهان دار، و آنچه مرا در حضورت بدنام و رسوا كند، از ديدگان آنها بپوشان، مرتبه‏ام را به خشنوديت بالا بر، و كرامتم را به آمرزشت كامل كن، و مرا در زمره اصحاب يمين درآور، و به جانب راه‏هاى ايمن يافتگان هدايتم كن، و در گروه رستگاران قرار ده، و انجمن شايستگان را به وجود من آباد كن، اى پروردگار جهانيان! دعايم را مستجاب فرما.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 234

دعاى 42 ختم قرآن‏

خدايا! تو مرا به پايان رساندن قرائت قرآنت يارى دادى؛ قرآنى كه آن را به صورت نور فرستادى، و بر هر كتابى كه نازل كردى، شاهد و نگهبان قرار دادى، و بر هر سخن و كلامى كه بر خوانده‏اى برترى دادى.

و جدا كننده‏اش ساختى، كه به وسيله آن بين حلال و حرامت جدايى انداختى، و آيات به هم پيوسته‏اى است، كه از بركت آن، راه‏هاى احكامت را آشكار كرده‏اى، و كتابى است كه هر چيزى را براى بندگانت در آن بيان كرده‏اى؛ بيانى جامع و رسا، و وحى است كه بر پيامبرت محمد صلى الله عليه و آله فرود آوردى؛ فرود آوردنى به حق.

و آن را نورى قرار دادى، كه در پرتو پيروى از آن از تاريكى‏هاى گمراهى و نادانى، به عرصه‏گاه هدايت راه يابيم، و شفا براى كسى كه با رعايت سكوت به آياتش گوش فرا دهد، براى آن كه مفاهيم و معانى‏اش را درك كند، و واقعيت‏هايش را با دل و جان تصديق نمايد، و ترازوى عدلى كه زبانه‏اش از حق منحرف نمى‏شود و نور هدايتى كه روشنايى برهانش، از برابر بينندگان خاموش نگردد، و پرچم نجاتى كه هر كس به جانب آيين استوارش قصد كند، گمراه نشود، و هر كس به دستگيره عصمتش در آويزد، دست‏هاى هلاك كننده به او نرسد.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 238

خدايا! هم اكنون كه ما را به تلاوت قرآن يارى دادى، و عقده‏هاى زبانمان را به زيبايى عبارتش گشودى، پس ما را از كسانى قرار ده، كه حق اين كتاب را چنانكه سزاوار آن است رعايت كنند، و تو را با اعتقاد تسليم در برابر آيات محكمش اطاعت نمايند، و به پناهگاه اقرار به متشابهاتش، و دلايل روشنش پناه برند.

خدايا! تو قرآن را بر پيامبرت محمّد صلى الله عليه و آله مجمل و سربسته نازل كردى، و دانش شگفتى‏هايش را به طور كامل به او الهام فرمودى، و علم آن را به عنوان تفسير به ما ارث دادى، و ما را بر كسانى كه از دانش قرآن بى‏خبرند برترى دادى، و قدرت آگاهى از حقايقش را به ما عنايت كردى، تا ما را بر كسانى كه طاقت درك مفاهيم آن، و قيام به آياتش را ندارند، رفعت و سرورى بخشى.

خدايا! چنانكه دل‏هاى ما را حامل واقعيت‏هاى آن ساختى، و شرافت و فضيلتش را به ما فهماندى، پس بر محمد خطيب به قرآن و بر آلش خزانه‏داران قرآن درود فرست، و ما را از كسانى قرار ده كه اعتراف دارند: قرآن از جانب توست، تا شك و شبهه‏اى در مسير تصديق آن، عارض دل‏هاى ما نشود و انحرافى، ما را از راه راستش باز ندارد.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از كسانى قرار ده كه به ريسمان محكم قرآن چنگ مى‏زنند، و از متشابهات كه محل لغزش عقول است، در پناه آيات محكمش مأوى مى‏گيرند، و در سايه بال رحمتش آرامش مى‏يابند، و به نور صبحگاهش راه مى‏يابند، و به درخشندگى سپيده‏اش كه موجب آشكار شدن حق است اقتدا مى‏كنند، و از چراغش، چراغ مى‏افروزند، و از غير آن هدايت نمى‏جويند.

خدايا! همان گونه كه محمّد را به وسيله قرآن نشانه‏اى، براى هدايت به سوى خود نصب كردى و به سبب آل او، راه‏هاى خشنودى خود را آشكار ساختى، پس‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 239

بر محمد و آلش درود فرست، و قرآن را براى ما وسيله رسيدن به بالاترين منازل كرامت، و نردبانى كه به جانب محل سلامت بالا رويم، و سببى كه به وسيله آن، رهايى در عرصه قيامت را پاداش داده شويم و وسيله‏اى كه از بركت آن در نعمت‏هاى سراى اقامت وارد گرديم، قرار ده.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و به واسطه قرآن، سنگينى گناهان را از دوش ما فرود آر، و زيبايى اخلاق نيكان را به ما عنايت فرما، و ما را پيرو آثار كسانى قرار ده كه همه ساعات شب و تمام روز را، به وسيله قرآن به بندگى برخاستند، تا جايى كه ما را به پاك كنندگى آن، از هر آلودگى پاك كنى. و تابع آثار كسانى قرار دهى كه به نور قرآن روشنى جستند، و آرزوى بى جا آنها را از عمل براى آخرت غافل نكرد، تا با فريب و نيرنگ‏هايش آنان را به هلاكت اندازد، و از به دست آوردن آخرت باز دارد.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و قرآن را براى ما زمينه اين منافع قرار ده؛ در تاريكى‏هاى شب‏ها مونس، و از تحريكات شيطان براى ارتكاب گناه، و خطرات وسوسه‏ها نگهبان، و براى گام‏هاى ما از حركت به سوى گناهان بازدارنده، و براى زبان‏هايمان از فرو رفتن در گفتار باطل،- نه به خاطر بيمارى- لال كننده، و براى انداممان از ارتكاب گناه مانع شونده، و براى طومار و اوراق عبرت كه دست غفلت آن را در هم پيچيده، گستراننده، تا فهم شگفتى‏هايش و پندهاى باز دارنده‏اش را كه كوه‏هاى استوار، با وجود صلابتشان از تحمل آن ناتوانند، به دل‏هاى ما برسانى.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و به وسيله قرآن آراستگى ظاهر ما را تداوم بخش و خطرات وسوسه‏ها را از پنجه انداختن به سلامت درونمان باز دار، و به سبب قرآن چرك دل‏هامان، و وابستگى گناهانمان را به وجودمان بشوى، و امور از هم پاشيده ما را به قرآن سامان بخش، و در جايگاه عرض‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 240

اعمال به پيشگاهت، تشنگى ما را كه زاييده گرماى آن جاست، به سبب قرآن فرونشان، و در هنگام برانگيختنمان در روز وحشت بزرگ، به وسيله قرآن بر ما جامه امن و امان پوشان.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و خلأ و شكاف تنگدستى و ندارى ما را به وسيله قرآن جبران فرما، و به سبب قرآن زندگى فراخ و گسترده و فراوانى ارزاق را به سوى ما سوق ده، و ما را در سايه قرآن، از خصلت‏هاى ناپسند و پستى‏هاى اخلاقى دور كن، و به وسيله قرآن از سقوط در منجلاب كفر، و انگيزه‏هاى نفاق حفظ فرما، تا قرآن در روز قيامت راهبر و راهنماى ما به سوى خشنوديت و بهشت‏هايت باشد، و در اين جهان از خشمت، و تجاوز از حدودت بازمان دارد، و براى ما در پيشگاهت، در حلال دانستن حلالش، و حرام دانستن حرامش شاهد و گواه باشد.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست و هنگام مرگ به سبب قرآن، سختى جان دادن، دشوارى ناله كردن، و به شماره افتادن نفس را، آن هم وقتى كه جان‏ها به گلو رسند، و گفته شود: چه كسى معالجه‏گر است؟! بر ما آسان فرما. آرى، آسان فرما به خصوص هنگامى كه فرشته مرگ، براى گرفتن جان از پرده‏هاى غيب آشكار شود، و تيرهاى وحشتناك فراق را از كمان اجل به سوى روح پرتاب كند، و از زهر كشنده مرگ، شربتى مسموم براى جان آماده نمايد، و كوچ كردن و حركت ما از دنيا به آخرت نزديك شود، و عمل‏ها و كردارها، گردن بندهايى بر گردن گردد، و قبرها، تا روز ديدار و ملاقات آرامگاه باشد.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ورود ما را در خانه كهنگى و پوسيدگى، و طول اقامتمان را بين طبقات خاك بر ما مبارك گردان، و قبرها را پس از جدايى از دنيا بهترين منازلمان قرار ده، و تنگى لحد را به رحمتت، براى ما وسعت ده، و در برابر حاضران عرصه قيامت، به گناهان هلاك كننده‏اى كه بر

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 241

گردن ماست رسوايمان مكن، و به سبب قرآن در جايگاه عرض اعمال، بر ذلّت و پستى وضع ما ترحم فرما، و هنگام لرزش پل جهنم، لغزش گام‏هاى ما را به وقت عبور از آن به وسيله قرآن استوار ساز، و پيش از برپا شدن قيامت، تاريكى گورهاى ما را به قرآن روشن كن، و ما را در سايه قرآن از هر گونه اندوه روز قيامت، و سختى ترس‏هاى روز بلاى بزرگ و بى‏مانند نجات ده، و روزى كه چهره ستم پيشگان سياه مى‏شود- روز حسرت و پشيمانى- چهره‏هاى ما را سپيد كن، و براى ما در دل‏هاى مردم مؤمن، محبّت و دوستى قرار ده، و زندگى را بر ما سخت و دشوار مكن.

خدايا! بر محمّد بنده و رسولت درود فرست، در برابر اين كه، پيام دينت را به مردم رساند، و فرمانت را آشكار كرد، و نسبت به بندگانت خيرخواهى فرمود.

خدايا! پيامبر ما را كه درودت بر او و بر آلش باد، روز قيامت از مقرب‏ترين پيامبران، و از نظر شفاعت در پيشگاهت، از نيرومندترين آنان، و از جهت منزلت و مقام از والاترين آنان، و از نظر جاه و آبرو، آبرومندترين آنان قرار ده.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و بنيانش را برترى ده، و دليل و برهانش را بزرگ و با عظمت فرما، و ميزانش را سنگين كن، و شفاعتش را بپذير، و وسيله‏اش را نزديك فرما، و رويش را سپيد كن، و نورش را كامل، و درجه‏اش را بلند ساز، و ما را بر روش او زنده بدار، و بر آيينش بميران، و ما را در راهش قرار ده، و در راه او راه بر، و از اهل طاعتش قرار ده، و در گروه او محشور كن، و به حوضش وارد فرما، و از جامش سيرابمان كن.

و بر محمّد و آلش درود فرست؛ درودى كه به وسيله آن او را به آنچه كه از خير و احسان و كرامتت اميد دارد برسانى، همانا تو صاحب رحمت گسترده و احسان گران قدرى.

خدايا! به خاطر اين كه پيام‏هايت را رساند، و آياتت را به سوى مردم برد، و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 242

براى بندگانت خيرخواهى كرد، و در راهت جهاد كرد، پاداشى به او عنايت فرما، برتر از پاداشى كه به هر يك از فرشتگان مقربت، و انبياى مرسل و برگزيده‏ات عنايت فرمودى، سلام و رحمت و بركات خدا، بر او و بر اهل بيت پاكيزه و پاكش باد.

دعاى 43 نگاه كردن به هلال‏

اى آفريده فرمانبردار و پوينده دائم و شتابان، رفت و آمد كننده در منازل معيّن شده و تصرّف كننده در فلك تدبير، ايمان آوردم به كسى كه به سبب تو تاريكى‏ها را روشن كرد، آنچه را با حواس به سختى مى‏توان يافت، به وسيله تو آشكار ساخت، و تو را دليلى از دلايل فرمانرواييش بر هستى، و نشانه‏اى از نشانه‏هاى سلطنت و قدرتش قرار داد، و تو را به زيادى و نقصان، و طلوع و غروب، و تابندگى و گرفتگى، به خدمت گرفت. در تمام اين حالات فرمانبردار اويى، و به سوى خواسته‏اش شتابانى.

چه شگفت است تدبيرى كه در برنامه تو به كار برده، و چه دقيق است آنچه در شأن تو انجام داده، تو را كليد ماهى جديد، براى كارى جديد قرار داده. از خداوند، پروردگارم و پروردگارت، و آفريننده‏ام و آفريننده‏ات، و تقدير كننده‏ام و تقدير كننده‏ات، و صورتگرم و صورتگرت، درخواست مى‏كنم كه بر محمد و آلش درود فرستد، و تو را هلال با بركتى قرار دهد، كه گذشت روزگاران آن بركت را از بين نبرد، و هلال پاكى كه گناهان آلوده‏اش نكند، هلال ايمنى از بلاها، و سلامتى از بدى‏ها، هلال خوشى طالعى كه نحسى در آن نباشد، و با ميمنتى كه مشقّت گرد آن نگردد، و آسايشى كه دشوارى با آن مخلوط

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 246

نشود، و خيرى كه ممزوج به شرّ نگردد، هلال امن و امان، و نعمت و احسان، و سلامت و اسلام.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از خشنودترين كسانى قرار ده كه ماه نو بر آن طلوع كرده، و از پاكيزه‏ترين كسانى كه به آن نگاه كرده، و خوشبخت‏ترين كسانى كه در آن به انجام هر گونه عبادت، از واجب و مستحب برخاسته‏اند، و ما را در اين ماه به توبه موفّق كن، و از گناه حفظ فرما، و از دست زدن به معصيتت نگاه دار، و ما را در اين ماه به سپاسگزارى نعمتت برانگيز، و پوشش‏هاى عافيت را به ما بپوشان، و به سبب كامل به جا آوردن بندگيت در اين ماه، نعمتت را بر ما كامل كن. تو بسيار نعمت دهنده و ستوده‏اى، و درود خدا بر محمّد و آل پاك و پاكيزه‏اش باد.

دعاى 44 ماه مبارك رمضان‏

خدا را سپاس، كه ما را به سپاس گزاريش هدايت فرمود، و ما را اهل سپاس قرار داد، براى اين كه از شكرگزاران احسانش شويم، تا در برابر اين سپاس و شكر، پاداش نيكوكاران را به ما عنايت فرمايد.

خدا را سپاس كه دينش را به ما عطا كرد، و ما را به آيينش اختصاص داد، و در راه‏هاى احسانش وارد كرد، تا در آنها به لطف و فضلش به جانب رضوانش حركت كنيم؛ حمدى كه از ما بپذيرد، و به سبب آن از ما خشنود شود.

و خدا را سپاس كه از جمله آن راه‏ها، ماه خود، ماه رمضان را قرار داد؛ ماه روزه، و ماه اسلام، ماه پاك كننده، ماه آزمايش، ماه قيام به عبادت، و ماهى كه قرآن را در آن نازل كرد، كه سراسر براى مردم هدايت است و نشانه‏هايى روشن از هدايت، و جداكننده بين حق و باطل؛ پس برتريش را بر ماه‏هاى ديگر بر پايه احترامات زيادى كه برايش قرار داد، و فضيلت‏هايى كه بين مردم مشهور است، آشكار ساخت.

پس آنچه را در ماه‏هاى ديگر حلال بود، به خاطر بزرگداشت اين ماه حرام كرد، و خوراكى‏ها و آشاميدنى‏ها را محض گرامى داشت آن ممنوع فرمود، و بر آن وقتى واضح و روشن قرار داد، و آن نهمين ماه از ماه‏هاى قمرى است كه‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 250

حضرتش جلّ و عزّ اجازه نمى‏دهد از آن وقت معين پيش افتد، و نمى‏پذيرد كه از آن پس افتد.

سپس يكى از شب‏هايش را بر شب‏هاى هزار ماه برترى داد، و آن را شب قدر ناميد، فرشتگان و روح در آن شب، به دستور پروردگارش، براى تعيين سرنوشت‏ها، و آوردن هر خير و بركتى، و تقدير هر كارى نازل مى‏شوند. شبى است آكنده از سلامت و رحمت، بركتش تا سپيده دم بر هر كس از بندگانش كه بخواهد، از طريق قضايش كه محكم و استوار كرده، پيوسته و دايمى است.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، و شناخت برترى اين ماه، و بزرگ داشت احترامش را، و خوددارى از آنچه كه در اين ماه ممنوع كردى، به ما الهام فرما، و ما را به روزه داشتن اين ماه، و حفظ انداممان از گناهانت و به كار گرفتن آنها در آنچه كه تو را خشنود مى‏كند يارى ده، تا با گوشمان به گفتار لغو گوش نكنيم، و با چشممان به تماشاى لهو نشتابيم، و تا جايى كه دست‏هامان را به جانب حرامى نگشاييم، و با گام‏هامان به سوى ممنوعى نرويم، و شكم‏هامان جز آنچه را حلال كردى، در خود جاى ندهد، و زبانمان جز به آنچه تو گفته‏اى گويا نشود، و عمل و وظيفه‏اى جز آنچه ما را به ثواب تو نزديك مى‏كند، متحمّل نشويم، و جز آنچه ما را از كيفر تو نگاه مى‏دارد، انجام ندهيم. آنگاه همه اينها را از رياى رياكاران، و شهرت‏طلبى شهرت طلبان، خالص و پاك فرما؛ به گونه‏اى كه كسى را جز تو در اعمالمان شريك نكنيم، و مقصد و منظورى در آن اعمال غير تو نطلبيم.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را در اين ماه، بر اوقات نمازهاى پنج‏گانه، با آدابى كه براى آنها معين كردى، و واجباتى كه جهت آنها واجب فرمودى، و شروطى كه محض آنها مقرّر نمودى، و اوقاتى كه تعيين كردى آگاه ساز، و ما را در اداى اين نمازهاى پنج‏گانه، در رتبه كسانى قرار ده، كه به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 251

مراتب و منزلت‏هاى آن رسيده‏اند، كسانى كه حفظ كننده اركان آنهايند، و هر يك از پنج نماز را در اوقات مخصوص به خودش ادا مى‏كنند، و بر پايه آن كميت و كيفيتى كه بنده و رسولت كه درود تو بر او و خاندانش باد؛ تشريع فرموده و بيان كرده، در ركوع و سجودش و همه فضايل و درجاتش، با كامل‏ترين طهارت و روشن‏ترين مرتبه خشوع و رساترينش.

و ما را در اين ماه توفيق ده، كه با خويشاوندان خود با نيكى و صله رحم ارتباط پيدا كنيم، و با احسان و بخشش به همسايگان خود رسيدگى نماييم، و اموال خود را از مظالم و حقوق مردم پاك كنيم، و با بيرون كردن زكات، ثروت و مال خود را در مدار پاكى قرار دهيم، و با كسى كه با ما قهر كرده آشتى نموده و با آن كه به ما ستم روا داشته، به عدالت و انصاف معامله كنيم، و با شخصى كه با ما دشمنى كرده، از در مسالمت در آييم، مگر كسى كه در راه تو، و به خاطر تو با او دشمنى شده باشد؛ همانا او دشمنى است كه با او دوستى نكنيم، و حزبى است كه به او دست صداقت ندهيم.

و ما را در اين ماه توفيق ده، كه به وسيله اعمال شايسته، كه ما را به سبب آنها از گناهان پاك كنى به تو تقرّب جوييم، و ما را در اين ماه از اين كه بخواهيم اعمال زشت را از سر بگيريم حفظ فرما، و كار بندگى ما در اين ماه به جايى رسد، كه هيچ يك از فرشتگانت نتواند، بالاتر از آنچه ما به جا آورديم، از ابواب بندگى و طاعت براى تو، و انواع اعمالى كه سبب قرب ما به حضرت توست، به پيشگاهت عرضه كند.

خدايا! به حق اين ماه و به حق كسى كه از آغاز تا پايانش تو را بندگى كرده، از فرشته‏اى كه او را مقرّب خود كردى، يا پيامبرى كه براى هدايت مردم فرستادى، يا بنده شايسته‏اى كه به كرامت خود اختصاص دادى، از تو مى‏خواهم كه بر محمد و آلش درود فرستى، و ما را در اين ماه شايسته كرامتى كه به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 252

اوليايت وعده دادى گردان، و آنچه براى اهل كوشش در بندگيت قرار دادى براى ما قرار ده، و ما را در زمره كسانى كه به رحمتت، شايستگى رسيدن به برترين مرتبه را يافتند، درآر.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را از انحراف در توحيدت، و كوتاهى در ستايشت، و ترديد در دينت، و كورى از راهت، و بى‏احترامى به حرمتت، و گول خوردن از دشمنت، شيطان رانده شده، بر كنار كن.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و چنانچه در هر شب از شب‏هاى اين ماه رمضانمان، بندگانى هستند كه عفوت آنها را آزاد مى‏كند، و گذشت و چشم پوشيت آنان را مى‏بخشد، پس ما را از آن بندگان محسوب كن، و ما را براى ماه رمضانمان از بهترين اهل و اصحاب قرار ده.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و با به محاق نشستن هلالش، گناهانمان را محو كن، و با سپرى شدن روزهايش، گناهان را از وجود ما بركَن، تا ماه رمضان در حالى از ما بگذرد كه وجودمان را از خطاها پاكيزه، و از بدى‏ها خالص و آراسته فرموده باشى.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست؛ چنانچه ما در اين ماه از حق و عدالت و بندگى و طاعت منحرف شويم، به دايره عدل و درستى برگردان، و اگر از راه هدايت به گمراهى افتيم، استوارمان ساز، و اگر دشمنت شيطان بر ما چيره شود، از كيد و مكرش ما را رهايى بخش.

خدايا! اين ماه را با بندگيمان براى حضرتت پُر كن، و اوقاتش را به طاعتمان براى وجود مباركت زينت ده، و در روزش ما را به روزه داشتن، و در شبش ما را به نماز و زارى به درگاهت، و فروتنى به پيشگاهت، و خوارى در برابرت يارى فرما تا روزش به غفلت ما از روزه، و شبش به كوتاهى ما از عبادت گواهى ندهد.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 253

خدايا! ما را در ديگر ماه‏ها، و ديگر ايام، مادامى كه زنده‏مان مى‏دارى چنين قرار ده، و هم چنين ما را از بندگان شايسته‏ات قرار ده؛ آنان كه بهشت را به ارث مى‏برند و در آن جاودانند، و از اموال خود در راه خدا مى‏بخشند، و عمل شايسته انجام مى‏دهند، در حالى كه دل‏هاشان از انديشه بازگشت به سوى پروردگارشان ترسان است، و از كسانى قرار ده كه به سوى خيرات مى‏شتابند، و نسبت به آن از ديگران پيشى مى‏گيرند.

خدايا! بر محمّد و آلش درود فرست، در همه وقت و در همه دم و در هر حال، به شماره درودى كه فرستاده‏اى، بر هر كه درود فرستاده‏اى و چندين برابر همه آنها، به چندين برابرى كه جز تو نتواند آنها را بشمارد؛ همانا تو آنچه را بخواهى، انجام مى‏دهى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 254

دعاى 45 وداع با ماه مبارك رمضان‏

خدايا! اى كه ميل و رغبتى به پاداش ندارد؛ چون بى‏نياز از آفريده‏هاست، و اى كه بر عطا بخشى‏اش، پشيمان نمى‏شود، و اى كه پاداش بنده‏اش را مساوى و برابر نمى‏دهد؛ بلكه پاداشش بيش از عمل بنده است، نعمتت ابتداست، دست كسى در ساخت و پرداختش دخالت ندارد، و گذشتت احسان و مجازاتت عدالت، و فرمانت اختيارى است. اگر عطا كنى، عطايت را به منّت آلوده نمى‏كنى و اگر منع كنى، منعت بر پايه تجاوز نيست. كسى كه تو را شكر كند، جزايش مى‏دهى، در حالى كه خودت شكر را به او الهام كردى، و كسى كه تو را سپاس گويد، پاداشش مى‏بخشى، در صورتى كه سپاس را خودت به او تعليم دادى.

پرده مى‏پوشى بر كسى كه اگر مى‏خواستى رسوايش مى‏كردى. جود و كرم مى‏كنى بر كسى كه اگر مى‏خواستى منعش مى‏فرمودى، در حالى كه هر دوى اينها از جانب تو سزاوار رسوايى و منعند؛ امّا چنين نمى‏كنى، چون تمام كارهايت را بر پايه احسان و تفضّل بنا نهادى، و قدرتت را بر آيين گذشت به جريان انداختى، و با كسى كه با تو به مخالفت برخاسته، با بردبارى روبه‏رو شدى، و كسى را كه بر ستم به خود همّت گماشت مهلت دادى، با حلم و بردباريت‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 258

مهلتشان مى‏دهى، تا به سويت باز گردند. شتاب در عقوبت را وا مى‏گذارى، تا به عرصه گاه توبه و بازگشت بنشينند، تا آن كه از جانب تو سزاوار هلاكت شده، هلاك نشود، و تيره بختشان به نعمت تو بدبخت نگردد. هلاكت و بدبختى آنان پس از طول مدتى است، كه حرام و حلالت را براى آنان روشن كردى، و پيوسته به عذاب تهيدستان فرمودى، و عذر بسيارى از اين قبيل در برابرشان قرار دادى، و پى در پى بر آنان اتمام حجّت كردى.

اين همه، بر پايه كرم و بخششى از عفو توست اى بزرگوار! و سود و بهره‏اى است از مهربانى تو اى بردبار! تويى كه درى براى بندگانت به سوى عفوت گشودى، و آن را توبه ناميدى، و بر آن درِ گشوده دليلى از وحيت قرار دادى، تا آن را گم نكنند،- اى كه نامت والا و مبارك است!- فرمودى: «به سوى خدا بازگرديد؛ بازگشتى خالص باشد كه پروردگار گناهانتان را محو كند و شما را وارد بهشت‏هايى كند كه از زير آنها نهرها روان است. روزى كه خداوند، پيامبر و كسانى كه به او ايمان آوردند، خوار نمى‏كند، نورشان پيش رويشان، و از جانب راستشان در حركت است. مى‏گويند: خدايا! نور ما را كامل كن و ما را بيامرز، كه تو بر هر كارى توانايى.»

پس بهانه و عذر كسى كه پس از گشوده شدن در و اقامه دليل، از ورود به عرصه گاه عفوت غفلت كند چيست؟

و تويى كه در معامله با خود، به بهره و سود بندگانت افزودى، و در اين داد و ستدشان با تو، سودشان، و كاميابى و فوزشان به وقت ورود بر تو، و بهره افزون را از جانب خود براى آنها خواسته‏اى.

پس گفتى- اى كه نامت مبارك و والاست!- «هر كس يك خوبى بياورد، ده برابرش براى اوست، و هر كس يك بدى بياورد، جز به مانند آن عقوبت نشود.»

و فرمودى: «داستان آنان كه اموالشان را در راه خدا انفاق مى‏كنند، مانند

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 259

دانه‏اى است كه هفت خوشه رويانده، در هر خوشه صد دانه است، و خداى براى هر كه بخواهد، چند برابر مى‏كند.»

و گفتى: «كيست كه به خدا قرض نيكو دهد، تا خدا آن را برايش به چندين برابر بيفزايد.» و آنچه از نظاير اين آيات درباره چندين برابر كردن خوبى‏ها در قرآن نازل فرمودى.

و تويى كه با گفتارت از غيبت خود، و تشويقت كه بهره آنها در آن است، به امورى راهنمايى كردى كه اگر آن امور را از ايشان مى‏پوشاندى، ديدگانشان آنها را درك نمى‏كرد، و گوش‏هايشان فرا نمى‏گرفت و انديشه و فكرشان به آنها نمى‏رسيد. پس گفتى: «مرا ياد كنيد تا شما را ياد كنم، و مرا سپاس گزاريد، و كفران نكنيد.» و فرمودى: «اگر شكر كنيد، بر شما افزون مى‏كنم و اگر ناسپاسى كنيد، محققاً عذاب من سخت است.»

و گفتى: «مرا بخوانيد تا شما را اجابت كنم. آنان كه از عبادت من- دعا- تكبّر مى‏كنند، به زودى خوار و ذليل وارد جهنّم مى‏شوند. دعا و خواندن خود را عبادت، و تركش را استكبار ناميدى، و بر ترك دعا به ورود در جهنّم با ذلّت و خوارى تهديد كردى. بندگان واقعى‏ات، به خاطر نعمتت تو را ياد كردند، و به سبب احسانت به شكرگزاريت برخاستند، و به فرمانت تو را خواندند، و براى گرفتن عطاى افزونت صدقه دادند، نجاتشان از خشمت، و كاميابيشان به خشنوديت در اين امور بود.»

و اگر مخلوقى از جانب خودش مخلوقى ديگر را، به همين گونه كه تو بندگانت را راهنمايى كردى، راهنمايى مى‏كرد، موصوف به احسان، و نعمت بخشى بود، به هر زبانى مورد ستايش قرار گرفته بود. پس تو را سپاس تا آن‏جا كه در سپاست راهى يافت شود، و تا آن‏جا كه براى سپاس، كلمه‏اى كه به آن ستوده شدى، و معنايى كه به سپاس منحرف شود، باقى باشد.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 260

اى كه با احسان و فضل، بندگانش را به سپاس فرا خوانده و آنان را در درياى نعمت و عطا غرق كرده، چه آشكار و پخش است نعمتت در عرصه حيات ما، و چه سرشار و فراوان است عطايت بر ما، و چه قدر ما را به نيكى و احسانت اختصاص داده‏اى! ما را به دينت؛ دينى كه برگزيده‏اى، و به آيينت؛ آيينى كه پسنديده‏اى و راهت؛ راهى كه هموار كرده‏اى هدايت فرمودى، و به چيزى كه مايه قرب به توست، و زمينه رسيدن به كرامتت، بينا كردى.

خدايا! تو از خالص‏ترين آن وظايف، و برگزيده‏ترين آن فرايض، ماه رمضان را قرار دادى كه آن را از ميان ساير ماه‏ها برگزيدى، و از ميان همه زمان‏ها و روزگارها انتخاب فرمودى، و بر تمام اوقات سال ترجيح دادى؛ به خاطر آن كه قرآن و نور را در آن نازل كردى، و ايمان را در آن چند برابر ساختى، و روزه گرفتن در آن را واجب كردى، و به شب زنده‏دارى در آن تشويق فرمودى، و شب قدر را در آن كه از هزار شب بهتر است، بزرگ داشتى. سپس ما را به سبب آن، بر ديگر امّت‏ها ترجيح دادى، و در پرتو فضلش ما را از ميان همه ملّت‏ها برگزيدى. پس به فرمانت روز را روزه گرفتيم، و شبش را به ياريت به عبادت برخاستيم، در حالى كه خود را به سبب روزه و شب زنده‏داريش در معرض رحمتت قرار داديم؛ زيرا خودت ما را در اين ماه در معرض رحمتت قرار دادى، و آن را وسيله رسيدن به پاداشت انتخاب كرديم، و تو به انجام آنچه از درگاهت طلب شود توانايى، و به آنچه از احسانت درخواست شود، جواد و بخشنده‏اى، به كسى كه براى تقرّب به تو بكوشد قريب و نزديكى.

به تحقيق اين ماه در بين ما، در مرتبه و محلى ستوده‏اى است، و با ما مصاحبت كرد؛ مصاحبتى پسنديده و نيكو، و ما را به برترين بهره‏هاى جهانيان، سودمند كرد. سپس هنگام پايان يافتن وقتش، و به سر رسيدن مدّتش، و كامل شدن روزهايش از ما جدا شد. پس ما او را وداع مى‏كنيم؛ وداع كسى كه‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 261

هجرانش بر ما سخت و غم‏انگيز است، و روگرداندنش ما را غم زده و دچار وحشت كرد. براى او برعهده ما پيمانى محفوظ، و حرمتى در خور رعايت، و حقى واجب الاداء لازم شد. بر اين اساس مى‏گوييم: سلام بر تو اى بزرگترين ماه خدا! و اى عيد دوستانش!.

سلام بر تو اى از ميان اوقات، گرامى‏ترين همنشين! و اى بهترين ماه در ايام و ساعات! سلام بر تو؛ ماهى كه در آن آرزوها و حاجات، به برآورده شدن نزديك است، و اعمالى كه موجب خشنودى خداست در آن پخش شده. سلام بر تو؛ همنشينى كه هنگام موجود بودن منزلتش بزرگ، و وقت مفقود شدن فقدانش دردناك، و مايه اميدى كه دوريش رنج آور است. سلام بر تو همدمى كه چون رو كند، مونس گردد و مسرور و شاد كند، و زمانى كه سپرى شود، به وحشت اندازد، و دل‏ها را به درد آورد. سلام بر تو، همسايه‏اى كه دل‏ها در آن نرم، و گناهان در او كم شد.

سلام بر تو ياورى كه ما را در مبارزه با شيطان يارى داد، و رفيقى كه راه‏هاى احسان را هموار و آسان ساخت. سلام بر تو، چه بسيارند آزادشدگان خدا در تو، و چه خوشبخت است كسى كه حرمتت را محض وجود خودت رعايت كرد. سلام بر تو، چه بسيار گناهان را محو كردى و چه بسيار عيب‏ها را پوشاندى. سلام بر تو، چه طولانى بودى بر گناهكاران و چه با هيبت بودى در قلوب اهل ايمان.

سلام بر تو؛ ماهى كه تمام زمان‏ها قدرت رقابت با او را ندارند. سلام بر تو؛ ماهى كه نسبت به هر كارى مايه سلامتى است. سلام بر تو؛ كه مصاحبت و همنشينى‏اش ناپسند، و معاشرتش نكوهيده نيست. سلام بر تو، چنانكه با بركات بر ما وارد شدى، و چرك خطاها را از ما شستى. سلام بر تو كه وداع با تو؛ نه از باب خستگى، و فراغت از روزه‏ات، نه به خاطر ملالت است. سلام بر تو كه قبل‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 262

از آمدنش خواستارش بوديم، و پيش از رفتنش بر او اندوهگينيم. سلام بر تو، چه بدى‏ها كه به سبب تو از ما برطرف شد و چه خوبى‏ها كه به وسيله تو بر ما فرو ريخت. سلام بر تو، و بر شب قدرى كه از هزار ماه بهتر است. سلام بر تو، ديروز نسبت به تو چه حريص بوديم، و فردا به سوى تو چه بسيار شوق داريم. سلام بر تو و بر فضيلتت كه از آن محروم شديم و بر بركات گذشته‏ات كه از ما گرفته شد.

خدايا! ما اهل اين ماهيم، كه ما را به سبب آن شرافت و بزرگى بخشيدى، و با لطف و احسانت بر انجام اعمالش ما را موفّق فرمودى. هنگامى كه تيره بختان وقتش را نشناختند، و از بخت بدشان، از فضيلتش محروم شدند. تويى صاحب اختيار و سرپرست، كه ما را به شناسايى آن برگزيدى، و به راه و روش آن هدايتمان كردى، و ما به توفيق تو، با همه كوتاهى و تقصير، عهده دار روز و شب زنده‏دارى او شديم، و در آن اندكى از بسيار را به جا آورديم.

خدايا! تو را سپاس؛ در حالى كه به بدى‏هامان اقرار، و به ضايع كردن ماه مبارك و هم چنين به تباه كردن اعمالمان اعتراف داريم، و براى تو در دل‏هامان پشيمانى پا برجا و ثابت، و در زبانمان عذر صادقانه قرار دارد. بر اين اساس در برابر تقصير و تفريطى كه در اين ماه گريبان‏گير ما شد، پاداشى عنايت كن كه از پرتو آن پاداش فضيلت دلخواهمان را در اين ماه به دست آورديم، و اندوخته‏هاى گوناگون را كه مورد علاقه است عوض بستانيم، و عذر ما را در كوتاهى از اداى حقّت بپذير، و عمرهاى ما را، كه پيش روى ماست، به ماه رمضان آينده برسان، و چون ما را به آن رساندى، بر انجام عبادتى كه شايسته توست ياريمان فرما، و به انجام طاعتى كه سزاوار آن ماه است برسان، و عمل شايسته‏اى كه موجب تدارك حق توست، در آن دو ماه از ماه‏هاى روزگار به دست ما جارى فرما.

خدايا! در هر گونه لغزشى كه در اين ماه رمضانمان وارد شديم از گناه‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 263

كوچك يا بزرگ، يا معصيتى كه در آن مرتكب شديم، يا خطايى كه در آن كسب كرديم، از روى عمد، يا فراموشى، كه در آن به خود ستم روا داشتيم، يا به آن پرده حرمت ديگرى را دريديم، پس بر محمد و آلش درود فرست، و ما را به پرده پوشيت بپوشان، و به گذشتت از ما بگذر، و ما را به خاطر گناهى كه كرديم، در برابر ديده شماتت كنندگان قرار مده، و زبان طعنه زنندگان را به روى ما باز مكن، و ما از باب رأفت و لطفت كه پايان نمى‏پذيرد، و بر پايه احسانت كه كاستى ندارد، به اعمالى بدار كه باعث ريزش گناهان، و كفارّه امورى شود كه در اين ماه، از ما ناپسند شمردى.

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست، و مصيبت از دست رفتن رمضانمان را جبران كن و روز عيد و فطرمان را بر ما مبارك فرما، و آن را از بهترين روزهايى كه بر ما گذشته قرار ده، جلب كننده‏ترين روز نسبت به عفو، و محو كننده‏ترين زمان براى گناه، و معاصى پنهان و آشكارمان را بيامرز.

خدايا! با گذشتن اين ماه از خطاهاى ما بگذر، و با خارج شدنش، ما را از گناهانمان خارج كن، و ما را از خوشبخت‏ترين اهل اين ماه به آن و پرنصيب‏ترين آنان در آن، و بهره‏مندترين ايشان از آن قرار ده.

خدايا! كسى كه اين ماه را آن طور كه مى‏بايست رعايت كرد، و احترامش را به نحوى كه شايسته بود حفظ نمود، و حدودش را به صورتى كه سزاوار بود به پاى داشت، و از گناهانش به طور كامل پرهيز كرد يا به وسيله عمل خالصى به تو تقرّب جست، عملى كه موجب خشنوديت، و معطوف كردن رحمتت بر اوست، پس مانند آنچه به او بخشيدى، بر ما هم از توانگريت ببخش، و چندين برابر آن را از احسانت به ما عطا كن. مسلماً احسانت كاستى نمى‏پذيرد، و خزاينت نقصان پيدا نمى‏كند؛ بلكه افزون مى‏شود، و همانا معادن احسانت از بين نمى‏رود، و قطعاً عطاى تو عطايى است گوارا.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 264

خدايا! بر محمد و آلش درود فرست و براى ما پاداشى، همانند پاداش كسى كه اين ماه را روزه گرفت، يا در آن تا روز قيامت به بندگيت برخاست، ثبت فرما.

خدايا! در روز فطرمان كه آن را براى مؤمنين عيد و سرور، و براى اهل آيينت روز اجتماع و گردهمايى قرار دادى، به درگاهت از هر گناهى كه مرتكب شديم، يا كار زشتى كه از پيش فرستاديم، يا انديشه سوئى كه در باطنمان پنهان داشتيم، توبه مى‏كنيم؛ توبه كسى كه خيال بازگشت به گناه را ندارد، و پس از آن به دامن خطايى بر نمى‏گردد؛ توبه‏اى خالص كه از شك و ترديد پاك باشد؛ پس آن را از ما بپذير و از ما خشنود باش، و ما را بر آن توبه ثابت قدم دار.

خدايا! ترس از عذاب وعده شده، و شوق ثواب موعود را روزى ما فرما، تا لذّت آنچه كه از تو مى‏خواهيم و اندوه آنچه كه از آن به تو پناه مى‏بريم در يابيم، و ما را نزد خود از توبه كنندگانى كه محبّتت را بر آنان ختم كردى، و بازگشت به طاعتت را از ايشان پذيرفتى قرار ده؛ اى عادل‏ترين عادلان!

خدايا! از تمام پدران و مادران و اهل دينمان بگذر؛ چه هر كه از ايشان درگذشته، و چه آنها كه تا روز قيامت خواهند آمد.

خدايا! بر محمد پيامبر ما و آلش درود فرست؛ همان گونه كه بر فرشتگان مقربت درود فرستادى، و بر او و آلش درود فرست؛ همان گونه كه بر پيامبران مرسلت درود فرستادى، و بر او و آلش درود فرست؛ همان گونه كه بر بندگان شايسته‏ات درود فرستادى، و برتر و بهتر از آن را، اى پروردگار جهانيان، درودى كه بركتش به ما رسد، و سودش نصيب ما شود، و به خاطر آن دعايمان مستجاب گردد. تو بزرگوارتر كسى هستى كه به او روى آورده شده، و بى‏نياز كننده‏تر كسى هستى كه به او اعتماد شده، و بخشنده‏تر كسى هستى كه احسانش درخواست شده، و تو بر هر كارى توانايى.

دعاى 46 بازگشت از نماز فطر و جمعه‏

اى آن كه رحم مى‏كند به كسى كه بندگان به او رحم نمى‏كنند! اى آن كه مى‏پذيرد كسى را كه كشورها نمى‏پذيرند! اى آن كه نيازمندان درگاهش را حقير و كوچك نمى‏شمرد! اى آن كه اصرار كنندگان به پيشگاهش را نااميد نمى‏كند! اى آن كه دست ردّ به سينه كسانى كه عمل خود را در برابر حضرتش بزرگ مى‏شمارند نمى‏زند! اى آن كه ارمغان و هديه كوچك را مى‏پذيرد، و اندك كارى كه برايش انجام مى‏گيرد، سپاس مى‏نهد! و اى آن كه عمل كم را قدرشناسى مى‏كند، و پاداش بزرگ مى‏دهد! و اى آن كه هر كه به او نزديك شود، به او نزديك مى‏شود! و اى آن كه هر كه را از او روى گردانده، به سوى خود مى‏خواند! و اى آن كه نعمت را تغيير نمى‏دهد، و به انتقام شتاب نمى‏ورزد! و اى آن كه نيكى را به بار مى‏نشاند تا آن را بيفزايد، و از بدى مى‏گذرد تا آن را محو و نابود كند!

آرزوها پيش از رسيدن به نهايت كرمت، حاجت روا برگشتند، و ظرف‏هاى طلب به فيض بخششت لبريز شدند و اوصاف پيش از رسيدن به وصفت، از هم گسيختند. برترى در بالاترين مرتبه‏اش، كه فراز هر برترى است مخصوص توست، و جلال امجد كه فوق هر جلال است، ويژه توست. هر بزرگى نزد تو

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 268

كوچك و هر شريفى در كنار شرفت حقير است.

آنان كه به سوى غير تو كوچ كردند، نااميد شدند، و آنان كه جز تو را خواستند، به خسارت نشستند، و آنان كه به درگاه غير تو فرود آمدند، تباه شدند، و نعمت خواهان جز آنان كه از فضل و احسان تو نعمت خواستند، دچار تهى دستى و قحطى شدند. باب رحمتت به روى علاقه‏مندان باز، وجود و سخايت براى گدايان رايگان، و فرياد رسيت به فرياد خواهان نزديك است.

آرزومندان از تو نوميد نمى‏شوند، و درخواست كنندگان از عطايت مأيوس نمى‏گردند، و آمرزش خواهان به كيفرت، بدبخت نمى‏شوند.

سفره روزيت براى گنهكاران پهن است، و بردباريت به جانب كسى كه با تو دشمنى ورزيد، روى آورنده است. عادتت احسان به بدكاران، و راه و روشت مهلت به متجاوزان است، تا جايى كه مدارايت، اينان را از بازگشت و توبه به درگاهت فريب داده و غافل ساخته، و مهلت دادنت، ايشان را از خوددارى از گناه باز داشته. جز اين نيست كه آنان را فرصت دادى، به خاطر اين كه به فرمانت باز گردند، و محض اطمينان به دوام فرمانرواييت مهلتشان دادى.

پس آن كه اهل سعادت بود، فرجام كارش را به سعادت ختم كردى، و آن كه اهل بدبختى بود، به بدبختى‏اش و اگذاشتى. همه اينان چه سعادتمندان و چه شقاوتمندان به حكم و حكومت تو باز مى‏گردند، و كارشان منتهى به فرمان تو مى‏شود. طولانى شدن زمان زندگى گنهكاران، قدرت پادشاهيت را سست نمى‏كند، و شتاب نورزيدن در عقوبت و بازپرسى آنان، برهان و دليلت را باطل نمى‏سازد. حجّتت استوار و پابرجاست و باطل نگردد، و پادشاهيت ثابت و هميشگى است و از بين نمى‏رود. پس عذاب دائم بر كسى كه از تو روى تافت، و نوميدى ذلّت بار براى كسى كه از تو نوميد شد، و بدترين تيره بختى براى كسى كه به رحمت و كرم تو مغرور گشت.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 269

چه بسيار دگرگونى‏هايى كه در عذابت براى او هست، و چه بسيار زمان طولانى و درازى كه در عرصه كيفرت رفت و آمد خواهد داشت، و فرج و گشايش از چنين انسانى چه اندازه دور است، و از رهايى يافتن از جهنّم به آسانى و سهولت، چه بسيار نااميد است. اين مجازات‏ها، بر اساس عدالت در حكم توست كه در آن ستم نمى‏كنى، و از انصاف در فرمان توست كه ظلمى در آن روا نمى‏دارى. همانا حجت‏هايت را براى بيدارى مردم، پى در پى آوردى و دليل و عذرت را به سوى آنان فرستادى، و تهديدت را يادآور شدى، و در ترغيب بندگان به ايمان و عمل، لطف و مدارا را به كار گرفتى، و براى بيدارى آنان مثل‏ها زدى، و مهلت به مردم را طولانى كردى. كيفر را به تأخير انداختى، در حالى كه بر شتابِ به عذاب توانا بودى، و فرصت دادى در صورتى كه بر عجله قدرت داشتى.

مدارايت از روى ناتوانى، و مهلت دادنت از باب سستى، و خودداريت به خاطر غفلت، و به تأخير انداختنت از روى مدارا و سازش نبود؛ بلكه براى اين بوده كه حجتت رساتر، و بزرگواريت كامل‏تر، و احسانت فراگيرتر، و نعمتت تمام‏تر باشد. تمام اينها بود و هست، و مى‏باشد و خواهد بود. حجتت برتر از آن است، كه بتوان همه آن را به دايره وصف كشيد، و بزرگيت بالاتر از آن است كه بتوان به عمق و ژرفاى آن رسيد، و نعمتت بيش از آن است كه كمترينش سپاس شود.

اكنون نبود زبان سخن، مرا از سپاسگزاريت ناتوان ساخته و خوددارى از بزرگداشتت، مرا عاجز و ناتوان كرده، و نهايت قدرتم اين است كه به درماندگى از سپاست اقرار كنم.

اى خداى من! اين درماندگى از سپاس نه از بى‏رغبتى؛ بلكه از ناتوانى من است. اينك منم كه آمدن به درگاه تو را قصد مى‏كنم، و از حضرتت توقع‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 270

پذيرايى نيك دارم. پس بر محمد و آلش درود فرست، و رازم را بشنو، و دعايم را مستجاب كن، و روزم را به نوميدى ختم مفرما، و نسبت به گداييم، دست ردّ به سينه‏ام نزن، و رفتنم را از نزدت، و بازگشتم را به سويت گرامى دار؛ زيرا هر چه را اراده كنى، از انجامش دچار سختى نمى‏شوى، و در برآوردن آن‏چه از تو خواسته شود، عاجز نمى‏باشى، و تو بر هر كارى توانايى، و حول و قوّه‏اى نيست جز به خداى بلند مرتبه بزرگ.

دعاى 47 دعاى روز عرفه‏

خدا را سپاس، كه مالك و مدبّر جهانيان است. خدايا! سپاس ويژه توست؛ اى پديد آورنده آسمان‏ها و زمين! اى صاحب جلال و اكرام! اى مالك همه اربابان و اى معبود هر معبود و خالق هر مخلوق و وارث هر چيز! چيزى شبيه او نيست و علم چيزى از او پنهان نمى‏ماند، و او به هر چيز احاطه دارد، و او بر هر چيز نگهبان است، تويى خدايى كه جز تو خدايى نيست، و يكتا و يگانه‏اى، فرد تنهايى. و تويى خدايى كه جز تو خدايى نيست، بزرگوار و ارجمندى، بزرگ و باعظمتى، كبير و متكبّرى، و تويى خدايى كه جز تو خدايى نيست، بلند مرتبه و بلند پايه‏اى، در انتقام‏گيرى سخت و شديدى، و تويى خدايى كه جز تو خدايى نيست، بخشنده و مهربانى، دانا و درست كارى، و تويى خدايى كه جز تو خدايى نيست، شنوا و بينايى، ازلى و آگاهى، و تويى خدايى كه جز تو خدايى نيست، بزرگوار و بزرگوارترى، هميشگى و جاودانه‏ترى، و تويى خدايى كه جز تو خدايى نيست، اوّلى پيش از هر كس، و آخرى پس از هر عدد، و تويى خدايى كه جز تو خدايى نيست، نزديك در عين بلندى مقامش، و بلند مقام در عين نزديكى‏اش، و تويى خدايى كه جز تو خدايى نيست، صاحب زيبايى و بزرگوارى، و كبريايى و حمدى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 274

و تويى خدايى كه جز تو خدايى نيست كه همه چيز را بدون مايه و اصل پديد آوردى، و آنچه را صورت و شكل دادى، بدون نمونه بردارى از چيزى شكل دادى، و آفريده‏ها را بدون اقتباس از نقشه‏اى آفريدى. تويى كه هر چيز را در نيكوترين وضع، اندازه‏گيرى كردى، و هر چيز را، از نظر تمام خصوصيات رو به راه فرمودى، و امور ماسواى خود را سامان دادى، تويى كه در ايجاد موجودات شريكى ياريت نداد، و در كارت وزيرى به پشتيبانيت برنخاست. و برايت در امور آفرينش شاهد و نظيرى نبود، تويى كه اراده كردى، پس هر چه را اراده كردى حتمى و قطعى شد، و قضاوت فرمودى، و آنچه را قضاوت كردى بر اساس عدالت بود، و حكم كردى، و آنچه را حكم كردى بر پايه انصاف بود.

تويى كه مكانى تو را فرا نمى‏گيرد، و سلطنتى در برابر سلطنتت به پا نخاست، و برهان و بيانى عاجزت نساخت. تويى كه هر چيز را به شمار آوردى، و براى هر چيزى مدت قرار دادى، و هر چيز را به خوبى اندازه گرفتى.

تويى كه دست انديشه‏ها از رسيدن به ژرفاى ذاتت كوتاه است، و فهم‏ها از درك چگونگى‏ات ناتوان است، و ديده‏ها جاى كجاييت را در نيابند. تويى كه ابتدا و انتهايى ندارى تا محدود شوى، و مانند موجودات نيستى كه پس از عدم موجود شده باشى، و فرزندى نياوردى، تا زاييده شده باشى، تويى كه برايت همتايى نيست تا با تو به ستيز برخيزد، و همانندى برايت نيست تا در قدرت و سطوت و توانايى، با تو پهلو به پهلو زند، و نظيرى برايت نيست، تا با تو از در مخالفت برآيد. تويى كه آغاز كرد و اختراع نمود، و پديد آورد و بدون نمونه آفريد و محكم و نيكو قرار داد ساختن آنچه را ساخت.

منزّه و پاكى؛ چه بزرگ است شأنت و چه بلند است در ميان جايگاه‏ها، جايگاهت، و چه آشكار كننده به حق است قرآنت، و موازينى كه براى جدا كردن حق از باطل قرار داده‏اى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 275

منزّه و پاك و مهربانى كه چه بسيار است مهربانيت، و رئوفى كه چه بسيار است رأفتت، و حكيمى كه چه بسيار است شناسايى‏ات.

منزّه و پاكى؛ پادشاهى كه دست معارضى به مرز پادشاهيت نرسد و بخشنده‏اى كه سفره بخشندگيت چه پهناور است؛ و بلند مرتبه‏اى، چه بلند مرتبه است رفعتت.

تو صاحب زيبايى و بزرگوارى‏و كبريايى و حمدى. منزّه و پاكى، دست قدرتت را به عطا كردن خوبى‏ها گشودى، و هدايت از نزد تو شناخته شد، پس هر كه تو را براى دين، يا دنيا بخواهد مى‏يابدت.

منزّه و پاكى، هر كس در عرصه علم تو قرار گرفته، برايت فروتنى كرد و جمع آفريده‏هايت، در برابر بزرگيت تواضع كردند، و همه مخلوقاتت در پيشگاه تو گردن بند تسليم به گردن انداختند.

منزّه و پاكى، به حواس ظاهرى درك نشوى و به حواس درون در نيايى، و به اعضا و جوارح لمس نگردى. مورد نيرنگ و كيد واقع نگردى، از بزرگى و عظمتت كنار زده نشوى، در معرض نزاع و مغلوبيت و جدال و فريب و مكر قرار نگيرى.

منزّه و پاكى، راهت روشن و هموار، دستورت هدايت است، و تو زنده و آقا و بى‏نيازى.

منزّه و پاكى، گفتارت درست و استوار، و قضايت قطعى، و اراده‏ات جزمى و مسلّم است.

منزّه و پاكى در برابر مشيتت ردّ كننده‏اى نيست و در مقابل كلماتت، تبديل كننده‏اى وجود ندارد.

منزّه و پاكى اى صاحب آيات روشن! اى به وجود آورنده آسمان‏ها! اى آفريننده موجودات!

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 276

تو را سپاس، سپاسى كه جاودانگيش به جاودانگيت ادامه پيدا كند و تو را سپاس؛ سپاسى كه همراه نعمتت پاينده باشد، و تو را سپاس؛ سپاسى كه با شماره آفريده‏هايت برابرى كند، و تو را سپاس؛ سپاسى كه بر خشنوديت بيفزايد، و تو را سپاس؛ سپاسى كه با سپاس هر سپاسگزارى توأم باشد، و شكرى كه شكر هر شاكرى از آن كوتاه آيد.

سپاسى كه سزاوار غير تو نباشد، و به وسيله آن جز به تو تقرّب جسته نشود؛ سپاسى كه باعث دوام سپاس اول، و علت درخواست دوام سپاس آخر شود؛ سپاسى كه بر اساس گردش زمان‏ها چند برابر گردد، و به افزايش‏هاى پى در پى فزونى يابد؛ سپاسى كه حافظان اعمال از شمردنش ناتوان شوند، و بر آنچه كاتبان اعمال در كتاب تو مى‏نويسند، افزون گردد؛ سپاسى كه با عرش مجيدت برابر، و با كرسى بلندت معادل شود؛ سپاسى كه پاداشش از جانب تو كامل گردد، و مزدش همه مزدها را فرا گيرد.

سپاسى كه ظاهرش موافق باطنش، و باطنش موافق صدق نيت باشد؛ سپاسى كه هيچ آفريده‏اى مانند آن را به جا نياورده، و كسى جز تو ارزشش را نشناسد، سپاسى كه هر كس در فراوان آوردنش بكوشد يارى شود، و هر كس در كامل آوردنش نهايت جديّت را به كار برد، تأييد گردد، سپاسى كه هر چه سپاس آفريده‏اى دارا باشد، و هر چه را پس از آن به وجود آورى، در برگيرد؛ سپاسى كه هيچ سپاس به كلامت از آن نزديك‏تر، و هيچ كس از آن كسى كه اين گونه سپاس مى‏گويد، سپاسگزارتر نباشد، سپاسى كه به سبب كرمت و محض كثرتش، باعث فزونى نعمت شود، و از باب احسان، پس از هر فزونى آن را به فزونى ديگر رسانى؛ سپاسى كه شايسته ذات كريمت باشد، و با عزّ جلالت برابرى كند.

پروردگارا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست؛ آن انسان پسنديده؛ برگزيده؛ گرامى و مقرّب، برترين درودهايت را، و بر او بركت نازل كن؛ كامل‏ترين‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 277

بركاتت را، و بر او رحمت آر؛ پر بهره‏ترين رحمت‏هايت را.

پروردگارا! بر محمّد و آلش درود فرست، درودى فزون‏پذير، كه درودى فزون پذيرتر از آن نباشد، و بر او درودى فزاينده فرست، كه درودى فزاينده‏تر از آن نباشد، و بر او درود فرست، درودى پسنديده، كه درودى بالاتر از آن نباشد.

پروردگارا! بر محمّد و آلش درود فرست؛ درودى كه او را خشنود كند و بر خشنوديش بيفزايد، و بر او درود فرست؛ درودى كه تو را خشنود كند، و بر خشنوديت به خاطر او بيفزايد، و بر او درود فرست؛ درودى كه براى او جز به آن خشنود نشوى، و غير او كسى را شايسته آن ندانى.

پروردگارا! بر محمد و آلش درود فرست؛ درودى كه از خشنودى تو فرا رود، و پيوندش به بقاى تو وصل شود، و پايان نپذيرد، چنانكه كلمات تو پايان نمى‏پذيرد.

پروردگارا! بر محمّد و آلش درود فرست، درودى كه درود فرشتگان و پيامبران و رسولان، و اهل طاعتت را به رشته نظم درآورد، و شامل درود بندگانت، از جن و انس و پذيرندگان دعوتت گردد، و درود هر كه را از انواع آفريده‏هايت به وجود آوردى و پديد كردى، گرد آورد.

پروردگارا! بر او و آلش درود فرست؛ درودى كه هر درود گذشته و جديد را در برگيرد، و بر او و آلش درود فرست؛ درودى كه نزد تو و غير تو پسنديده باشد، و علاوه بر آن درودهايى را ايجاد كنى كه در كنارش درودهاى گذشته را چند برابر كنى، و با گذشت روزگاران چندان بر آن بيفزايى، كه كسى جز تو نتواند آن را به شماره آورد.

پروردگارا! بر پاكيزه‏تران از اهل بيت او درود فرست؛ اهل بيتى كه براى اجراى فرمانت انتخاب كردى، و آنان را خزانه داران دانشت، و حافظان دينت، و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 278

جانشينانت در زمينت، و حجت‏هايت بر بندگانت قرار دادى، و آنان را به اراده‏ات، از پليدى و آلودگى به طور كامل پاك كردى، و وجود مباركشان را وسيله‏اى به سوى خود، و راه مستقيمت به جانب بهشتت قرار دادى.

پروردگارا! بر محمّد و آلش درود فرست؛ درودى كه به سبب آن، بخشش و بزرگواريت را در حق آنان بزرگ گردانى، و عطا و بخشش‏هاى افزونت را براى آنان كامل گردانى، و نصيب آنان را از نيكى‏ها و بهره‏هايت سرشار فرمايى.

پروردگارا! بر پيامبر و آلش درود فرست؛ درودى كه آغازش را مرزى، و مدتش را پايانى، و آخرش را نهايتى نباشد.

پروردگارا! بر آنان درود فرست؛ هم پايه عرش؛ و آنچه غير عرش است به گنجايش آسمان‏ها و آنچه فوق آن‏هاست؛ درودى كه آنان را به قرب تو رساند، و مايه خشنودى تو و آنان شود، و براى هميشه به نظاير و امثال آن متّصل گردد.

خدايا! تو در هر زمان، دينت را به وجود امامى يارى دادى، زمانى كه او را نشانه‏اى براى بندگانت جهت يافتن راه حق و مشعلى فروزان در سرزمين‏هايت برپا داشتى، پس از آن كه رشته ارتباطش را به رشته ارتباط خود پيوند دادى، و او را سبب دست يابى به خشنوديت قرار دادى، و طاعتش را واجب و از نافرمانيش بيم دادى، و مردم را به فرمان بردن از دستوراتش و باز ايستادن از نهيش، و پيشى نجستن بر حضرتش، و پس نماندن از وجود مقدسش دستور دادى. آرى، امام انتخاب شده تو، پناه پناهندگان و ملجأ مؤمنان، و دستگيره چنگ زنندگان، و زيبايى جهانيان است.

خدايا! سپاس گزاردن نعمت‏هايى كه به وليّت عنايت كردى، به او الهام فرما و ما را نيز به سپاسگزارى نعمت وجود ولى الهام كن، و از جانب خويش به حضرت او، قدرت و سلطنت يارى دهنده عنايت فرما، و درِ فتح و پيروزىِ آسانى را به رويش بگشا. و او را به نيرومندترين تكيه گاه خود يارى ده، پشتش‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 279

را محكم و بازويش را قوى فرما، و به نظر عنايت و لطفت او را در سايه رعايتت قرار ده، و به حفظت او را حمايت كن، و به فرشتگانت او را يارى ده، و به نيرومندترين سپاهت مددش فرما، و به وسيله او قرآنت و حدودت و شرايعت، و روش‏هاى رسولت را- كه درودت بر او و آلش- به پادار. آنچه از نشانه‏هاى دينت را ستمكاران ميرانده‏اند، به وجود امام زنده كن، و به وسيله او زنگار ستم را از راهت پاك كن، و ناهموارى را از جادّه‏ات برطرف فرما، و منحرفين از راهت را از ميان بردار، و آنان كه قصد ايجاد كجى و اعوجاج در دينت را دارند هلاك كن، و دلش را نسبت به دوستانت نرم، و دست قدرتش را عليه دشمنانت گشوده ساز، و مهربانى و رحمت و عطوفت و دل سوزيش را به ما ببخش، و ما را نسبت به او شنوا و فرمانبردار و در راه به دست آوردن خشنوديش كوشا، و در يارى و دفاع از او مددكار قرار ده، تا به وسيله اين امور، به تو و به رسولت كه درودت بر او و آلش باد، تقرّب جوييم.

خدايا! بر دوستان محمّد و آل محمّد درود فرست؛ دوستانى كه به مقامشان اقرار دارند؛ پيرو راهشان هستند؛ دنباله‏رو آثارشان مى‏باشند، چنگ زننده به دستگيره محكم و استوارشان هستند؛ به ولايتشان تمسّك دارند؛ به امامتشان اقتدا مى‏كنند؛ به امرشان تسليم‏اند، در فرمانبردارى از آنان كوشايند؛ منتظر حكومت و قدرت پيروزى آنانند؛ چشم دوخته به ايشانند. درودهاى مبارك، پاكيزه، فزاينده صبحگاهان و شامگاهان بر آنان باد و بر ارواحشان درود فرست، و كارشان را بر اساس تقوا فراهم آور، و شؤون زندگى و احوالشان را اصلاح كن و توبه آنان را بپذير؛ همانا تو بسيار توبه‏پذير و مهربانى، و بهترين آمرزندگانى، و ما را به رحمتت همراه آنان در جايگاه امن و امان قرار ده، اى مهربان‏ترين مهربانان!

خدايا! اين روز، روز عرفه است؛ روزى كه آن را شرافت و كرامت و عظمت‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 280

دادى؛ سفره رحمتت را در آن گستردى و در آن به عفوت بر بندگان منّت نهادى، و عطايت را در آن بزرگ كردى، و به وسيله آن بر بندگانت تفضّل و احسان فرمودى.

خدايا! من بنده تو هستم كه پيش از آفريدنش، و پس از به وجود آمدنش، بر او انعام كردى؛ پس او را از جمله كسانى قرار دادى، كه به آيينت هدايت كردى، و براى اداى حقّت توفيقش دادى، و با ريسمان رحمت و لطفت حفظش كردى، و در حزب خود واردش كردى و به دوستى دوستانت و به دشمنى دشمنانت ارشادش كردى. سپس او را دستور دادى، ولى فرمان نبرد. از زشتى‏ها بازش داشتى، ولى باز نايستاد. از معصيتت نهيش فرمودى، ولى امرت را مخالفت كرد و به جانب نهيت شتافت، نه از باب دشمنى با تو و گردنكشى در برابر تو؛ بلكه هواى نفسش او را به چيزى دعوت كرد كه تواش از آن دور كردى و بر حذر داشتى، و دشمنت و دشمنش او را در اين زمينه كمك داد، تا در عين معرفت به تهديدت بر گناه اقدام كند، در حالى كه به عفوت اميدوار، و به گذشتت اطمينان داشت. در صورتى كه او با اين همه محبّتى كه در حقش مبذول داشتى، و اين همه نعمتى كه به او بخشيدى، سزاوارترين بندگانت بود كه مرتكب معصيت نشود، و قدم در عرصه گناه نگذارد.

اينك منم كه در برابرت قرار دارم، خوار، ذليل، فروتن، متواضع، ترسان، و معترف به گناهان بزرگى كه بر دوش برداشته‏ام، و خطاهاى سنگينى كه مرتكب شده‏ام، در حالى كه به چشم پوشيت پناهنده، و به رحمتت متمسّكم. يقين دارم كه امان دهنده‏اى مرا از عذابت امان نمى‏دهد، و باز دارنده‏اى مرا از كيفرت باز نمى‏دارد؛ بنابراين اى كه به خاطر بدكرداريم از من روگردانده‏اى، به من بازگرد؛ همان گونه كه با پوششت نسبت به كسى كه مرتكب گناه شده باز مى‏گردى، و از عفوت به من ببخش؛ همان گونه كه از عفوت به تسليم شده به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 281

حضرتت مى‏بخشى، و با آمرزشت بر من منّت گذار؛ همان گونه كه از آمرزشت بر كسى كه نسبت به تو اميدوار است منّت مى‏گذارى. اين كار در نظرت بزرگ نمى‏آيد.

و در اين روز نصيبى برايم قرار ده، كه به سبب آن به بهره‏اى از خشنوديت دست يابم، و مرا از آنچه كوشش كنندگان در عبادتت به آن باز مى‏گردند،- كه پاداش و ثواب عظيم توست- تهى دست باز مگردان. من گرچه اعمال شايسته‏اى كه آنان پيش فرستادند، پيش نفرستادم، ولى توحيدت و نفى همانند و همتاها و شبيه‏ها را از وجود مباركت پيش فرستادم، و از همان درهايى كه فرمان دادى از آنها وارد بر تو شوند، وارد شدم و با وسيله‏اى به تو تقرّب جستم كه كسى جز با تقرّب به آن، به مقام قرب تو نرسد. سپس با توبه و زارى به پيشگاهت و اظهار ذلّت و مسكنت برايت، و حسن ظنّ به حضرتت، و اعتماد به آنچه كه نزد توست، تقرّب جويى را دنبال كردم، و اميد به تو را كه كمتر اميدوارى با داشتن آن نوميد مى‏شود، ضميمه آن كردم و از تو درخواست كردم؛ درخواست شخص كوچك، خوار، نيازمند، تهى دست، ترسان و پناه خواه. با اين حال، درخواستم از روى بيم و زارى و پناه خواهى و ملجأطلبى بود؛ نه از روى گردن كشى به مانند كبر متكبّران، و نه از روى خاطر جمعى؛ به مانند خاطر جمعى مطيعان، و نه از روى بلند پروازى؛ مانند بلند پروازى كسى كه به شفاعت شفيعان مطمئن است. و من گذشته از اين، كمترين كمتران و خوارترين خواران و همانند ذرّه يا كوچك‏تر از آنم.

اى كه در كيفر بدكاران شتاب نكردى و نعمت ناز پروردگانِ غرق در عيش و نوش را منع ننمودى! اى كه به گذشت از لغزش بر لغزش داران منّت مى‏نهى، و به مهلت دادن به خطاكاران، تفضّل مى‏ورزى! منم بدكار، منحرف به گناه، خطاكار، لغزش‏دار. منم كه از روى جرأتِ بر تو اقدام به گناه كردم. منم كه از

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 282

روى عمد تو را معصيت كردم. منم كه خود را به وقت گناه از بندگانت مخفى كردم؛ ولى آشكارا به مخالفت با تو برخاستم. منم كه از بندگانت ترسيدم؛ ولى خود را از تو ايمن و آسوده ديدم. منم كه از عذابت نهراسيدم و از عقاب و خشمت نترسيدم. منم كه بر خود جنايت كردم. منم كه در گرو بلاهاى خود هستم.

منم كه حيايم اندك است، و گرفتارى و رنجم طولانى است. به حق آن كه او را از ميان آفريده‏هايت اختيار كردى، و به كسى كه براى خود برگزيدى، به حق كسى كه از ميان مخلوقاتت انتخاب كردى، و براى شأن خود پسنديدى، به حق كسى كه طاعتش را به طاعت خود وصل كردى و نافرمانيش را هم چون نافرمانى خود قرار دادى، به حق كسى كه دوستيش را به دوستيت مقرون ساختى و دشمنيش را به دشمنيت ارتباط دادى. مرا امروز به جامه عفو و رحمتت بپوشان؛ چون پوشاندن بر كسى كه به پيشگاهت زارى و ناله كرد، و از گناهش بيزارى جست، و در حال توبه و درخواست آمرزشت به تو پناه آورد، و مرا همان گونه كه اهل طاعتت و اهل قرب در درگاهت و منزلت و مقام در پيشگاهت را سرپرستى مى‏كنى، سرپرستى كن.

و مرا مخصوص گردان، به آنچه مخصوص مى‏گردانى كسى را كه به پيمانت وفا كرده و خود را براى تو به زحمت انداخته و در به دست آوردن خشنوديت خود را خسته كرده، و مرا به خاطر كوتاهى در حقّت، و تجاوز از اندازه و قدرم نسبت به حدودت، و پا فرا گذاشتن از عرصه گاه احكامت مؤاخذه مكن، و مرا به مهلت دادنت به بلاى استدراج مبتلا مكن. «استدراج عبارت است از واگذاشتن عبد به خودش تا قدم به قدم و كم كم به گناهش ادامه دهد، و در عذابش شتاب نشود تا خداوند ناگهان و غافل گيرانه او را فراگيرد.» مانند استدراج كسى كه خير و نيكى نزدش را از من بازداشته، و براى تو در رسيدن نعمتش به من حسابى باز نكرده.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 283

مرا از خواب بى‏خبران، و خواب آلودگى اسراف كنندگان، و چرتِ به خود واگذاشتگان بيدار كن.

و دلم را در مسيرى بر، كه اطاعت كنندگان را به آن گماشته‏اى، و عبادت كنندگان را بر آن داشته‏اى، و مسامحه كاران را به آن نجات داده‏اى، و مرا از آنچه موجب دورى از تو مى‏شود، و ميان من و بهره‏ام حايل مى‏گردد، و از آنچه نزد تو مى‏جويم باز مى‏دارد، پناه ده، و پوييدن راه خيرات به سويت و پيشى گرفتن به آنها را به صورتى كه دستور دادى، و رقابت در آنها را به نحوى كه خواستى برايم هموار كن.

و مرا در زمره كسانى كه تهديدت را سبك مى‏شمارند، و به اين خاطر نابودشان مى‏كنى نابود مكن. و همراه كسانى كه متعرّض خشمت مى‏شوند، و به اين علّت هلاكشان مى‏كنى، هلاك مكن، و در جمع كسانى كه از راه‏هايت منحرف مى‏شوند، و به اين جهت درهمشان مى‏كوبى، درهم مكوب، و مرا از گرداب‏هاى فتنه نجات ده، و از گلوگاه‏هاى بلا خلاص كن، و از غافلگير شدن در عرصه مهلت پناه ده، و بين من و دشمنى كه گمراهم مى‏كند، و هواى نفسى كه نابودم مى‏نمايد، و نقصى كه در تنگنايم قرار مى‏دهد، فاصله انداز.

از من روى مگردان، هم چون روى گرداندن از كسى كه پس از خشمت از او خشنود نمى‏شوى، و از اميد به حضرتت نااميدم مكن، تا يأس از رحمتت بر من چيره شود، و بيرون از تحمل و طاقتم نعمت به من عطا مكن، كه از فزونى محبتى كه بر دوش جانم مى‏گذارى، گرانبارم كنى، و مرا از دست لطف و رحمتت رها مكن؛ هم چون رها كردن كسى كه خيرى در او نيست، و نيازى به او ندارى، و راه بازگشتى برايش وجود ندارد، و مرا مانند كسى كه از نظر التفاتت افتاده، و هم چون كسى كه رسوايى از سوى تو تمام وجودش را فرا گرفته دور مينداز، بلكه مرا از سقوط در افتادگان و هول و هراس گمراهان، و لغزش فريب‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 284

خوردگان، و پرتگاه تباه شدگان حفظ فرما.

و از آنچه اصناف مردان و زنان را به آن دچار كرده‏اى. عافيتم ده و به مقامات و درجات كسى برسان، كه به او عنايت داشتى، و نعمتش بخشيدى، و از وى خشنود شدى، و برايش زندگى ستوده و خوبى تدارك ديدى، و او را سعادتمند از دنيا بردى، و گردن بند قطع شدن از آنچه خوبى‏ها را تباه مى‏كند، و بركات را از بين مى‏برد، به گردنم انداز، و پرده باز ايستادن از زشتى‏ها، و رسوايى‏هاى گناهان را بر قلبم بپوشان، و مرا به كارى هم چون طلب رزق و روزى، و پى‏گيرى امور دنيا و مانند آن، كه جز با كمك تو به آن نمى‏رسم، چنان سرگرم و مشغول مكن تا از عبادت و طاعتى كه غير آن، تو را از من خشنود نمى‏كند باز مانم.

و از سويداى قلبم، عشق دنياى پست را كه مرا از آن‏چه نزد توست باز مى‏دارد، و از طلب وسيله براى رسيدن به پيشگاهت مانع مى‏شود، و از به دست آوردن مقام قرب به تو بى‏خبر مى‏كند ريشه كن فرما، و تنها شدن براى راز و نياز با خودت را، شب و روز را در نظرم بياراى، و به من مقام عصمت و خود نگاه دارى و پرهيزى كه وجودم را به خشيتت نزديك مى‏كند، و از ارتكاب محرّمات جدايم مى‏سازد، و از اسارت گناهان كبيره آزادم مى‏كند، عنايت فرما، و پاك شدن از آلودگى گناه را به من ببخش، و چرك خطاها را از وجودم بزداى، و مرا به جامه عافيتت بپوشان.

و رداى عفوت را در برم كن، و به نعمت‏هاى كامل و فراگيرت فراگير، و احسان و نعمتت را پى در پى به من برسان، و به توفيق و راهنماييت ياريم فرما، و بر نيّت شايسته و گفتار پسنديده و عمل نيك نصرتم ده، و مرا بدون قدرت و تواناييت به قدرت و توانايى وامگذار.

و روزى كه مرا براى ديدارت برانگيزى خوار مكن، و پيش روى دوستانت‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 285

رسوا مساز، و يادت را از خاطرم به دست فراموشى مسپار، و نيروى اداى شكرت را از من سلب مكن؛ بلكه در حالات فراموشى، هنگام فراموشى‏هاى نادانان نسبت به نعمت‏هايت، مرا ملازم شكر و سپاسگزاريت قرار ده، و به من الهام كن كه به ستايش بر آنچه عطايم كرده‏اى برخيزم، و نسبت به احسانى كه به من فرموده‏اى اعتراف كنم. رغبتم را به سويت بالاتر از رغبت راغبان، و سپاسم را نسبت به حضرتت، برتر از سپاس سپاسگزاران قرار ده.

و مرا هنگام نياز به سويت وامگذار، و به خاطر گناهانى كه به پيشگاهت ريخته‏ام هلاكم مكن، و آن گونه كه با دشمنانت برخورد بد كردى، با من مكن؛ چرا كه من تسليم و سر سپرده توام. مى‏دانم كه تو را بر من از هر جهت حجّت است. تو از همه كس به بخشش سزاوارترى، و به احسان خو كرده‏ترى، و اهل تقوا و آمرزشى.

و به عفو كردن شايسته‏تر از عذاب كردنى، و به پرده پوشى، از پرده درى نزديك‏ترى. بر اين اساس مرا زنده دار؛ به زندگى پاكيزه‏اى كه بر آنچه از خير دنيا و آخرت مى‏خواهم بپيوندد، و به آنچه دوست دارم برساند؛ آن گونه كه هيچ عملى كه آن را ناپسند مى‏دارى، انجام ندهم و آنچه را نهى كرده‏اى مرتكب نشوم، و مرا بميران مانند ميراندن كسى كه نورش از پيش رويش، و از جانب راستش حركت مى‏كند.

و مرا پيش رويت ذليل و نزد بندگانت عزيز فرما. هنگامى كه با تو خلوت مى‏كنم، حقير و پستم كن؛ ولى در ميان بندگانت بلند مرتبه‏ام فرما.

از آن كه از من بى‏نياز است بى‏نيازم كن، و بر ندارى و تهيدستيم در پيشگاه خود بيفزا، و از سرزنش دشمنان، و نزول بلا و خوارى و رنج پناهم ده.

گناهانى را كه از من خبر دارى، بر من بپوشان؛ آن گونه كه تواناى بر انتقام مى‏پوشاند؛ توانايى كه اگر بردباريش نبود، انتقام مى‏گرفت، و مؤاخذه كننده بر

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 286

گناه بود، اگر مدارايش نبود.

و زمانى كه در حق قومى، فتنه يا بدى بخواهى، مرا از باب اين كه به تو پناه آورده‏ام، از آن فتنه و بدى نجات ده، و چون مرا در دنيايت، در موقف رسوايى به پا نداشتى، به همان صورت در جهان آخرت در چنان موقفى به پا مدار.

براى من اوايل نعمت‏هايت را به اواخر آن، و سودهاى ديرينه‏ات را با تازه‏هاى آن توأم ساز.

آن قدر مهلتم مده كه در كنار آن سنگدل شوم، و مرا دچار بلاى كوبنده‏اى مكن كه محض آن آبرويم از بين برود، و بر من داغ پستى و حقارت مزن كه به خاطر آن ارزشم ناچيز شود، و نقصى در من قرار مده، كه به سبب آن قدر و منزلتم مجهول ماند، و آن چنانم مترسان كه به وسيله آن نااميد شوم، و آن گونه بيمم مده كه در برابرش هراسناك گردم.

ترسم را در تهديدت و پرهيزم را از اتمام حجّت و هشدارت، و بيمم را هنگام تلاوت آياتت قرار ده.

شبم را به بيدار كردنم براى بندگيت، تنهاييم را براى شب زنده دارى به خاطر حضرتت، و مجرّد بودنم را براى انس گرفتن به وجود مقدّست، و فرود آوردن حاجاتم به درگاهت، و روبه‏رو شدنم را با ذات مباركت براى آزاد شدنم از آتش، و پناه دادنم را از عذابت كه اهل جهنّم در آنند، آبادى زندگيم قرار ده.

و مرا تا زمان مرگم در سركشيم سرگردان و در گرداب نادانيم بى‏خبر وامگذار، و بر اثر خلاف كارى‏ها، مايه پند براى كسى كه پند پذيرد، و عبرت براى كسى كه عبرت گيرد، و سبب فتنه و آزمايش براى كسى كه نظر كند قرار مده.

و با من در زمره كسانى كه با آنان مكر مى‏كنى، مكر مكن، و در ايمان و عمل ديگرى را به جاى من انتخاب مكن، و نامم را از دفتر سعادتمندان تغيير مده، و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 287

بدنم را دگرگون مساز، و مرا مضحكه بندگانت و مسخره خود قرار مده، و مرا جز براى دنبال كردن خشنوديت و انتقام گرفتن از دشمنانت به خدمت مگير.

و مرا از خنكى عفوت و شيرينى رحمتت، و روح و ريحانت و بهشت دائميت كامياب كن، و به سبب گشايشى از توانگريت، مزه فراغت از دل مشغولى نسبت به دنيا و آنچه در آن است، و پرداختن به امورى كه دوست دارى، و نيز طعم كوشش نسبت به آنچه عامل تقرّب به پيشگاه تو و در نزد توست به من بچشان، و ارمغانى از ارمغان‏هايت را نصيب من فرما.

و تجارتم را سودمند و بازگشتم را به قيامت بى‏خسارت قرار ده، و مرا از مقامت بيمناك و به لقايت مشتاق فرما، و به من توفيق توبه عنايت كن؛ توبه‏اى خالص كه با آن هيچ گناه بزرگ و كوچكى را باقى نگذار، و هيچ گناه آشكار و پنهانم را وامگذار، و كينه مؤمنان را از دلم ريشه كن فرما، و دلم را نسبت به فروتنان مهربان كن و با من چنان باش كه با شايستگانى.

و به زيور پرهيزكارانم بياراى، و برايم ياد خوبى در باقى ماندگان و آوازه روزافزونى در ميان آيندگان قرار ده، و مرا از نظر مقام و منزلت، در عرصه گاه پيشتازان به ايمان و عمل درآور، و گستردگى نعمتت را بر من كامل كن، و كرامت‏هاى نعمتت را نزد من پى در پى قرار ده. دستم را از عطاهايت پُر كن، و موهبت‏هاى گرانقدرت را به سويم فرست، و مرا همسايه پاكيزه‏ترين دوستانت در بهشتى كه براى برگزيدگانت آراسته‏اى قرار ده، و مرا به عطاياى بزرگت، در مقاماتى كه براى عاشقانت آماده كرده‏اى، بپوشان.

و برايم نزد خود جايگاهى قرار ده كه با دلى آرام در آن پناه گيرم، و منزلى كه در آن سكونت گزينم و ديده به آن روشن كنم، مرا با گناهان بزرگ مقايسه مكن، و در آن روزى كه اسرار برملا شود، هلاكم مگردان و هر شك و شبهه‏اى را از من پاك كن، و از هر رحمتى به سوى حق راهى برايم قرار ده، و نصيب مواهبم‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 288

را از عطايايت سرشار فرما، و بهره‏هاى احسان از فضل و بخششت را بر من فراوان كن.

و دلم را نسبت به آنچه نزد توست مطمئن ساز، و آهنگ و قصدم را براى آنچه كه براى توست، از هر چيز ديگر فارغ كن. و مرا به كارى كه بندگان خالصت را محض آن به كار گرفتى، به كار گير و قلبم را از طاعتت به هنگام غفلت عقل‏ها نسبت به حقايق سيراب كن، و توانگرى و پاك دامنى، و آسايش و بهبودى و تندرستى، گشايش و آرامش و سلامت همه جانبه برايم گرد آور.

و خوبى‏هايم را با گناهى كه با آنها آميخته مى‏شود، و خلوت‏هايم را به وسوسه‏ها و مفاسدى كه از طريق آزمايشت برايم پيش مى‏آيد تباه مساز، و آبرويم را از اين كه دست گدايى نزد كسى از جهانيان دراز كنم حفظ فرما، و از طلبيدن آنچه نزد فاسقان است بركنارم دار، و مرا پشتيبان ستم كاران، و دست يار و ياور آنان براى نابود كردن قرآنت قرار مده، و از جايى كه خود آگاه نيستم، چنان نگاهبانم باش كه به سبب آن از هر ناراحتى محفوظم بدارى و درهاى توبه و رحمت و مهربانى و روزى فراخ را به رويم بگشا. من از رغبت كنندگان به سوى توام. نعمت دادنت را درباره‏ام كامل فرما، همانا تو بهترين نعمت دهندگانى.

و باقى مانده عمرم را براى طلب كردن خشنوديت در حجّ و عمره قرار ده، اى پروردگار جهانيان! و درود خدا بر محمد و آل پاك و پاكيزه‏اش و سلام بر او و بر آنان؛ سلامى پيوسته و جاودانه!

دعاى 48 عيد قربان و روز جمعه‏

خدايا! امروز، روز مبارك و ميمونى است. مسلمانان در اين روز در نواحى زمينت جمعند؛ مسلمانان سائل و خواهنده و اميدوار و ترسان، در اجتماعات حاضر مى‏شوند و تو به جود و كرمت بيناى به حاجات آنانى، و آسان بودن مسئلتم در دايره قدرتت، از حضرتت مى‏خواهم كه بر محمد و آلش درود فرستى.

خدايا! پروردگارا! از تو درخواست مى‏كنم، به اين خاطر كه فرمانروايىِ بر هستى از آنِ توست و سپاس، ويژه حضرت توست. خدايى جز تو نيست، بردبار و كريمى، مهربان و بسيار نعمت دهنده‏اى، داراى عظمت و اكرامى، پديد آورنده آسمان‏ها و زمينى، هر مقدار بين بندگان مؤمنت تقسيم مى‏كنى، از خير يا سلامتى همه جانبه يا بركت يا هدايت يا عمل به طاعت، يا خير خاصّى كه به سبب آن بر آنان منّت مى‏نهى و به واسطه آن به سوى خودت هدايتشان مى‏كنى، يا در پيشگاهت درجه آنان را بالا مى‏برى، يا از بركت آن خيرى از خير دنيا و آخرت به آنان عنايت مى‏كنى، بهره و نصيب مرا از آن خير، سرشار و فراوان گردانى.

خدايا! از تو مى‏خواهم به اين خاطر كه فرمانروايى و حمد ويژه توست و خدايى جز تو نيست، به اين كه بر محمّد، بنده ات و فرستاده‏ات و حبيبت و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 292

برگزيده‏ات و اختيار شده از آفريده‏هايت، و بر آل محمّد، نيكوكاران، پاكان و خوبان درود فرستى؛ درودى كه هيچ كس جز تو قدرت شمردن آن را نداشته باشد، و ما را در دعاى شايسته هر كس از بندگان مؤمنت كه تو را در اين روز مى‏خواند، شريك كنى، اى پروردگار جهانيان! و ما و ايشان را بيامرزى كه تو بر هر كارى توانايى.

خدايا! با حاجتم آهنگ درگاه تو كردم، و بار تهيدستى و ندارى و بيچارگيم را به درگاهت فرود آوردم، و من به آمرزش و رحمتت تا به عمل و كردارم مطمئن‏ترم، و هر آينه آمرزش و رحمتت از گناهانم وسيع‏تر است؛ پس بر محمد و آل محمّد درود فرست.

روا كردن هر حاجتم را خود بر عهده گير؛ به خاطر قدرتى كه بر روا كردنش دارى، و آسان بودنش در برابر نيرومنديت، و محض نيازم به حضرتت، و بى‏نيازيت از من. مسلماً من به خيرى نرسيدم جز از جانب تو، و هرگز احدى شرّى را از من برنگرداند غير تو، و در امر آخرت و دنيايم به كسى جز تو اميد ندارم.

خدايا! هر كس براى وارد شدن به مخلوقى، به اميد صله و بخشش و درخواست خير و جايزه‏اش، تهيه ساز و برگ كرد و آماده و حاضر و مهيا شد؛ امّا اى مولاى من! فراهم آوردن ساز و برگم و آماده شدنم و حاضر گشتنم و مهيا شدنم، فقط براى وارد شدن بر توست؛ آن هم به اميد عفو و صله‏ات و درخواست خير و جايزه‏ات.

خدايا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و آن اميدم را در اين روز، به نااميدى تبديل مكن. اى كه درخواست كننده‏اى او را به مشقت نمى‏اندازد، و بخششى از توانگريش نمى‏كاهد! من از جهت اعتماد به عمل شايسته‏اى كه از پيش فرستادم و به اميد شفاعت آفريده‏اى، جز شفاعت محمّد و اهل بيتش- كه‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 293

درود و سلامت بر او و بر آنان باد.- به پيشگاهت نيامدم. آمدم در حالى كه به گناه و بديم نسبت به خود معترفم كه آمدم و به عفو عظيمى كه به وسيله آن از خطاكاران گذشتى اميد دارم. سپس طول توقّفشان بر گناه بزرگ حضرتت را از اين كه با رحمت و مغفرت به آنان رو كنى بازنداشت. اى كه رحمتش گسترده، و عفوش بزرگ است، اى بزرگ! اى بزرگ! اى كريم! اى كريم! بر محمّد و آل محمّد درود فرست. به رحمتت به من بازگرد و به احسانت بر من شفقت ورز، و به آمرزشت بر من گشايش ده.

خدايا! اين مقام اقامه نماز عيد قربان و جمعه كه مخصوص خلفايت و برگزيدگانت و جايگاه امناى توست در مرتبه بلندى است، كه آن را ويژه آنان قرار دادى؛ ولى غاصبان و غارتگران اين مقام را از آنها به غارت بردند و تو تقدير كننده آنى. فرمانت مغلوب كسى نشود، و از تدبير حتمى‏ات هر گونه كه بخواهى و هر زمان كه بخواهى فراتر نتوان رفت؛ به سبب اين كه تو آگاه‏تر به امورى و نسبت به آفريدنت و اراده‏ات متهم نيستى. كار اين غارتگرى نسبت به جايگاه عظيم عيد و جمعه، تا آن جا رسيد كه برگزيدگانت و خلفايت، مغلوب و شكست خورده و حق به غارت رفته شدند. مى‏ديدند كه حكم و فرمانت تغيير يافته، كتابت دور انداخته شده، واجباتت از مسير شرايعت به دست تحريف افتاده، و سنت‏هاى پيامبرت متروك مانده است.

خدايا! دشمنانشان را از اوّلين و آخرين و هر كه به كردارشان راضى شد، و طرفداران و پيروانشان را لعنت كن.

خدايا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست؛ همانا تو ستوده و بزرگوارى. مانند درودهايت و بركاتت و تحيّاتت بر برگزيدگانت، ابراهيم و آل ابراهيم، و در گشايش كار و آسايش و يارى و تسلط و تأييد ايشان تعجيل فرما.

خدايا! مرا اهل توحيد و ايمان به خود و تصديق به رسولت، و امامانى كه‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 294

طاعتشان را واجب فرموده‏اى قرار ده؛ آن هم از جمله كسانى كه توحيد و ايمان به وسيله آنها و به دست آنان جريان پيدا مى‏كند، آمين، اى پروردگار جهانيان!

خدايا! خشمت را جز بردباريت بر نمى‏گرداند، و سخطت را جز عفوت رد نمى‏كند، و از عقابت جز رحمتت پناه نمى‏دهد، و مرا از عذاب تو جز زارى به درگاه تو و در برابر تو نجات نمى‏دهد؛ پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست. و ما را اى خداى من از سوى خود گشايش بخش؛ به قدرتى كه مردگان را به آن زنده مى‏كنى، و سرزمين‏هاى مرده را به حركت مى‏آورى.

اى خداى من! مرا از غصّه دورى از رحمتت هلاك مكن تا خواسته‏ام را اجابت فرمايى، و مرا از اجابت دعايم آگاه كنى، و مزه سلامت همه جانبه را تا پايان زندگيم به من بچشان و دشمن شادم مكن، و او را وبال گردنم مكن و بر من چيره مساز.

خداى من! اگر بلند مقامم كنى، كيست كه پستم كند؟ و اگر پستم كنى، كيست كه مرا بلند مقام كند؟ و اگر مرا گرامى دارى، كيست كه خوارم كند؟ و اگر خوارم كنى، كيست كه گراميم دارد؟ و اگر عذابم كنى، كيست كه به من رحم كند؟ و اگر مرا هلاك كنى، كيست كه درباره بنده‏ات به تو اعتراض كند يا از تو درباره‏اش بازخواست نمايد؟ و من به اين حقيقت پى برده‏ام كه در حكم و فرمانت ستمى نيست، و در كيفرت شتاب و عجله‏اى وجود ندارد، و جز اين نيست كه كسى در كيفر شتاب مى‏ورزد، كه بيم از دست رفتن فرصت را دارد، و جز اين نيست كه كسى به ستم نيازمند است كه ناتوان است، و تو اى خداى من از اين امور برتر و بسيار بالاترى.

خدايا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا هدف بالا و نشانه انتقام و مجازات قرار مده، و مهلتم ده و اندوهم را بزداى، و از لغزش‏هايم بگذر، و به بلايى دنبال بلا گرفتارم مكن؛ چرا كه ناتوانى و كمى تدبير و زاريم را به‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 295

درگاهت مى‏بينى.

خدايا! در اين روز از خشمت به تو پناه مى‏آورم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست، و پناهم ده، و در اين روز از سخط تو، از خودت امان مى‏خواهم، پس بر محمّد و آلش درود فرست، و امانم ده.

و ايمنى از عذابت را درخواست دارم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و ايمنم ساز و از تو هدايت مى‏خواهم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و هدايتم كن، و از تو يارى مى‏طلبم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و ياريم ده، و از تو درخواست رحمت مى‏كنم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و به من رحم كن، و از تو بى‏نيازى مى‏خواهم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و بى‏نيازم كن، و از تو درخواست روزى دارم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و روزيم ده و از تو كمك مى‏خواهم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و كمكم كن، و نسبت به گناهان گذشته‏ام از تو درخواست آمرزش دارم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و مرا بيامرز، و از تو حفظ و نگهدارى از شرور و آفات مى‏خواهم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و حفظم فرما؛ زيرا اگر اراده‏ات به پاكى من از گناه تعلّق گيرد، هرگز به آنچه آن را نمى‏پسندى باز نگردم.

اى پروردگارم! اى پروردگارم! اى بسيار مهربان! اى بسيار نعمت دهنده! اى صاحب جلال و اكرام! بر محمّد و آلش درود فرست. همه آنچه را از تو خواستم و مطالبه كردم، و به خاطر آن به جانب تو روى آوردم، برايم مستجاب كن و برايم بخواه و مقدّر فرما و حكم كن و به اجرا گذار، و در آنچه براى من حكم مى‏فرمايى، نيكى و خوبى مقرّر كن، و برايم در آن بركت قرار ده. و به واسطه آن بر من تفضّل فرماى، و به آنچه به من عطا مى‏كنى خوشبختم كن و از احسان و وسعتى كه نزد توست بر من بيفزاى. همانا تو واسع و كريمى، و همه اين مواهب را به خير و نعمت آخرت پيوسته ساز، اى مهربان‏ترين مهربانان!

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 296

آنگاه از حضرت حق هر چه را مى‏خواهى بخواه، و هزار بار بر محمّد و آلش درود فرست، كه حضرت زين العابدين عليه السلام چنين مى‏كرد.

دعاى 49 دفع شرّ دشمنان و ردّ فشار آنها

خداى من! راهنماييم كردى؛ ولى به كارهاى پوچ و بيهوده پرداختم، و پندم دادى؛ اما سنگدل شدم، و نعمت زيبا عطايم كردى، به نافرمانى گراييدم.

چون هدايت و نعمت و عطايت را به من شناساندى، و من به توفيقت آنها را شناختم، و به زشتى گناهانى كه در كنار اين همه مواهب انجام دادم آگاه شدم، از حضرتت درخواست آمرزش كردم، و تو مرا آمرزيدى و عذرم را پذيرفتى، باز به گناه برگشتم، و تو گناهم را پوشاندى و رسوايم نكردى.

خداى من! تو را سپاس. خود را در وادى هلاكت انداختم، و در درّه‏هاى تباهى و نابودى وارد شدم، با ورود به آن درّه‏ها، خود را در معرض سخت‏گيرى‏هايت قرار دادم، و با فرود آمدن به آنها، خود را در معرض عذاب‏هايت گذاشتم. براى نجاتم وسيله‏ام در پيشگاهت، توحيد، و دستگيره‏ام اين است كه چيزى را شريك تو قرار ندادم و همراه تو معبودى نگرفتم. با همه وجودم به سويت فرار كردم، گريزگاه بدكار و پناهگاه، آن كه سود و بهره خود را ضايع كرده، و پناهنده شده درگاه توست. چه بسيار دشمنى كه شمشير دشمنيش را عليه من از نيام بيرون كشيده و دم تيغش را عليه من تيز كرده، و سرِ نيزه‏اش را به قصد حمله بر من نازك ساخته و زهرهاى كشنده‏اش را به آشاميدنيم در

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 300

آميخته، و تيرهاى اصابت كننده‏اش را به سوى من نشانه رفته، و ديده نگهبانى و مراقبتش نسبت به من نخفته، تصميم گرفته كه مرا هدف شكنجه و آزار و ناراحتى قرار دهد، و جرعه تلخى و مرارتش را به كام من ريزد.

ولى اى خداى من! تو ناتوانيم را از تحمّل بارهاى گران و عجزم را از پيروزى، در برابر كسى كه آهنگ جنگ و مبارزه با من را دارد ديدى و تنهاييم را در برابر عدّه زيادى كه با من به عداوت و دشمنى برخاسته، و در حال بى‏خبرى من، در كمين گرفتار كردنم نشسته‏اند، مشاهده فرمودى. پيش از آن كه از تو يارى بخواهم، بى‏مقدمه به ياريم برخاستى، و پشتم را به نيرويت محكم كردى. سپس سطوت و صولت و تندى و تيزى دشمن را شكستى، و پس از آن كه در ميان عدّه‏اى انبوه، و افرادى فراوان جا داشت، تنهايش گذاشتى، و مرا بر او قدرت و برترى دادى، و آنچه را به سوى من نشانه رفته بود، به خودش برگرداندى، و او را از عرصه گاه جنگِ بر ضد من بازگرداندى، در حالى كه خشمش بهبودى نيافت، و كينه‏اش آرام نشد، و سرانگشتانش را به دندان گزيد، و رخ برتافت و به ميدان جنگ پشت كرد، در حالى كه سپاهيانش از آن‏چه وعده‏اش داده بودند، تخلّف كردند.

و چه بسيار متجاوزى كه با حيله‏هايش به حقوق من تجاوز كرد، و دام‏هاى شكارش را برايم نهاد، و مراقبت و نگهبانيش را بر من گماشت، و چون درنده‏اى كه به انتظار به دست آوردن فرصت، براى شكار كردن صيدش كمين نمايد، در كمين من نشست، در حالى كه خوش رويى چاپلوسى را برايم آشكار مى‏كند، و با شدّت خشم مرا مى‏پايد.

اى خداى من! پربركت و بلند مرتبه‏اى، هنگامى كه فساد باطن و زشتى آنچه را در دل و انديشه داشت ديدى، او را با مغز در آن گودالى كه براى شكار كنده بود در انداختى، و در پرتگاه حفره‏اش در افكندى، تا پس از سركشيش، با

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 301

خوارى و خفت در بند دامى كه فكر مى‏كرد مرا در آن ببيند گرفتار شد، و اگر رحمت تو نبود، آنچه بر سر او آمد، نزديك بود به سر من آيد.

و چه بسيار حسودى كه به خاطر من اندوه و غصه گلوگيرش شد، و شدّت خشمش نسبت به من در گلويش پيچيد، و با نيش زبان مرا آزار داد، و به عيوب خودش به من طعنه زد، و آبرويم را نشانه تيرهاى حسدش قرار داد، و صفات ناپسندى كه در وجود خودش بود، به گردن من انداخت، و با مكرش مرا دچار شدّت خشم كرد، و با نيرنگش آهنگ من نمود. اى خداى من! با فرياد خواهى از تو صدايت زدم، در حالى كه به سرعت اجابت دعايم اطمينان داشتم، و آگاه بودم كه هر كس در سايه حمايتت پناه گيرد، مورد ستم قرار نگيرد، و هر كس به پناهگاه يارى تو ملتجى شود، گرفتار ترس و وحشت نمى‏شود، و تو مرا به قدرتت از سختى و شرّ او حفظ كردى.

و چه بسيار ابرهاى ناپسند و تيره و زشتى كه از آسمان زندگيم برطرف فرمودى، و ابرهاى نعمتى كه بر من باريدى، جويبارهاى رحمتى كه در كشت زار حياتم روان كردى، و چه بسيار جامه‏هاى عافيتى كه بر من پوشاندى، و چشمه‏هاى حوادثى كه به خاك انباشتى، و پرده غم‏هايى كه از دلم برطرف كردى.

و چه بسيار گمان نيكى كه به تو داشتم، و تو آنها را محقق ساختى، و ندارى و فقرى كه جبران فرمودى، و افتادنى كه دستم را گرفتى و از آن بلند كردى، و مسكنت و فقرى كه به غنا و ثروت تغيير دادى. همه اينها از روى نعمت دهى و احسان تو بود، و من در عين غرق بودن در تمام آن مواهب و الطاف، نسبت به نافرمانيت در تلاش و كوشش بودم؛ ولى بدكاريم و زشتى كردارم، تو را از كامل كردن احسانت در حق من باز نداشت، و اين احسانت مرا از ارتكاب علل خشم تو منع نكرد.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 302

تو از آن‏چه انجام مى‏دهى بازخواست نمى‏شوى. از تو خواسته شد، عطا كردى و خواسته نشد، به عطا كردن آغاز فرمودى، و احسانت درخواست شد، بخل نورزيدى.

اى مولاى من! تو نخواستى مگر احسان و اكرام و نيكى كردن و نعمت دادن را، و من نخواستم مگر افتادن در محرّماتت و تجاوز از حدودت و غفلت از تهديدت را.

خداى من تو را سپاس؛ سپاس نسبت به نيرومندى كه مغلوب نمى‏شود و مهلت دهنده‏اى كه در عذاب كردن شتاب نمى‏ورزد. اين جايگاه كسى است كه به فراوانى نعمت‏ها اعتراف كرد، و با كوتاه آمدن از شكر نعمت‏ها، با نعمت‏ها به مقابله برخاست، و عليه خود به تباه كردن امورش گواهى داد.

خدايا! به مقام بلند و رفيع محمدى، و به ولايت روشن علوى به تو تقرّب مى‏جويم، و به واسطه آن دو بزرگوار به درگاهت رو مى‏كنم، كه مرا از شرّ فلان و فلان پناه دهى، كه اين پناه دهى در كنار تواناييت تو را به تنگنا نمى‏اندازد، و در جنب قدرتت تو را دچار زحمت و رنج نمى‏كند، و تو بر هر كارى توانايى.

اى خداى من! از رحمت و دوام توفيقت به من ببخش كه آن را نردبان رسيدن به خشنوديت قرار دهم، و به سبب آن از عقوبتت ايمن گردم، اى مهربان‏ترين مهربانان!

دعاى 50 مقام ترس از خدا

خدايا! مرا درست اندام و موزون و متناسب آفريدى، و در حالى كه كوچك و ناتوان بودم، پرورشم دادى، و به اندازه كافى روزيم بخشيدى. خدايا! در آنچه از قرآنت نازل فرمودى، و بندگانت را به آن مژده دادى يافتم كه فرمودى:

«اى بندگان من كه به سبب گناه بر خود اسراف كرديد! از رحمت خدا نوميد نشويد؛ مسلماً خدا همه گناهان را مى‏آمرزد.» در گذشته از من گناهانى سر زد كه به آنها آگاهى و خطاها و معصيت‏هايى بر عهده من است كه به اندازه و مقدار و كيفيت و چگونگى آنها از من داناترى؛ پس واى به رسوايى من از آنچه پرونده من ثبت كرده، پرونده‏اى كه تو براى نگارش اعمال مقرّر فرموده‏اى.

و اگر نبود محل‏ها و جايگاه‏هايى كه به عفوت كه فراگير هر چيز است اميد ببندم، خود را از دست مى‏دادم، و از نجاتم مأيوس مى‏شدم. اگر كسى مى‏توانست از پروردگارش بگريزد، من به خاطر اين همه گناهانم، براى اين كه دچار عذاب نشوم، به گريز از تو سزاوارتر بودم؛ تويى كه نه در زمين و نه در آسمان، رازى از تو پوشيده نيست، و آن را در عرصه گاه قيامت حاضر مى‏كنى، و همين بس كه تو كيفر دهنده و حسابگر باشى كه در كيفر و حساب، به افراد و اشخاص و آلات و ابزار نياز ندارى.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 306

خدايا! تو خواستار و جوينده منى اگر بگريزم، و تو دريابنده منى، اگر فرار كنم. اينك منم كه در برابرت قرار دارم، فروتن، خوار، بينى به خاك ماليده. اگر عذابم كنى سزاوار آنم، و عذاب اى پروردگار من از ناحيه تو عين عدالت است، و اگر از من بگذرى، برنامه تازه‏اى نيست؛ چرا كه از ديرباز گذشتت مرا فرا گرفته، و جامه عافيتت را بر من پوشانده‏اى.

خدايا! به حق نام‏هاى مباركت كه در دانش تو محفوظ است، و احدى از آن خبر ندارد، و به جمال و زيباييت كه پرده‏هاى نور آن را پوشانده، كه بر اين وجود بى‏تاب، و اين استخوان‏هاى كهنه پوسيده رحمت آرى. وجود ناتوانى كه توانايى گرمى آفتابت را ندارد، چگونه تاب گرمى آتشت را دارد؟! و قدرت شنيدن خروش رعدت را ندارد، چگونه توان شنيدن فرياد خشمت را دارد؟!

خدايا! به من رحم كن؛ زيرا كه من فردى حقير و قدر و منزلتم ناچيز است، و عذاب كردن من چيزى نيست كه به مقدار ذرّه‏اى در پادشاهى و فرمانرواييت بيفزايد، و اگر عذابم بر پادشاهيت مى‏افزود، صبر و شكيبايى بر آن را از تو درخواست مى‏كردم، و دوست داشتم كه اين فزونى براى تو باشد؛ امّا خدايا! سلطنتت بزرگ‏تر و پادشاهيت باداوم‏تر از آن است كه طاعت مطيعان بر آن بيفزايد، يا معصيت گناهكاران از آن بكاهد؛ پس به من رحم كن، اى مهربان‏ترين مهربانان! و از من گذشت كن، اى صاحب جلال و اكرام! و توبه‏ام را بپذير كه تو بسيار توبه‏پذير مهربانى.

دعاى 51 تضرّع و زارى‏

خدايا! تو را سپاس مى‏گزارم، و تو شايسته سپاسى. سپاس در برابر احسان نيكويت به من. و فراوانى نعمت‏هايت بر من، و عطاى بزرگت نزد من. سپاس بر رحمتت كه به سبب آن مرا برترى بخشيدى، و بر نعمتت كه بر من سرشار و فراوان فرمودى، به اندازه‏اى به من خوبى كردى كه سپاس و شكرم از آن عاجز است، و اگر احسانت نسبت به من نبود، و نعمت‏هاى سرشارت در سرزمين زندگى من نمى‏ريخت، نمى‏توانستم نصيب خود را از آن به دست آورم، و وجودم را اصلاح كنم.

اين تو بودى كه بى‏مقدمه، احسانت را نسبت به من آغاز كردى و كفايت و بى‏نيازى در تمام كارهايم را روزى من كردى، و رنج و زحمت بلا را از من گرداندى، و قضاى دهشت‏زا را از من منع كردى.

خداى من! چه بسيار بلاى جانكاه كه از من گرداندى، و چه بسيار نعمت فراوانى كه ديده‏ام را به آن روشن ساختى، و چه بسيار خوبى‏هاى ارجمندى كه از ناحيه تو نزد من است!!

تويى كه به وقت ناچارى و درماندگى، دعايم را اجابت كردى و به وقت افتادن در مهلكه گناه، از لغزشم گذشتى، و حقوق مرا كه دشمنان به زور و ستم‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 310

از من ربوده بودند، بازستاندى.

خداى من! هنگامى كه در پيشگاهت به گدايى برخاستم، تو را بخيل نيافتم، و زمانى كه آهنگ تو كردم، منقبض و گرفته‏ات نديدم؛ بلكه تو را شنونده دعايم، و عطا كننده خواسته‏هايم يافتم، و نعمت‏هايت را در هر حالى از حالاتم و هر زمانى از زمان‏هايم، بر خود سرشار و كامل مشاهده كردم. تو نزد من ستوده‏اى، و خوبيت نزد من مورد سپاس و شكر است. جان و زبان و عقل من تو را مى‏ستايند؛ ستايشى كه بر عرصه كمال و حقيقت شكر برسد؛ ستايشى كه در قلّه نهايت خشنودى تو از من باشد. پس مرا از خشمت نجات ده.

اى پناه من در زمانى كه راه‏هاى گوناگون و بى‏ربط مرا خسته مى‏كند و به زحمت مى‏اندازد. اى گذشت كننده از لغزش‏هايم، اگر عيب پوشى تو نبود، از رسوا شدگان بودم، اى توانايى دهنده من به نصرت و يارى، اگر يارى تو نبود از شكست خوردگان بودم. اى كه پادشاهان يوغ ذلّت و خوارى را در پيشگاهش به گردن نهاده‏اند، و از عذاب‏ها و عقاب‏هايشان ترسانند! اى اهل تقوا! اى كه نام‏هاى نيكو براى اوست! از تو مى‏خواهم كه از من بگذرى و مرا بيامرزى.

بى گناه نيستم تا معذور باشم. نيرومند نيستم، تا پيروزى به دست آورم.

گريزگاهى ندارم، تا بگريزم. گذشت از لغزش‏هايم را از تو مى‏خواهم؛ از گناهانى كه مرا به ذلّت و خوارى نشانده و سراپايم را گرفته و به عرصه هلاكت در آورده، بيزارى مى‏جويم.

پروردگارم! از تمام گناهانم در حال توبه و انابه به جانب تو گريختم؛ پس توبه‏ام را بپذير.

پناهنده‏ام! پناهم ده. امان مى‏خواهم، واگذارم نكن. گدايم، محرومم مفرما.

دست به دامانم، رهايم مكن. خواهنده‏ام، نوميدم برمگردان.

اى پروردگارم! در حالى كه مسكين، درمانده، هراسناك، بيمناك، ترسناك،

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 311

تهيدست، و مضطّر به درگاه توام، تو را مى‏خوانم.

اى خداى من! از ناتوانى وجودم، نمى‏توانم نسبت به آنچه به دوستانت وعده دادى شتاب ورزم، و از آنچه دشمنانت را از آن برحذر داشتى، دورى كنم، و از اندوه زيادم و وسوسه نفسم، به تو شكايت مى‏كنم.

خداى من! به خاطر زشتى باطنم رسوايم مكن، و به گناهم هلاكم مساز. تو را مى‏خوانم و تو مرا اجابت مى‏كنى؛ گر چه هنگامى كه تو مرا مى‏خوانى، در اجابتت كندى مى‏كنم.

هر حاجتى كه دارم، از تو مى‏طلبم و هر كجا و در هر موقعيّتى كه باشم، رازم را به تو مى‏سپارم. غير تو كسى را نمى‏خوانم، و به احدى جز تو اميد ندارم.

لبّيك؛ لبّيك؛ شكايت كسى را كه به درگاهت شكايت كند مى‏شنوى، و به آن كه به حضرتت اعتماد كند رو مى‏كنى، و هر كه به دامان رحمتت در آويزد، از ناراحتى و رنج خلاصش مى‏كنى، و هر كه به تو پناه آورد، غم و اندوهش را بر طرف مى‏كنى.

خداى من! به خاطر كمى شكرم از خير آخرت و دنيا محرومم مكن و گناهانى كه از من خبر دارى بيامرز. اگر مرا عذاب كنى، من همان ستمكار، مقصّر، ضايع كننده، گناهكار، كوتاهى كننده، سست رأى، و ساده لوح و كودن نسبت به نصيب و بهره خويشم و اگر مرا بيامرزى، تو مهربان‏ترى مهربانانى!

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 312

دعاى 52 اصرار در درخواست از خداى تعالى‏

اى خدايى كه چيزى در زمين و آسمان بر او پوشيده نيست! اى خداى من! چگونه بر تو پوشيده باشد، چيزى كه خود آفريده‏اى؟ چگونه آنچه را ساخته‏اى، از دايره دانشت بيرون باشد؟ يا چگونه از تو پنهان بماند، آنچه را كه تو تدبيرش مى‏كنى؟ يا چگونه مى‏تواند بگريزد، كسى كه جز به روزيت زنده نيست؟ يا چگونه نجات پيدا مى‏كند، كسى كه در غير مملكت تو راهى برايش وجود ندارد؟

منزّه و پاكى، ترسنده‏ترينشان، عامل‏ترين آنها به طاعت توست، و پست‏ترين آنها در پيشگاهت، كسى كه روزيش را مى‏دهى، و او غير تو را مى‏پرستد.

منزّه و پاكى، كسى كه برايت شريكى انگاشته و پيامبرانت را تكذيب كرده، از سلطنتت نمى‏كاهد، و كسى كه قضايت را ناپسند دارد، قدرت ردّ كردن فرمانت را ندارد، و كسى كه تواناييت را تكذيب كند، نمى‏تواند خود را از قهر و غلبه تو باز دارد، و كسى كه غير تو را بپرستد، از احاطه و تصرّف و عذاب تو در نرود، و هر كه لقاى تو را ناپسند دارد، در زندگى دنيا ابدى و جاودانه نخواهد ماند.

منزّه و پاكى، چه بزرگ است مرتبه‏ات، و غالب و قاهر است پادشاهيت، و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 316

شديد است نيرويت، و نافذ است فرمانت.

منزّه و پاكى، فرمان مرگ را بر همه آفريده‏هايت ثابت و پابرجا كرده‏اى، چه آن كه تو را به وحدانيت مؤمن شده، يا آن كه به حضرتت كافر گشته، همگى طعم مرگ را مى‏چشند، و به سويت باز مى‏گردند.

مبارك و برترى، خدايى جز تو نيست، تنها و بى‏شريكى، به تو ايمان آوردم، و رسولانت را تصديق كردم، و قرآنت را پذيرفتم، و به هر معبودى جز تو كافر شدم، و از هر كه غير تو را بپرستد، بيزارى جستم.

خدايا! روز را به شب، و شب را به روز مى‏رسانم، در حالى كه عملم را اندك مى‏شمارم، به گناهم معترفم، به خطايم اقرار دارم. من به سبب اسراف بر نفسم از طريق گناه خوارم، عمل زشتم هلاكم كرده، هوسم مرا پست كرده، شهواتم مرا از رحمتت محروم نموده، از تو درخواست مى‏كنم اى مولايم! درخواست كسى كه نَفْسش محض آرزوى درازش به پوچى و سرگرمى و بيهوده كارى دچار شده، و بدنش به خاطر نگران نبودن از عذاب و عقاب، و دورى از عبادت و تن‏پرورى، غافل مانده. از اين جهت رگ و پى‏اش در آرامش به سر مى‏برد، و اضطراب و لرزشى ندارد، و دلش به سبب فراوانى نعمت به فتنه لذّت مفتون شده، و انديشه‏اش نسبت به فرجام كارش اندك است.

از تو درخواست مى‏كنم؛ درخواست كسى كه آرزو بر او چيره شده و هوى‏ و هوس او را به فتنه انداخته، و دنيا بر او مسلّط گشته، و مرگ بر سرش سايه انداخته. از تو درخواست مى‏كنم؛ درخواست كسى كه گناهانش را بسيار و فراوان شمرده، و به خطايش اعتراف كرده؛ درخواست كسى كه پروردگارى جز تو و سرپرستى غير تو، و نجات دهنده‏اى از تو و پناهگاهى از تو جز به سوى تو ندارد.

خداى من! به حق لازم و واجبى كه در همه آفريده‏هايت دارى، و به نام‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 317

بزرگت كه به پيامبرت دستور دادى، تو را به آن تسبيح كند، و به بزرگى ذات كريمت كه كهنه نمى‏شود، و دگرگون نمى‏گردد، و تغيير حال نمى‏يابد، و فانى نمى‏شود، از تو مى‏خواهم كه بر محمّد و آل محمّد درود فرستى، و مرا با بندگيت از هر چيز بى‏نياز كنى، و به خاطر ترس از تو، ارتباطم را با دنيا قطع فرمايى، و كرامت و رحمت فراوانت را به من برگردانى.

به سوى تو مى‏گريزم و از تو مى‏ترسم و به تو فريادرسى مى‏كنم، و تو را اميدوارم و تو را مى‏خوانم و به تو پناه مى‏آورم، و به تو اعتماد مى‏كنم، و از تو يارى مى‏خواهم، و به تو ايمان مى‏آورم، و بر تو توكّل مى‏كنم، و بر جود و كرمت تكيه مى‏زنم.

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 318

دعاى 53 ذلّت به پيشگاه حضرت حق‏

پروردگارا! گناهم مرا از گفتار باز داشته، و رشته سخنم به خاطر شدّت شرمندگى از هم گسيخته، بهانه و عذرى و دليل و برهانى برايم نيست. به بلا و مصيبتم كه گناهان من است اسيرم، در گرو كردارم رفته‏ام، سرگردان خطاهاى خود هستم، در اراده و آهنگم نسبت به امور سرگردانم، با تمام وجود درمانده‏ام، خود را در جايگاه خواران گنهكار واداشته‏ام؛ جايگاه تيره بختانى كه بر تو جرى شده‏اند، و وعده‏ات را سبك شمرده‏اند.

منزّه و پاكى. با چه جرأت نسبت به روى گردانى از دستورهايت دلير شدم؟! و با كدام عامل هلاكت، خود را به نابودى انداختم؟!

سقوط و به رو در افتادنم، و لغزش گامم را رحمت آر، و به نادانيم با بردباريت و به بدكرداريم با احسانت به من بازگرد. من به گناهم اقرار دارم و به خطايم اعتراف مى‏كنم. اين دست و سر من است كه براى قصاص از نفسم آن را به زارى تسليم مى‏كنم. به پيرى و به پايان رسيدن روزگارم، و نزديك شدن مرگم و ناتوانى و بيچارگى‏ام، و كمى تدبيرم رحم كن.

مولاى من! هنگامى كه اثر و نشانم از دنيا قطع شد و زير خاك رفتم، و يادم از خاطر آفريده‏ها محو شد، و هم چون كسى كه فراموش شده، در زمره فراموش‏

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 322

شدگان قرار گرفتم، به من رحمت آر.

مولاى من! هنگامى كه چهره و حالم دگرگون شود و بدنم بپوسد و اعضايم از هم بپاشند و پراكنده شوند، و پيوندهايم بگسلد، بر من ترحّم فرما.

اى واى بر بى‏خبرى من نسبت به آنچه كه در برزخ و قيامت و كنار ميزان و صراط از من خواسته مى‏شود!

مولاى من! مرا در برانگيختن و زنده شدنم رحم كن، و در آن روز جايگاهم را با اوليايت، و محل برآمدن و حركتم را در ميان عاشقانت، و مسكنم را در جوارت قرار ده اى پروردگار جهانيان!.

دعاى 54 درخواست از حق جهت دور گرداندن اندوه‏ها

اى زاينده اندوه و برطرف كننده غم! اى رحمان دنيا و آخرت و مهربان هر دو جهان! بر محمّد و آل محمّد درود فرست و اندوه مرا بزداى، و غمم را برطرف كن.

اى يگانه! اى يكتا! اى بى‏نياز! اى كسى كه نزاده و زاده نشده و احدى براى او همتا نيست! حفظم كن و پاكم فرما، و مصيبت و بلايم را از ميان ببر- «در اين قسمت از دعا آية الكرسى و سوره فلق و ناس و قل هو اللّه احد را بخوان و بگو:»- خدايا! از تو درخواست مى‏كنم؛ درخواست كسى كه نيازش شديد، و نيرويش ضعيف و گناهانش زياد شده، درخواست كسى كه براى نيازمنديش فرياد رسى، و براى ناتوانيش نيرو دهنده‏اى، و براى گناهش آمرزنده‏اى، غير تو نمى‏يابد.

اى صاحب جلال و اكرام! عملى را از تو درخواست مى‏كنم كه هر كس آن را انجام دهد، به خاطر آن دوستش دارى و يقينى را مى‏خواهم كه به سبب آن كسى را سود مى‏دهى كه در مسير جريان فرمان و اراده‏ات به وسيله آن يقين، حق اليقين را به دست آورد.

خدايا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست و جان مرا بر پايه صدق در نيّت و

ترجمه صحيفه كامله سجاديه، ص: 326

عمل و اخلاق قبض كن، و نيازم را از دنيا بگسل و رغبتم را در آنچه نزد توست، در حالى كه مشتاق لقايت باشم، قرار ده و صدق توكّل بر وجود مباركت را به من ببخش. از تو بهترين سرنوشتى كه مقدر شده درخواست مى‏كنم، و از بدترين سرنوشتى كه مقدر شده به تو پناه مى‏آورم. ترس بندگان را از مقامت و بندگى فروتنان را برايت، و يقين توكّل كنندگان را بر وجودت، و توكّل مؤمنان را بر حضرتت از تو درخواست دارم.

خدايا! رغبتم را در خواسته‏هايم مانند رغبت عاشقانت در خواسته‏هايشان، و ترسم را مانند ترس دوستانت قرار ده، و مرا در عرصه خشنوديت به كار و عملى به كارگير، كه با آن چيزى از دينت را به خاطر ترس از كسى از آفريده‏هايت رها نكنم.

خدايا! اين است حاجت من، رغبت و ميلم را در آن بزرگ كن، و عذرم را در آن آشكار فرما، و حجّتم را در آن بر زبانم گذار، و جسمم را در آن سلامت بخش.

خدايا! كسانى صبح مى‏كنند در حالى كه به غير تو اعتماد و اميد دارند؛ ولى من صبح كردم در حالى كه در تمام امورم اعتماد و اميدم تويى. براى من به آنچه سرانجامش از همه بهتر است حكم فرما، و از فتنه‏هاى گمراه كننده نجاتم ده، به مهربانيت اى مهربان‏ترين مهربانان! و درود خدا بر سرور ما محمد، فرستاده برگزيده خدا و اهل بيت پاكش.